



پیشنهاد یک مجموعه کامل

قانون اساسی

معماری شده برای پیشرفت ایران

در گام دوم انقلاب

در مسیر نیل به ساختن تمدن نوین ایرانی - اسلامی

۱۳۹۸ / ۰۱ / ۰۸

پژوهش و تدوین: مهدی مقیدنیا

ویرایش پنجم

روزی از دوستی خواستم یک مقایسه ساده بین شهید چمران خودمان با گاندی، رهبر هند داشته باشد. کدام خصوصیت گاندی، آن مرد بزرگ، بر چمران ما برتری داشته است؟ ما هیچ نیافتیم. پس چرا او آن شد و این در دشتی از آزادگان و نام یک خیابان گم شد؟

روزی دیگر از دوستی دیگر پرسیدم که اگر همین امروز مثلاً مردم کشور آلمان بگویند که ما می‌خواهیم یک کشور مسلمان و البته شیعه شویم، ما بعنوان طلایه‌دار و آغازگر این ادعا چه می‌توانیم به آن‌ها بدهیم؟ ما هیچ نداشتیم.

بارها با خودم می‌اندیشیدم که برای راهبری کردن یک انقلاب در یک کشور، شاید یک شهید همت الگو کافی بود. پس چرا با وجود صدها تن از این همت‌ها و صدها هزار قله‌های خلوص سایر رزمندگان بی‌ادعای کشورم، در کدام پیچ تند آن‌ها را جا گذاشتیم که تا بخود آمدیم، این روزها باید بحث کنیم که آیا فسادها سیستمی است و یا معلول مشتی برده زر و زور و تزویر؟

در این سال‌های اخیر بدنبال آن بودم که چرا در کار انقلاب چنین گره کوری افتاده است و ما کجاها اشتباه کردیم که علی‌رغم این همه دستاورد و اسوه‌های ایمانی، باید خجالت‌زده توده مردم نجیب، مادران و فرزندان شهیدان، جانبازان صبور و ایثارگران، این صاحبان اصلی انقلاب باشیم؟

مرور سریع خاطرات و سرگذشت سرزمینم در این چهار دهه نیز، چندان کافی برای حل این پرسش‌ها بنظر نمی‌رسیدند. چرا؟ تا این که روزی دیگر خودم را در قاب پنجره‌ای جا گذاشتم و چشم‌هایم را چندباره شستم و غوغای درون و وجدانم را کمی آرام کردم.

دیدم حتی آن پیر مرد مبارز و فرزانه، معلم اخلاق، استاد فلسفه و طراح کشورم هم، از هیچ خردمند و پیامبری نیاموخته بود که در چنین روزگاری و از میان انبارهای از ایسم‌ها، کدام ساختار و شیوه حکمرانی را برای کشورم باید انتخاب می‌کرد، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد؟

اما باور دارم که آن رهبر دو چیز را خوب می‌شناخت: مردم و اسلام ناب را و بدینسان، کشورم را جمهوری اسلامی نامید. هر چند که تا خودش بود، اصلاً مهم نبود که نام حکمرانی کشورم چه باشد، هر چه می‌گفت، ما رأی می‌دادیم. حالا که خوب می‌نگرم، من و حتی هیچ کس، نمی‌دانستیم که این ترکیب جدید چه در درونش نهفته است و ما را به کجا خواهد برد؟

آیا جمهوریت اصالت ندارد و تنها گذرگاهی برای بردن کاروان انسانی به آن دنیاست و اسلام دستگیر و چراغ راهنمایی برای عبور؟ پس چه کسی مسئول دنیای مردم است؟ در این میانه، با حقوق اقلیت‌ها چه باید کرد تا نادیده و گاهی پایمال اکثریت نشوند؟ اگر همان مردم این روزها بطور اساسی کارآمدی برخی ساختارها را قبول نداشته باشند، چه باید بکنند؟ تجربه نشان داد که پرتوافشانی آن چراغ هم چندان نبود و شاید در انحصار برخی بود. آیا واکنش‌های طبیعی دهسال گذشته بیانگر همین نکته‌ها نیست؟ اشکال‌ها کجا بودند؟

به مجموعه‌ای بنام قانون اساسی رأی دادیم که شاید هیچ نخوانده بودیم و اگر هم می‌خواندیم، شاید چندان درک نمی‌کردیم و در میدان التهاب از دست دادن آن رهبر فرزانه، به تنها چیزی که نمی‌اندیشیدیم، بازنگری آن بود، ولی شد، بی‌آنکه بدانیم که چه شد. بعدها دیگران ساختار کشورم را نوعی مردم‌سالاری دینی نامیدند، ظاهراً این تعبیر کمی بیشتر در ذهن می‌نشست، ولی چندان کارساز نبود.

اینک که با دقت و فرصت بیشتر، با نگاه تیزبین و تجربهٔ چهل ساله، قانون اساسی را مورد بررسی قرار دادیم، فهمیدیم که چرا چندان هم نمی‌توانسته است راهگشا باشد. ولی از من نخواهید که در این فرصت، از سراپا اشکالات آن حرفی بمیان آورم که سر و دل پری دارم از واضعان آن و ترسم که قلمم به خطا، گزافه‌ای نثار زحماتشان کند و از دایرهٔ شکر خارج شوم، چه آنان هر چه در توان داشتند، مضایقه نکرده بودند.

آنچه حاصل شد این بود که اسلامیت و آن فقه پویای شیعی از جمهوریت جا ماند و بجای آن زورمداری دوستان در جای جای کشور بجای راهبردها، جا خوش کردند و گردش اندیشه‌ها صورت نگرفت و ساختارهای از اساس ضعیف هر روز کم‌رنگتر شدند و بی‌اعتمادی بر دل‌ها و حتی اذهان نشست.

بهر حال این گونه شد که در فضای سردرگمی، سر و کارمان افتاد به: ستیزه‌جویی‌های سیاست‌بازان، اندیشه‌ورزان وارداتی، روبه‌پان ظاهرصلاح، کاسه‌لیسان مداهنه مرام، دوستان نافهم و کج‌اندیش و تنگ‌نظر، خوشه‌چینان و مدعیان میراث‌خواه از درخت نازک انقلاب، رانت خوران پلید، مسئولین بی‌درد، دست‌درازان و دزدان، همه و همه از یک طرف، هجمه‌های فرهنگی و نفوذهای آشکار و پنهان فکری و تحریم‌های ظالمانه بیگانگان با هدف براندازی از طرفی دیگر و هر چه هشدارها و رهنمایی‌ها که سکاندار این کشتی طوفان‌زده هم گاهی گفت، در هیاهوی بازی سیاست گم شدند.

برآیند همهٔ این‌ها، ناکارآمدی و طلیعهٔ شکست را باعث گردیدند و ما را به ورطه‌ای سخت انداختند و چه بسیار پیشرفت‌ها و خون دل خوردن‌ها نیز در این فضای غبارآلود گم شدند.

اکنون که در آستانهٔ شروع گام دوم انقلاب قرار داریم، به یقین دریافتم که با این ساختار حکمرانی که در قانون اساسی فعلی و گذشتگان برایمان نوشته‌اند، راه به جایی نخواهیم برد.

ابتدا حرف‌ها را باید درست کنیم، سپس پیاده‌سازی آن را بدست آدم‌های درست بسپاریم.

در مجموعه قوانین اساسی جدید سعی بر آن بوده که خشت‌ها از ابتدا کج نباشند و با نوآوری، نهادهای قانونی بگونه‌ای طراحی شوند، تا مردم‌سالاری و حکمرانی دینی مانند دو کفهٔ ترازو، شاهین جمهوری اسلامی را همواره بر مسیر درست و عدالت نگهدارند.
ان‌شاءالله.

راهنمای مجموعه قوانین اساسی:

در همین آغاز ممکن است برخی‌ها خرده بگیرند که قانون اساسی نمی‌تواند این مقدار طولانی و اغلب با جزئیات باشد. تجربهٔ گذشته ثابت کرد که همین کلی‌گویی‌ها و شعارها باعث شدند تا با وجود قانون اساسی از همان آغاز، راه را گم و موجبات بسیاری از توجیه‌گری‌ها را فراهم کردیم. از طرف دیگر، تولید ده‌ها سند بالادستی و سیاست‌گذاری در گذشته و حال، نشان داد که قانون اساسی می‌تواند به این گونه موارد هم ورود داشته باشد و ما را در آینده کمتر به این کارها بکشاند.

ولی با این وجود، ساختار این مجموعه قوانین در عین حال بسیار ساده است:

۱- اصول ۱ و ۲، بیانگر کلیات و اهداف اولیه است.

۲- اصل سوم مهمترین اصل می‌باشد، زیرا در آن نهادهای ۳۴گانه تعریف می‌شوند و سایر اصول با این اصل ارتباط دارند.

۳- اصول ۴ تا ۸ مواردی اساسی دربارهٔ این نهادها را بیان می‌کنند.

۴- اصل ۹ دربارهٔ روابط خارجی و جایگاه کشور در بین سایر ملل تعیین می‌کند.

۵- اصول ۱۰ تا ۱۴ به موارد دین، مذاهب و حقوق اقلیت‌ها می‌پردازد.

- ۶- اصل ۱۵ به نقش گروه‌ها و احزاب در انتخابات شوراهای شهری و روستایی و مجلس شورای اسلامی مواردی را بیان می‌کند.
- ۷- اصول ۱۶ تا ۱۷ به ساختار اقتصادی بخش خصوصی در کشور اشاره دارند.
- ۸- اصل ۱۸ میزان دخالت و ورود دولت به امور بنگاه داری و اقتصادی را مشخص می‌کند.
- ۹- اصل ۱۹ انواع شرکت‌های خصوصی قابل قبول در کشور را تشریح می‌کند.
- ۱۰- اصل ۲۰ درباره نهاد خانواده می‌باشد.
- ۱۱- اصل ۲۱ درباره نهاد مدرسه و آموزش و پرورش، اصل ۲۲ در مورد نهاد هنر و سینما و اصل ۲۳ درباره نهاد مراکز عمومی و حجاب می‌باشد.
- ۱۲- اصل ۲۴ تا ۲۵ درباره نهاد شهرداری‌ها و شوراهای روستایی و شهری و شهرک‌های اقتصادی می‌باشند.
- ۱۳- اصل ۲۶ بطور مشخص درباره نقش گروه‌ها و احزاب سیاسی بویژه در ارتباط با انتخابات، مطالبی را بیان کرده است.
- ۱۴- اصل ۲۷ درباره تعریف جدید اصناف و نقش آنها در حاکمیت می‌باشد.
- ۱۵- اصل ۲۸ و ۲۹ درباره نهاد دانشگاه‌ها، اصل ۳۰ نهاد اقشار و نژاد، اصول ۳۱ و ۳۲ درباره نهاد مطبوعات، اصل ۳۳ درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و اصل ۳۴ درباره نهاد سازمان اموال و احسان عمومی می‌باشند.
- ۱۶- اصل ۳۵ نهاد سازمان امور دینی، مساجد و مدارس دینی اقلیت‌ها را بیان می‌کند.
- ۱۷- اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹، بانک‌ها، انواع شیوه‌های وام‌دهی، بانک مرکزی و بانک‌های خارجی را توضیح می‌دهد.
- ۱۸- اصل ۴۰ درباره نهاد فرهنگ جهان اسلام و حج، اصل ۴۱ درباره شورای عالی فرهنگ عمومی کشور، اصل ۴۲ درباره سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور می‌باشند.
- ۱۹- اصل ۴۳ درباره نهاد صدا و سیما، اصل ۴۴ درباره شورای عالی امنیت ملی و نظارت بر اجرای قانون اساسی، اصل ۴۵ درباره نهاد محیط‌زیست، اصل ۴۶ درباره نهاد سازمان ثبت اسناد رسمی و اصل ۴۷ درباره نهاد استاندارد می‌باشند.
- ۲۰- اصل ۴۸ درباره بیمه مرکزی، اصل ۴۹ درباره نهاد انرژی اتمی می‌باشند.
- ۲۱- اصل ۵۰ درباره مجلس شورای اسلامی و اصل ۵۱ درباره شورای نگهبان، اصل ۵۲ درباره مجمع تشخیص مصلحت نظام، اصل ۵۳ درباره مجلس خبرگان رهبری و اصل ۵۴ درباره قوه مقننه می‌باشند.
- ۲۲- اصل ۵۵ درباره دولت و اصل ۵۶ درباره استانداران و اصل ۵۷ مربوط به نیروهای مسلح کشور و اصل ۵۸ درباره رهبر می‌باشند.

بهر حال آنچه ملاحظه می‌نمائید حاصل هزاران ساعت پژوهش و نگاشتن و چندین سال تجربه شخصی در ویرایش صفر است، پس حتماً بی‌عیب نیست و حق سروری بر گردن نگارنده خواهید داشت، اگر کاستی‌های آن را برای من آشکار کنید.

تدوین: مهدی مقیدنی، پژوهشگر راهبردی حکمرانی و سیاست‌گذاری

۱۳۹۸ / ۰۱ / ۰۸

۰۹۱۲۱۰۱۹۴۶۳

Mahdi_m_n@yahoo.com

اصل ۱- نوع حکومت در کشور ایران، جمهوری اسلامی و الگوی آن مردم سالاری است که بر اساس دین اسلام بطور عام و قوانین مندرج در این سند ملی بطور خاص، در مسیر نیل به ساختن یک تمدن نوین ایرانی- اسلامی، اداره می شود. هیچ فکر و یا اراده فردی و یا گروهی نمی تواند و نباید مفاد این مجموعه را در عمل نقض نماید و تنها با رأی بیش از دو سوم کسانی که می توانند در نظر سنجی عمومی کشوری شرکت نمایند، می تواند اصول و یا بندهایی از آن حذف، اصلاح و یا جایگزین شود. جایگاه حاکمیتی این مجموعه قوانین اساسی، بالاترین و از نظر استناد، پایه ترین محسوب می شود. سایر اسناد بالادستی، قوانین، آئین نامه ها و رویه ها و تصمیم های اجرایی بعدی کشور، باید مبتنی بر این مجموعه باشند و از این پس، قوانین عادی نامیده می شوند.

اصل ۲- در کشور ایران عمل به قانون برای همه یکسان و لازم است و همه در برابر نقض آن، به نسبت خسارتی که به خود و یا دیگران وارد کرده اند، بر اساس قوانین عادی دارای تنبیهی قانونی خواهند بود.

اصل ۳- مردم سالاری در کشور ایران با اعمال قوانین، حقوق و دیدگاه های عموم و یا در مواردی خصوص شهروندان از طریق نهادهای قانونی تحقق می یابد. نهادهایی که در این مجموعه قوانین اساسی برای کشور به رسمیت شمرده می شوند و هر یک بقدر خود در سازندگی و پیشرفت آن مؤثر و دارای حقوقی هستند، بشرح بندهای زیر مشخص و تعریف شده اند. در قوانین عادی لازم است تا تعاریف، محدوده ها و یا حقوق هر یک از این نهادهای رسمی، در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی توسعه یافته و یا تکمیل شوند. شکل گیری موازی و یا بالاتر هر نهاد جدیدی در کشور برای کارکردهای مشابه این نهادها، در هیچ شرایطی مجاز نمی باشد.

بند ۱- فرد: منظور هر کسی است که برابر قوانین عادی، شهروند کشور ایران محسوب شده و یا بدلیل داشتن تابعیت دوگانه دیگر کشورها و ایران، تقاضای استفاده از حقوق شهروندی و قوانین ایران را داشته باشد. فرد کوچکترین واحد حقوقی در کشور محسوب می شود.

بند ۲- خانواده: منظور کوچکترین واحد اجتماعی کشور می باشد که حداقل دارای دو عضو از افراد: پدر (شوهر)، مادر (زن)، فرزندان و یا دیگر کسانی که برابر قوانین عادی با این افراد، در یک محیطی بنام خانه، زندگی می کنند، می باشد. خانواده از نظر فرهنگی و تربیتی، پایه ترین و مؤثرترین نهاد در کشور می باشد.

بند ۳- مدارس: به واحدهای آموزشی از ابتدای مهدکودک، پیش دبستانی، آموزش های دبستانی تا پایان دبیرستان، اعم از آن که اداره آنها بطور کامل با دولت بوده و یا بر اساس قوانین عادی، با بخش خصوصی باشند، اطلاق می شود.

بند ۴- دانشگاه ها: به واحدهای آموزشی عالی بعد از دبیرستان در مقاطع فوق دیپلم تا پایان پسا دکتری اعم از آن که اداره آنها بطور کامل و یا جزئی با دولت بوده و یا بر اساس قوانین عادی، با بخش خصوصی باشند، اطلاق می شود. این واحدها از نظر تربیت و تأمین نیروها و مدیران متعهد، کارآمد و خلاق کشور، مهمترین نهاد می باشند.

بند ۵- مراکز اقتصادی: به مراکز کسب و کار صنعتی، کشاورزی، معدنی، آموزشی، درمانی و خدماتی گفته می شود که بقصد کسب درآمد و سودآوری توسط شهروندان کشور تأسیس می شود. این واحدها در واقع سلول های واحد اقتصادی کشور محسوب و برابر این مجموعه قوانین اساسی و یا سایر قوانین عادی، دارای حقوقی ویژه خواهند بود.

بند ۶- سازمان هنر و سینما: این نهاد مردمی مسئول تأمین، پیگیری و تدوین حقوق ویژه همه افراد، گروه ها، مجامع و سازمان های تولیدی و عرضه محصولات صوتی، تصویری، نمایشی، خوش نویسی، نگارگری و سایر محصولات فرهنگی است که توسط شهروندان و بخش خصوصی کشور پدید می شوند، می باشد. این سازمان که توسط شهروندان هنرمند در بخش خصوصی در چارچوب این

مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی ایجاد و اداره می‌شود، نماینده رسمی و حقوقی همه هنرمندان می‌باشد. هنرمندان و واحدهای هنری که در مجموعه‌های دولتی هستند، می‌توانند عضو سازمان باشند و از مزایای عمومی آن بهره‌مند شوند.

بند ۷- مراکز و اماکن عمومی: به مکان‌هایی مانند: معابر و خیابان‌های شهری و بین‌شهری، داخل وسایل نقلیه عمومی و خصوصی، پارک‌ها و مناطق تفریحی عمومی، جنگلی و کوهستانی، اماکن ورزشی و تفریحی خصوصی و عمومی، کلیه ادارات دولتی و مراکز خرید، درمانی، آموزشی و دانشگاه‌های خصوصی و دولتی، سالن‌های نمایش و جشن‌ها و سایر مواردی مانند این‌ها اطلاق می‌شود که شهروندان کشور در آن‌ها با یکدیگر معاشرت دارند.

بند ۸- شهرداری‌ها: اداره مردمی همه امور اجتماعی، اقتصادی، انتظامی، عمرانی، سیاسی، فرهنگی و علمی شهرها در کشور ایران با نظارت شورایی از منتخبین آن‌ها و توسط شهردار انجام می‌شود.

بند ۹- گروه‌ها و احزاب سیاسی: بزرگترین نهادهای سیاسی مردمی هستند که بر اساس این مجموعه قوانین اساسی تشکیل می‌شوند و در تسهیم قدرت و حکمرانی در کشور مؤثر هستند.

بند ۱۰- سازمان اصناف: بالاترین نهاد اقتصادی مردمی است که بر اساس این مجموعه قوانین اساسی تشکیل می‌شود و مهمترین نقش در تدوین سیاست‌ها، راهبردها و تصمیم‌گیری‌های صنعتی، بازرگانی و خدماتی در کشور را ایفاء می‌کند.

بند ۱۱- سازمان مطبوعات: نهادی ارتباطی، مردمی و یک‌سویه است که مسئولیت اداره و نظارت بر امور جاری همه نشریات کاغذی اعم از انواع کتاب، مجلات، روزنامه‌ها، چاپ و امور تبلیغاتی را برعهده دارد.

بند ۱۲- سازمان شبکه‌های اجتماعی مجازی: نهادی ارتباطی، مردمی، یک‌سویه و یا گروهی، در شبکه ملی و یا جهانی، مبتنی بر بستر اینترنت و فضای مجازی است که مسئولیت اداره و نظارت بر محتوای اطلاعاتی، نوشتاری، دیداری، شنیداری و امنیتی این شبکه‌ها را برعهده دارد.

بند ۱۳- سازمان اموال و احسان عمومی کشور: این نهاد ادغامی از بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد علوی، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد شهید، امور معلولین و بیماری‌های خاص، کمیته امداد امام خمینی و طرح شهید رجایی می‌باشد و مسئولیت اداره و رسیدگی به کلیه اموال و دارائی‌های مراکز گفته شده، اموال ارثی بدون وارث، همچنین اموال رها و توقیف شده در گمرکات کشور و هرگونه اموال و دارائی‌هایی که برابر رأی دادگاه، بدون مالک تشخیص داده و یا به نفع عموم مردم مصادره شود را برعهده خواهد داشت.

بند ۱۴- سازمان امور دینی: این نهاد ادغامی از امور مساجد و ائمه جمعه، حوزه‌های دینی، بقاع متبرکه و اوقاف می‌باشد و مسئولیت اداره و رسیدگی به این موارد را برعهده خواهد داشت.

بند ۱۵- بانک‌ها: یکی از نهادهایی زیرساختی راهبردی در اقتصاد کشور هستند که بستر تعاملات مالی و پولی شهروندان کشور را فراهم می‌کنند.

بند ۱۶- بانک مرکزی: یک نهاد فرادستی در حوزه اقتصاد کلان است که به امور پولی، ارزی و اعتباری کشور و عملیات بانک‌های دولتی و خصوصی نظارت راهبردی می‌کند.

بند ۱۷- سازمان فرهنگ جهان اسلام و حج: این نهاد ادغامی از سازمان حج و تبلیغات اسلامی می‌باشد و مسئولیت تبلیغات فرهنگی، دینی، مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی در خارج از کشور و هماهنگی امور حجاج را برعهده خواهد داشت.

بند ۱۸- شورای عالی فرهنگ عمومی: یک نهاد فرادستی است که مسئولیت تعیین سیاست‌ها، شاخص‌ها، روال‌ها، راهکارها، نظارت بر عملکرد فرهنگی عمومی سایر نهادها، نتایج، دستاوردها و محصولات فرهنگی آن‌ها را برعهده دارد.

بند ۱۹- سازمان سامان‌دهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور: این نهاد مسئول جمع‌آوری، پردازش، اطلاع‌رسانی و برخی خدمات اطلاعاتی شغلی، تحصیلی، اقتصادی، دارائی، قضایی، سیاسی، اجتماعی و سلامت همه شهروندان حقیقی، حقوقی، نهادهای خصوصی و دولتی کشور می‌باشد.

بند ۲۰- سازمان صدا و سیما: نهادی است که مسئولیت اداره و تولید محصولات صوتی و تصویری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و خبرگزاری رسمی و دولتی کشور و همچنین نظارت و حمایت بر ایجاد و توسعه همین امور توسط افراد حقیقی و یا حقوقی بصورت غیردولتی را برعهده دارد.

بند ۲۱- شورای امنیت ملی و نظارت بر اجرای قانون اساسی: نهادی است که مسئولیت بررسی و تصمیم‌گیری در امور مهم و کلان دفاعی- امنیتی کشور و در مواردی، در سطح استان را برعهده دارد.

بند ۲۲- سازمان محیط‌زیست: نهادی فرادستی است که مسئولیت رسیدگی به امور محیط زیست دریایی، هوایی، زمینی، زیرزمینی و محیط‌های کسب و کار و شرایط شغلی کشور را برعهده خواهد داشت.

بند ۲۳- سازمان ثبت اسناد رسمی کشور: نهادی مستقل است که مدیریت و نظارت بر فرآیند ثبت و تأیید خرید و فروش اموال منقول، غیرمنقول، تولد و فوت، ازدواج و طلاق و سایر معاهدات شهروندان را برعهده دارد.

بند ۲۴- سازمان استاندارد محصولات صنعتی کشور: نهادی فرادستی است که مسئولیت شاخص‌گذاری و تعیین محدوده‌های کمی و کیفی محصولات و تولیدات داخلی و کالاهای وارداتی و صادراتی کشور را برعهده دارد.

بند ۲۵- سازمان مرکزی بیمه: نهادی بالادستی و فراگیر است که مسئولیت ساماندهی و اداره امور بیمه‌ای کشور را برعهده دارد.

بند ۲۶- سازمان انرژی اتمی: نهادی تخصصی و فراگیر است که به امور مواد پرتوزا در کشور می‌پردازد.

بند ۲۷- مجلس شورای اسلامی: مجلس شورای اسلامی: این نهاد یکی از چهار رکن اساسی اداره امور و مسئول نظام قانون‌گذاری و مهمترین نماد مردم‌سالاری کشور محسوب می‌شود.

بند ۲۸- شورای نگهبان قانون اساسی: نهادی تخصصی است که مسئولیت پاسداری انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با این مجموعه قوانین اساسی و موازین اولیه شرع اسلام و فقه شیعه را برعهده دارد.

بند ۲۹- مجمع تشخیص مصلحت نظام: نهادی فراگیر، راهبردی و مشورتی است که زیر نظر رهبری، مسئولیت حل برخی معضلات و مشکلات کلان کشوری در همه زمینه‌های محوله را برعهده دارد.

بند ۳۰- مجلس خبرگان رهبری: نهادی عالی و فرادستی و غیراجرایی است که مسئولیت نظارت بر عملکرد رهبری و تصمیم‌گیری در مورد انتخاب ایشان را برعهده دارد.

بند ۳۱- قوه قضائیه: این نهاد یکی از چهار رکن اساسی اداره امور و مسئول نظام قضایی و مهمترین نماد عدالت‌گستری کشور محسوب می‌شود.

بند ۳۲- دولت: این نهاد یکی از چهار رکن اساسی اداره امور و مسئول نظام اجرایی و مهمترین نماد پیشرفت کشور محسوب می‌شود.

بند ۳۳- نیروهای مسلح: نهادی نظامی است که تحت فرماندهی رهبر، مسئولیت برقراری امنیت داخلی و دفاع از مرزهای کشور را برعهده دارد.

بند ۳۴- رهبری: این نهاد یکی از چهار رکن اساسی اداره امور و مسئول دین‌مداری و نماد استحکام و یکپارچگی کشور می‌باشد.

بند ۳۵- همهٔ نهادهای مندرج در این اصل سوم دارای حقوقی هستند و این مجموعه قوانین اساسی و همچنین قوانین عادی، بیان‌گر حقوق قانونی آن‌ها هستند. همهٔ قوانین در کشور بطور کلی باید بصورت منظومه‌ای با یک روح، وحدت‌آفرین، سازنده و پیشران همهٔ نهادها و ارکان نظام در مسیر ساختن یک تمدن ایرانی- اسلامی باشند.

بند ۳۶- هیچ یک از قوانین در این مجموعه و یا قوانین عادی نمی‌تواند مخالف کل حقوق هر یک از نهادهای گفته شده باشد، ولی ممکن است در حین ادارهٔ کشور توسط این نهادها، برخی قوانین مزاحم و یا مانع از اجرای حقوق قانونی یک یا چند نهاد دیگر بطور دائمی و یا کوتاه‌مدت بشود. در این مجموعه قوانین اساسی و یا قوانین عادی باید برای این شرایط، راه حل تعیین شود.

بند ۳۷- هر یک از نهادهای گفته شده در چارچوبی که این مجموعه و یا قوانین عادی برای آن‌ها تعیین کرده است، آزادی فکر، عقیده، تصمیم و عمل را دارند و در برابر این حق آزادی، موظف هستند طبق قوانین عادی در وظایف خود کوتاهی نکنند و از طرف دیگر، به محدوده‌های قانونی دیگر نهادها نیز وارد نشوند. چنانچه بهر دلیلی نهادی باعث بروز هر گونه خسارت به سایر نهادها شود، برابر قوانین عادی باید میزان خسارت تعیین و همهٔ کسانی که در بروز آن خسارات مؤثر بوده‌اند، به نسبت باید جبران نمایند.

بند ۳۸- هیچ یک از نهادهای کشور مجاز نیستند برای گرفتن و یا اعمال حق قانونی خود به زور متوسل شوند. قوانین عادی کشور برای همهٔ موارد نیاز به اعمال قدرت، باید نوع، زمان، چگونگی و مجری آن‌ها را تعیین نماید.

بند ۳۹- و ضع قوانین عادی برای همهٔ نهادها باید بگونه‌ای باشد که باعث رواج و گرایش به دو ستی، وحدت، همکاری، مشارکت، تقسیم عادلانهٔ مسئولیت و پرورش استعدادها، خلاقیت و نوآوری در کشور شود.

اصل ۴- کشور ایران حکومت هر کشوری در دنیا که عضو سازمان ملل باشد را به رسمیت می‌شناسد. هرگونه توهین به پرچم و یا نماد قانونی این کشورها، ممنوع و برابر قوانین عادی، دارای تنبیه می‌باشد. دولت می‌تواند بر اساس بندهای زیر با کشورهای عضو سازمان ملل روابط برقرار نماید.

بند ۱- روابط خارجی کشور با سایر کشورها مبتنی بر عزت و استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، علمی و فناوری خواهد بود و می‌تواند با آن‌ها بر اساس منافع ملی و مشترک، روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و فناوری داشته باشد. در این میان، روابط با کشورهای همسایه باید همواره راهبردی، درازمدت، برادرانه و همه‌جانبه بوده و ضروری است، کشور ایران در توسعهٔ روابط و حل اختلافات احتمالی با این کشورها پیشگام باشد.

بند ۲- کشور در هیچ شرایطی نباید شروع کنندهٔ جنگ با سایر کشورها باشد.

بند ۳- مشارکت در دفاع از مرزهای کشور حقی مسلم، طبیعی و واجب برای همهٔ نهادهای کشور می‌باشد.

بند ۴- هرگونه حمایت مالی و یا ارسال قوا، ادوات، مشاور نظامی به هر یک از کشورهای همسایه، بشرط لازم آن که بنابر درخواست دولت قانونی آن کشور و برای سایر کشورها، بشرط کافی همراهی عملی با یکی از ۵ کشور اصلی سازمان ملل باشد، در هر دو صورت، تنها با رأی دوسوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی مجاز است.

بند ۵- هر نوع حمایت مالی، مادی و معنوی خیرخواهانه از افراد و یا گروه‌های مسلمان غیرنظامی و غیرمسلح ساکن در سایر کشورها، بشرط آن که گمان عملیات نظامی برای آن‌ها وجود نداشته باشد، مجاز است. کمک‌های انسانی ناشی از سوانح طبیعی و جنگ به سایر کشورها در حد توان همواره مجاز می‌باشد.

بند ۶- ایجاد و تحکیم روابط سیاسی با کشورهای مسلمان و یا اعضای سازمان کشورهای غیرمتعهد باید بطور ویژه پیگیری شود.

اصل ۵- دین رسمی، اصلی و تا ابد کشور ایران، اسلام می‌باشد و هر کس که بطور شفاهی و یا کتبی اقرار به سه اصل آن، توحید (لا اله الا الله)، حضرت محمد (ص) بعنوان خاتم پیامبران و معاد (روز قیامت) نماید، مسلمان می‌باشد. هیچ یک از مفاد این مجموعه قوانین اساسی و یا قوانین عادی نباید با این سه اصل مغایرت، منافات، تضاد و انحراف داشته باشد. این اصل در هیچ شرایطی قابل تغییر نمی‌باشد.

اصل ۶- مذهب رسمی، اصلی و تا ابد کشور ایران، شیعه دوازده امامی مبتنی بر فقه جعفری می‌باشد و این اصل در هیچ شرایطی قابل تغییر نمی‌باشد.

بند ۱- همه قوانین این مجموعه و یا قوانین عادی در کشور ایران باید بر مبنای این مذهب باشند و فقه شیعه جعفری باید با پویایی ذاتی خود، امکان وضع قوانین عادی جدید را در کشور فراهم کند.

بند ۲- سایر اقسام تشیع در کشور، اقلیت‌های مذهبی غیررسمی محسوب می‌شوند و هیچگاه دارای حقوق ویژه‌ای نخواهند بود.

اصل ۷- مذاهب بزرگ چهارگانه اهل تسنن، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، اقلیت‌های مذهبی رسمی در کشور می‌باشند و برابر همین مجموعه قوانین اساسی و قوانین عادی، دارای حقوقی ویژه خواهند بود.

بند ۱- این مذاهب چهارگانه می‌توانند در همه جای کشور دارای مساجد، حوزه‌های علمیه، کتب و رشته‌های تحصیلی ویژه مذهبی خود در مدارس و دانشگاه‌ها باشند و هیچ قانون عادی نباید محدودیتی برای این موارد در کشور وضع نماید. چگونگی اجرایی شدن این اصل را قوانین عادی تعیین می‌کند.

بند ۲- همه کسانی که دارای یکی از مذاهب چهارگانه اهل تسنن هستند، نمی‌توانند مشاغل رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان، وزرا و معاونین آنها در اطلاعات، خارجه، کشور، ارشاد و رؤسای نهادهای مندرج در بندهای ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳ و ۳۴ را احراز نمایند و هیچ قانون عادی نباید مانعی برای تصدی پیروان این مذاهب در سایر مشاغل بوجود بیاورد.

بند ۳- در مناطق مسکونی شهری و یا روستایی که جمعیت مذاهب چهارگانه اهل تسنن بیش از ۱۰ درصد باشند، لازم است تصدی مشاغل دولتی و نهادهای مجاز تا سقف ۷۰ درصد نسبت جمعیت این مذاهب در آن مناطق، در صورت داشتن سایر شرایط قانونی، به آنان واگذار شود. چگونگی اجرایی شدن این اصل را قوانین عادی تعیین می‌کند.

بند ۴- تعداد کل نمایندگان مذاهب چهارگانه اهل تسنن در مجلس شورای اسلامی، تا حداکثر ۵۰ درصد نسبت جمعیتی آنها در کشور، می‌تواند افزایش یابد.

بند ۵- در مناطق مسکونی شهری و یا روستایی که جمعیت مذاهب چهارگانه اهل تسنن بیش از ۳۰ درصد باشد، باید یک نماینده از اهل تسنن به مجلس شورای اسلامی راه یابد.

بند ۶- در مناطق مسکونی شهری و یا روستایی که جمعیت مذاهب چهارگانه اهل تسنن بیش از ۲۰ درصد باشند، حداقل یک عضو در شوراهای شهری و یا روستایی باید از اهل تسنن باشد.

بند ۷- در مناطق مسکونی شهری و یا روستایی که جمعیت مذاهب چهارگانه اهل تسنن بیش از ۵۰ درصد می‌باشند، حداکثر تا سقف ۸۰ درصد از اعضای شوراهای شهری و یا روستایی، می‌توانند از اهل تسنن باشند.

بند ۸- سایر اقسام اهل تسنن در کشور، اقلیت‌های مذهبی غیررسمی محسوب می‌شوند و هیچگاه دارای حقوق ویژه‌ای نخواهند بود.

اصل ۸- ادیان اقلیت رسمی در کشور ایران، زردشتی، یهودیت، مسیحیت (ارمنی، آشوری و کلدانی) هستند و برابر همین مجموعه قوانین اساسی و قوانین عادی، دارای حقوقی ویژه خواهند بود. سایر ادیان و مذاهب آن‌ها، غیر از موارد ذکر شده، در کشور دارای حقوقی ویژه نخواهند بود.

بند ۱- هر یک از ادیان رسمی تا جمعیت ۱۰۰ هزار نفر، زردشتی (یک نماینده)، یهودیت (یک نماینده) و مسیحیت دو نماینده (یکی ارمنی و دیگری از بین آشوری و کلدانی)، در مجلس شورای اسلامی شورای خواهند بود و برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت هر یک از آن‌ها در کشور، بازای هر ۵۰ هزار نفر افزایش، یک نفر به نمایندگان آن‌ها اضافه می‌شود.

بند ۲- پیروان ادیان رسمی می‌توانند برای عضویت در شوراهای روستایی و شهری، انتخاب شوند.

بند ۳- استخدام دولتی همه پیروان ادیان رسمی بویژه در مشاغل فنی و تخصصی، علمی، دانشگاهی، مشاوره‌ای و یا در سایر موارد غیرحساس از نظر امنیتی، نظامی و اطلاعاتی، مجاز می‌باشد.

بند ۴- هر یک از ادیان رسمی می‌توانند دارای اماکن و انجام مراسم‌های مذهبی و تعالیم دینی خود در آن‌ها باشند.

بند ۵- ادیان رسمی می‌توانند دارای مدارس در مقاطع رسمی ویژه‌ای برای خود باشند. لازم است تا حد امکان برای پیروان این ادیان متون درسی دینی و مذهبی خاصی توسط مسئولین و کارشناسان آن‌ها تدوین و برابر قوانین عادی بجای دروس دینی و مذهبی اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها برای پیروان آن‌ها اعمال شود.

اصل ۹- هر شهروند ایرانی که دارای ۱۸ سال تمام باشد، در انتخاب یکی از ادیان و یا مذاهب رسمی کشور دارای اختیار تمام می‌باشد و کمتر از این سن، دین و مذهب پدر برای او نیز خواهد بود.

اصل ۱۰- هر گروهی با حداقل ۵ شهروند حقیقی، دارای حداقل ۲۵ سال سن و تنها با داشتن گواهی عدم سوءپیشینه و با داشتن مرامنامه و اساسنامه مصوب خود مبنی بر اقرار به اطاعت رفتاری، گفتاری، نوشتاری و فعالیت غیرانتفاعی-غیراقتصادی در یکی از حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و دینی، هنری، ورزشی، اجتماعی و امور خیریه در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی و یا سایر قوانین عادی، می‌تواند در کشور یک تشکل با عناوینی مانند گروه، جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع، مؤسسه و سازمان برای خود داشته باشد و برای آن عضوگیری نماید و لازم است مراتب شروع بکار آن در روزنامه رسمی کشور، اعلام عمومی شود.

بند ۱- عضویت و فعالیت کارکنان رسمی نیروهای مسلح در گروه‌های سیاسی ممنوع می‌باشد.

بند ۲- گروه‌های سیاسی که اقدام به عضوگیری رسمی و ثبت نام از طریق سامانه سازمان سامان‌دهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور نمایند، بشرط آن که اعضای رسمی آن‌ها همواره طی دو سال پیاپی منتهی به زمان شروع تبلیغات انتخابات، کمتر از هزار نفر نباشند، یک حزب سیاسی محسوب می‌شوند.

بند ۳- هر شهروند ایرانی تنها می‌تواند عضو یک حزب سیاسی باشد و در طی یک سال، حداکثر یک بار می‌تواند عضویت خود را در یکی از احزاب سیاسی تغییر دهد.

بند ۴- هر عضو رسمی گروه موظف به رعایت آئین‌نامه‌ها و مقررات داخلی گروه خود می‌باشد. با رأی هفتاد درصد هیئت‌مدیره یک گروه، می‌توان عضویت یک فرد را در آن گروه ابطال کرد.

بند ۵- هر گروه برای انتخاب هیئت‌مدیره و یا جایگاه‌های کلیدی خود در مرامنامه و اساسنامه با رعایت قوانین عادی، باید دارای روالی باشد و هر عضو گروه دارای یک رأی خواهد بود و حق دارد در انتخابات داخلی گروه شرکت کرده و برابر آن روال‌ها، در سمت‌ها و جایگاه‌های گروه خود انتخاب شود.

بند ۶- بجز در مواردی که در این مجموعه قوانین اساسی به روشنی گفته شده، هیچ قانون عادی و یا ضوابطی برای تصدی مشاغل دولتی و یا دادن امتیاز ویژه‌ای به افراد، نمی‌تواند بگونه‌ای باشد که آن افراد به عضویت در گروه خاصی وادار شوند.

بند ۷- گروه‌های سیاسی حق فعالیت انتخاباتی تنها در موارد شوراها، روستایی و شهری را دارند و برای انتخابات مجلس شورای اسلامی، اجازه هیچگونه فعالیت تبلیغاتی مستقل و یا اعلام نمایندگان برای این انتخابات را رأساً ندارند.

بند ۸- تنها احزاب سیاسی حق فعالیت انتخاباتی و اعلام نمایندگان برای انتخاب شدن و عضویت در مجلس شورای اسلامی را دارند.

بند ۹- مشارکت گروه‌های سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی تنها با ائتلاف با یک حزب سیاسی امکان‌پذیر است، که در این صورت، کلیه فعالیت‌های انتخاباتی گروه باید با نام، نظارت و مسئولیت حزب سیاسی مربوط انجام شود.

بند ۱۰- احزاب سیاسی تنها افرادی را می‌توانند برای انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی معرفی نمایند که حداقل یک سال منتهی به زمان معرفی، عضو رسمی آن حزب بوده باشند.

بند ۱۱- اعضای رسمی یک حزب سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی، تنها می‌توانند به نمایندگان اعلامی از طرف حزب مربوط رأی دهند.

بند ۱۲- هر شهروند ایرانی می‌تواند در هر انتخاباتی در کشور شرکت کرده و به هر کسی که برابر قوانین عادی واجد شرایط انتخاب شدن باشد، رأی دهد. از طرف دیگر، هیچ قانونی و مقررات عادی نباید برای فردی بدلیل عدم شرکت در انتخابات و یا رأی دادن به گروه و یا فردی خاص، محدودیتی به لحاظ حقوق شهروندی و طبیعی برای وی ایجاد نماید.

بند ۱۳- هر شهروند ایرانی می‌تواند بصورت گفتاری و نوشتاری در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، ورزشی و دینی بشرط آن که در چارچوب این قوانین اساسی و سایر قوانین عادی کشور باشد، اظهار نظر و یا فعالیت داشته باشد. چنانچه این آزادی شهروندی موجب خسارت و یا از بین رفتن حقوق سایر نهادها شود، لازم است قوانین عادی وضع و روال جبران خسارت‌ها توسط آن شهروند و یا سایرین را به روشنی تعیین کنند.

بند ۱۴- احزاب سیاسی می‌توانند هرگونه پیشنهاد و طرح مدون خود را جهت پیشبرد امور احزاب و انتخابات در کشور به مجلس شورای اسلامی ارسال نمایند و آن مجلس نیز موظف به رسیدگی بوده و با اعمال اصلاحات خود، برای تصویب آن‌ها اقدام نماید.

بند ۱۵- سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، نوعی گروه‌های غیرانتفاعی با اهداف انسان‌دوستانه هستند که مبتنی بر باورهای فراگیر منطقه‌ای و گاهی فراملی هستند. دولت موظف است از این سمن‌ها بطور ویژه حمایت کند.

اصل ۱۱- ایجاد هر مرکز اقتصادی در کشور ایران با لحاظ موارد مندرج در بندهای زیر برابر این مجموعه قوانین اساسی و یا سایر قوانین عادی آزاد است.

بند ۱- تولید و فروش داخلی مشروبات الکلی در کشور بمنظور صادرات یا فروش به گردشگران خارجی، سفارت‌خانه‌های کشورهای خارجی و شهروندان پیروان ادیان غیرمسلمان کشور مجاز است، بطوری که روال عرضه، تبلیغات و فروش آن‌ها نباید در منظر عمومی، فروشگاه‌ها و بصورت آشکار در جامعه صورت گیرد و فروش مشروبات الکلی بهر صورت به شهروندان مسلمان در کشور

- ممنوع می‌باشد. اجرایی شدن این بند شامل شهروندان مسلمان نمی‌شود و قوانین عادی باید چگونگی تحقق این بند را فراهم کنند.
- بند ۲- کشت و یا تولید مواد مخدر طبیعی (به میزان محدود) و یا تنباکو در کشور مجاز است و تولید، عرضه، تبلیغات و فروش آنها بصورت کنترل شده و با نظارت دستگاه‌های امنیتی و برابر قوانین عادی مجاز می‌باشد، ولی هرگونه کسب‌کار برای تولید و فروش مواد مخدر مصنوعی در کشور ممنوع است.
- بند ۳- هرگونه کسب و کاری که نوعی بهره‌کشی جنسی از کودکان و یا خلاف شرافت و پاکدامنی زنان شهروند ایرانی محسوب شود، ممنوع است. بکارگیری زنان برای نمایش، تبلیغ و فروش کالاها در محافل زنانه، برابر قوانین عادی مجاز می‌باشد.
- بند ۴- کشت و یا تولید محصولات تراریخته بطور کلی در کشور مجاز می‌باشد، ولی بهنگام فروش باید تراریخته بودن آنها قید شود.
- بند ۵- واحدهای مسکونی با بیش از ۱۵۰ متر مربع مساحت زیربنا که به رهن و اجاره داده و یا فروخته می‌شوند، نوعی مرکز اقتصادی و کسب و کار محسوب شده و مشمول مالیات برابر قوانین عادی می‌باشند.
- بند ۶- واحدهای اداری و تجاری با بیش از ۱۰۰ متر مربع مساحت زیربنا، نوعی مرکز اقتصادی محسوب می‌شوند و هرگونه کسب درآمد از آنها مشمول مالیات برابر قوانین عادی خواهند بود.
- بند ۷- دریافت مالیات از واحدهای مسکونی، اداری و یا تجاری بگونه‌ای باید باشد تا موجب تشویق ساخت انبوه و کوچک‌سازی شود.
- اصل ۱۲- حداقل سن بکارگیری و هرگونه استخدام شهروندان ایرانی از جمله در مراکز اقتصادی، ۱۸ سال تمام می‌باشد. بکارگماردن شهروندان بیشتر از توان جانی جرم محسوب می‌شود و باید در قوانین عادی مجازات‌های لازم برای تخلف از این موارد تعیین شود.
- اصل ۱۳- هر شهروند ایرانی دارای حداقل ۲۰ سال، می‌تواند هر تعداد مرکز اقتصادی را در کشور برابر قوانین عادی راه‌اندازی کند. هیچ مقررات و قانون عادی نباید مانعی در اجرای این اصل و صدور مجوز تأسیس مراکز اقتصادی برای شهروندان کشور ایجاد نماید.
- بند ۱- هر شهروند ایرانی و یا مرکز اقتصادی در کشور باید یک کد اقتصادی یکتا داشته باشد. این کد توسط وزارت دارایی و امور اقتصادی صادر می‌شود. کد اقتصادی در صورتی به هر مرکز اختصاص می‌یابد که شناسنامه آن توسط سازمان اصناف مربوط تنظیم و تأیید شده باشد. لازم است همه تبادلات مالی و پولی شهروندان و یا مراکز اقتصادی با قید کدهای طرفین و از طریق درگاه‌های بانکی صورت گیرد.
- بند ۲- قیمت‌گذاری محصولات و کالاهای تولیدی مراکز اقتصادی تنها توسط آنان صورت می‌گیرد و دولت و یا قوانین عادی حق مداخله و یا اعمال سیاست به آنان در این زمینه را ندارند. تنها اصناف مربوط می‌توانند با صاحبان مراکز اقتصادی در این زمینه مشاوره داشته و آنها را در قیمت‌گذاری مناسب کمک نمایند.
- بند ۳- هر مرکز اقتصادی در صورتی مجاز به فروش کالای خود است که قیمت آن را قبلاً در سامانه‌ای ثبت کرده باشد. خرید و فروش کالاها بدون ثبت و اعلام قبلی در سامانه گفته شده، ممنوع خواهد بود. همه کالاها در هنگام فروش باید برچسب کد ثبت شده را داشته باشند.

اصل ۱۴- هر فرد حقیقی و یا حقوقی دارای تابعیت کشورهای خارجی می‌تواند با داشتن حداکثر ۷۵ درصد سهم در ایجاد مراکز اقتصادی کوچک و متوسط و حداکثر ۹۰ درصد سهم در مراکز اقتصادی کلان، با دولت و یا شهروندان ایرانی شراکت داشته باشد و درآمد و سهم خود را با ارزهای معتبر از کشور خارج نماید. بانک مرکزی موظف است چگونگی این مشارکت را تعیین، تسهیل و تضمین کند.

بند ۱- در مورد مشارکت بیش از ۷۵ درصد گفته شده، با رأی اکثریت نسبی کمیسیون مربوط در مجلس شورای اسلامی، امکان‌پذیر است.

بند ۲- هر فرد حقیقی ایرانی که تابعیت دوگانه کشور دیگری را دارد، در امور و فعالیت‌های اقتصادی مانند یک شهروند عادی ایرانی محسوب می‌شود.

اصل ۱۵- فروشگاه‌های عرضه‌کننده همه نیازمندی‌های شهروندان نیز نوعی مراکز اقتصادی محسوب می‌شوند. این فروشگاه‌ها باید در مجموع به میزان سه درصد از ارزش کالاهایی که در حال فروش دارند را بصورت سپرده‌های جاری به صندوق‌هایی موسوم به "صندوق‌های پیوند" واریز نمایند. مبالغ این صندوق‌ها بمنظور تقویت تولید داخلی، بصورت وام بدون بهره به تولیدکنندگان اعطاء خواهد شد. لازم است در این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی، چگونگی تشکیل این صندوق‌ها و پرداخت وام‌ها تعیین شوند. سازمان اصناف مسئول تحقق و نظارت بر این اصل می‌باشد.

بند ۱- دولت و یا اصناف نباید در ایجاد این فروشگاه‌ها، به هر تعداد در هر محله، منطقه و یا شهر محدودیتی قائل شوند، ولی برای شروع و ادامه کار آن‌ها، واریز مبلغ گفته شده و تأییدیه صنف مربوط، ضروری است.

بند ۲- فروشگاه‌ها موظف هستند از ابتدای سال سوم، هر ساله سه درصد به میزان واریزی، تا سقف بیست درصد افزایش دهند.

بند ۳- فروشگاه‌ها در صورت انصراف از عرضه هر نوع کالایی، می‌توانند مبالغ واریزی به صندوق مربوط به آن کالاها را با کسر دو درصد کارمزد، از صندوق‌های پیوند در مدت حداکثر یک هفته بازپس گیرند.

اصل ۱۶- همه مراکز اقتصادی موظف هستند از سال سوم به بعد فعالیت خود، به میزان یک درصد سود خود را به صندوق نوآوری و شکوفایی استان خود واریز کنند. این میزان در سال پنجم به دو درصد و از سال هشتم به بعد، چهار درصد خواهد شد.

بند ۱- این اصل شامل شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز رشد و اقتصادی وابسته به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مراکز اقتصادی خدمات میانجی و بورس فناوری و نظائر این‌ها و مراکز اقتصادی مشمول اصل ۲۰، نمی‌شود.

بند ۲- مبالغ واریزی توسط مراکز اقتصادی مشمول این اصل، از میزان مالیات تکلیفی آن‌ها کسر می‌شود.

بند ۳- مبالغ خالص پرداختی در طول یکسال مالی به قراردادهای تحقیقاتی با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها و یا شرکت‌های دانش‌بنیان توسط مراکز اقتصادی، می‌تواند جایگزین پرداختی به صندوق گفته شده قرار گیرد.

بند ۴- شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصی مشمول هیچگونه عوارض و مالیات نمی‌شوند.

بند ۵- دولت موظف است با ارزشگذاری فناوری شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصی و پرداخت وام قرض‌الحسنه بدون بهره‌ای از محل صندوق، حداقل بمیزان ارزش گفته شده، با بازپرداخت‌های از سال دوم به بعد، به ایجاد و توسعه این نوع کسب‌کارها کمک نماید.

میزان ارزش فناوری می‌تواند بعنوان ضمانت وام تلقی شود که در این صورت تا تسویه وام، مالکیت فناوری متعلق به دولت می‌باشد.

بند ۶- مراکز اقتصادی خصوصی تازه تا سیس تا ۳ سال پس از اولین تولید، چنانچه از تسهیلات بانکی برای راهاندازی استفاده نکرده باشند، مشمول مالیات‌های دستمزد، درآمد و ارزش افزوده نخواهند بود. در غیر اینصورت، این مدت تا پایان مهلت مقرر ادای وام، افزایش خواهد یافت.

اصل ۱۷- دولت بطور کلی اجازه داشتن مراکز اقتصادی را ندارد، بجز در مواردی که این مجموعه قوانین اساسی، عناوین و یا چگونگی آن‌ها را مشخص کرده باشد.

بند ۱- مراکز اقتصادی کوچک و متوسط ویژه شهروندان عادی و بخش خصوصی است و داشتن آن‌ها برای دولت و همه نهادهایی که به هر نحوی همه و یا بخشی از بودجه خود را از دولت دریافت و یا از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، ممنوع است.

بند ۲- بانک‌های دولتی، خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به داشتن هیچ نوع مرکز اقتصادی نمی‌باشند.

بند ۳- نیروهای مسلح در کشور ایران مجاز به داشتن هیچ نوع مرکز اقتصادی بطور کامل نمی‌باشند.

بند ۴- دولت می‌تواند مراکز اقتصادی بزرگ و زیربنایی مانند صنایع نفت و گاز، شیمیایی و پتروشیمی، خودروسازی، مجتمع‌های عظیم فولاد و فلزی، استخراج معادن بزرگ، تولید انرژی‌های فسیلی، ساخت مزارع بزرگ انرژی خورشیدی و بادی، تولید نیروگاه برق آبی تا میزان ۱۰۰ در صد بنهایی و یا با مشارکت شهروندان ایرانی و خارجی ایجاد نماید. تشخیص مصادیق، تعیین میزان سرمایه‌گذاری و منابع مالی اینگونه طرح‌ها و دادن مجوز به دولت، بر عهده مجلس شورای اسلامی می‌باشد. دولت پس از ۳ سال از راهاندازی این مراکز اقتصادی، تنها می‌تواند تا سقف یک سوم سهم خود را حفظ نماید و لازم است یک سوم دیگر از سهم اصلی خود را با همان ارزش تمام شده و بدون سود به سازمان مرکزی بیمه (برای مصرف در بیمه سلامت و بازنشستگی) بفروشد و مابقی را از طریق بورس بصورت خرید سهام به عموم مردم واگذار نماید. دولت می‌تواند از سهم نهایی خود تا سقف ۵۰ درصد را با اخذ مجوز از رهبری و یا با حکم ایشان، به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار نماید و آن ستاد مجاز است از این منابع مالی تنها برای خودکفایی و پیشرفت تحقیقات سامانه‌های نظامی استفاده نماید.

بند ۵- دولت باید برای راهاندازی مراکز اقتصادی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و جدید، پیشگام باشد و مجاز است تا سقف ۱۰۰ درصد هزینه‌های آن‌ها را بپردازد. ولی بعد از ۳ سال از زمان راهاندازی، باید آن را به بخش خصوصی با قیمت تمام‌شده واگذار نماید و در صورت عدم استقبال بخش خصوصی، مالکیت آن را به یک یا چند دانشگاه (یا مرکز پژوهشی) دولتی منتقل و تا سقف ۷۰ درصد قیمت تمام شده، بصورت سنواتی و طی پنج سال، از سرانه پژوهشی آن‌ها هزینه‌های راهاندازی خود را دریافت کند. واگذاری همچنین می‌تواند بصورت ترکیبی بخش خصوصی و دانشگاه‌ها (یا مرکز پژوهشی) با رعایت مفاد این بند نیز صورت گیرد. بند ۶- برخی مشاغل و یا مراکز اقتصادی همراه با صدمات جسمی، روحی و روانی بیشتری نسبت به سایرین هستند. دولت موظف به شناسایی، نظارت، حمایت و تدوین قوانین عادی و استانداردهای ویژه‌ای برای این نوع کسب‌وکارها می‌باشد.

اصل ۱۸- مراکز اقتصادی جمعی در کشور می‌توانند در قالب شرکت‌های: با مسئولیت محدود، سهامی (عام و خاص)، تعاونی، تضامنی، نسبی، مختلط (سهامی و غیر سهامی)، برابر با قوانین عادی ایجاد شوند. شراکت اقتصادی هر فرد حقیقی و یا حقوقی دارای تابعیت کشورهای خارجی با طرف ایرانی تنها می‌تواند در قالب یکی از این شرکت‌ها باشد و لازم است تا قوانین عادی برای تحقق و تسهیل این موضوع وضع شوند.

اصل ۱۹- خانواده کانون عشق و محبت، مهرورزی و تربیت فرزندان کشور است، تشکیل و حفظ آن و تسهیلی در ازدواج جوانان یکی از وظایف مهم همه نهادها و ارکان کشور می‌باشد.

بند ۱- پدر مسئول امور حقوقی، قانونی و تأمین هزینه‌های خانواده می‌باشد و شایسته است که اداره خانواده توسط ایشان با مشورت و همراهی اعضای خانواده و بویژه مادر انجام شود.

بند ۲- دولت موظف است حداقل حقوق پایه برای پدر یک خانواده را در هر شغل اعم از دولتی و یا خصوصی، متناسب تعداد اعضاء و مکان اسکان خانواده، بگونه‌ای تعیین کند تا پدر خانواده بتواند نیازهای اولیه مسکن، خوراک، پوشاک، سلامت، آموزش و امور تفریحی خانواده را با عزت برآورده کند. هیچ کس و یا مرکز اقتصادی مجاز نیست فردی (اعم از زن و یا مرد) را در کشور بطور تمام‌وقت بکارگیری و از این حداقل حقوق پایه کمتر به ایشان پرداخت نماید.

بند ۳- همه اعضای یک خانواده بنابر شغل پدر، تحت پوشش بیمه سلامت می‌باشند. تأمین یک سوم سهم بیمه سلامت اعضای خانواده بر عهده پدر و مابقی بر عهده مراکز اقتصادی و یا دولت می‌باشد که بطور ماهانه پرداخت می‌شود. فرزندان دختر و پسر تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند و یا شخصاً دارای حقوق ماهیانه نشده‌اند، مشمول این بند می‌شوند.

بند ۴- در صورت فوت پدر و یا ناتوانی عقلی و جسمی در اداره امور خانواده بنابر تشخیص دادگاه، کلیه مسئولیت‌های خانواده بر عهده مادر می‌باشد. اگر یکی از هر دو دلیل گفته شده برای مادر هم باشد، سرپرستی خانواده بترتیب به پدر بزرگ (پدری)، عموی بزرگتر، پدر بزرگ (مادری) و یا دایی بزرگتر خواهد بود و در غیر این موارد، دولت مسئولیت سرپرستی را بر عهده می‌گیرد. در صورتی که پدر و یا مادر هر دو بطور همزمان دارای شرایط گفته شده باشند، سرپرستی خانواده، می‌تواند بترتیب به فرزندان پسر و یا دختر واگذار شود، بشرط آن که حداقل ۲۵ سال سن داشته و دارای حداقل حقوق پایه ماهیانه باشند، تشخیص این موضوعات با دادگاه می‌باشد.

بند ۵- در صورتی که سرپرستی خانواده به دیگری منتقل گردید، سازمان بیمه‌گر موظف است معادل آخرین حقوق ایشان را بمدت یک سال بطور ماهیانه به سرپرست خانواده بپردازد. بعد از این مدت، پرداخت حقوق به سرپرست خانواده، براساس این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی و بیمه خواهد بود.

بند ۶- پدر خانواده نمی‌تواند بیش از یک سوم مالکیت اموال و دارائی‌های خود را در زمان حیات و یا بصورت وصیت برای بعد از فوت خود، از خودش و یا وارثین سلب و به اعضای خانواده و یا به غیر آنها واگذار، هبه و یا وقف نماید، مگر آن که هیچ وارثی نداشته باشد.

بند ۷- در صورت فوت پدر، اموال و دارائی‌های ایشان برابر قوانین دینی پدر به وارثین می‌رسد. تقسیم ارث برای مراکز اقتصادی باید بصورت اختصاص سهم باشد و بهره‌برداری وارثین از سهم خود در هیچ شرایطی نباید منجر به از بین رفتن و یا ناکارآمدی مرکز اقتصادی، (مثلاً تقسیم زمین زراعی به واحدهای کوچکتر) شود. بدین ترتیب لازم است دولت بر تحقق این بند نظارت داشته باشد و در چگونگی بهره‌برداری از مراکز اقتصادی بارث رسیده، نظر موافق دولت اخذ و در قوانین عادی ارث این نظر پشتیبانی شود.

بند ۸- اگر پدر خانواده در قید حیات باشد ولی بدلیل فاقد شغل بودن، نتواند هزینه‌های زندگی را تأمین نماید، اگر با خانواده زندگی می‌کند، دولت موظف است معادل حداقل حقوق پایه را تا یکسال برای پدر تأمین کند و اگر با خانواده زندگی نمی‌کند، بمیزان دوسوم آن را به مادر خانواده تا همین مدت بطور ماهیانه بپردازد. بعد از این مدت، چنانچه شرایط مالی پدر مساعد نباشد، تأمین هزینه‌های خانواده تابع قوانین عادی و بیمه خواهد بود.

بند ۹- ازدواج موقت (متعّه)، فقط برای پیروان مذهب تشیع و در اولین مورد، بدون اجازه همسر دائمی مجاز است، ولی برای موارد دوم به بعد، منوط به رضایت رسمی همسران دائمی خواهد بود. این موضوع برای پیروان دیگر ادیان و یا مذاهب اسلامی، برابر مذهب و دین خودشان می‌باشد.

بند ۱۰- ازدواج دائم برای مسلمانان به تعداد ۴، تا منوط به رضایت رسمی همسران قبلی و تشخیص استطاعت مالی بنابر نظر قاضی، مجاز است. برای پیروان سایر ادیان، کل موضوع و چگونگی آن، تابع قوانین دینی آنها می‌باشد، ولی شرط استطاعت مالی همچنان لازم خواهد بود.

بند ۱۱- شرط مهریه در ازدواج دائم برای همه پیروان ادیان و مذاهب لازم و می‌تواند به دو صورت نقدی و نسیه باشد. میزان نقد شامل هرگونه اموال و دارائی است که توسط زوج (با والدین طرفین) در همان زمان وقوع عقد به زوجه واگذار و به مالکیت ایشان درمی‌آید و میزان نسیه مقداری است که زوج متعهد است پس از ازدواج آن را به زوجه بپردازد. باید قوانین عادی مبلغی را بعنوان مهریه نسیه رسمی حداکثری تعیین نمایند و شایسته است که شهروندان ایرانی با الهام از تعالیم اسلام و معنویت ادیان الهی، در ازدواج خود مبلغ مهریه‌های نسیه را کمتر از این مقدار حداکثری تعیین نمایند. مبلغ مهر نسیه حداکثری می‌تواند تابعی از حداقل حقوق پایه ماهیانه کشور باشد. دفاتر رسمی ثبت اسناد موظف هستند تنها این دو میزان مهریه را بطور رسمی ثبت نمایند. در صورتی که پس از ازدواج، زوجه مهریه نسیه خود را از زوج مطالبه نماید و ایشان نخواهد و یا نتواند آن مبلغ را به همسرش بپردازد، میزان و چگونگی پرداخت آن مهریه از دارائی، اموال و یا حقوق ماهیانه زوج را، دادگاه تعیین می‌کند و در این میان، لازم است حفظ خانواده و حقوق اولیه شهروندی زوج مراعات شود و هیچ زوجی بدلیل عدم استطاعت از پرداخت هر مقدار از مهریه، مستوجب و مشمول زندان و حبس نخواهد بود.

بند ۱۲- هیچ یک از زوجین نمی‌توانند بدون دلایل موجه و معقول از همسر خود جدا شوند. قضاوت و دادن مجوز رسمی و نهایی طلاق، پس از موافقت مشاور خانواده، با دادگاه است.

بند ۱۳- پس از طلاق، مراتب و مسئولیت حقوقی و قانونی پدر نسبت به فرزندان از بین نمی‌رود، ولی بنابر درخواست مادر و احراز صلاحیت ایشان توسط دادگاه، حتی بدون رضایت پدر، فرزندان پسر تا پایان ۱۰ سالگی و دختران تا ۱۳ سالگی می‌توانند تحت سرپرستی مادر و بعنوان یک خانواده زندگی کنند، در این شرایط، تأمین هزینه فرزندان بر عهده پدر آنها می‌باشد.

بند ۱۴- مادر و یا دیگر سرپرستان فرزندان نابالغ طلاق مجاز نیستند در اموال و دارائی فرزندان تا رسیدن به سن بلوغ دخالت و تصرف نمایند و در صورت نیاز به توسعه و یا احتمال خطر نابودی و ایجاد نقص در آنها، فقط با اجازه رسمی از طرف دولت برابر قوانین عادی، این امکان برای سرپرست می‌تواند فراهم شود.

بند ۱۵- دولت موظف هستند شرایط وام دادن قرض الحسنه و یا کم‌بهره بمیزان لازم برای خرید و یا اجاره مسکن حداقلی به تناسب محل سکونت و همچنین برای تهیه لوازم اولیه زندگی زوجین جوان را از منابع خود تأمین کند.

بند ۱۶- هیچ کس حق ندارد فرزندان را به ازدواجی وادار نماید و شایسته است که ازدواج‌ها بر اساس علاقه، عقیده و همسانی فرهنگی باشد.

بند ۱۷- در قوانین عادی همواره برای تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری تشویق‌هایی در نظر گرفته شود.

بند ۱۸- سن رسمی ازدواج در کشور برای پسران و دختران ۱۸ سال می‌باشد. برای دختران ۱۵ سال به بالا، مجوز مشاوره خانواده و مراجع قضایی لازم است.

بند ۱۹- دولت و سازمان اموال و احسان عمومی کشور موظف است به خانواده‌هایی که دارای فرزندان ناتوان جسمی، ذهنی، بیماری‌های خاص و یا فرزندان سه قلوبی به بالا هستند، به کودکان بی و یا بدسرپرست، پدران و مادران از کار افتاده که بازماندگان قادر به نگهداری از آن‌ها نیستند، کمک‌های ویژه تا حد رفع نیاز داشته باشد.

اصل ۲۰- انجام آموزش‌های اولیه سواد، عمومی زندگی و همزیستی اجتماعی و شهروندی، علوم پایه، علوم ریاضی و فیزیک، تجربی، انسانی، مهارت‌های زندگی، فنی و حرفه‌ای و هنر همراه با هدایت و تقویت ذهنی و عملی خلاقیت و نوآوری علمی، بصورت یکپارچه با ایجاد روحیه معنوی، اخلاق‌گرایی، تعاون و همکاری گروهی، خودباوری و خوداتکایی، از خودگذشتگی و ایثار، پرستگری و کتاب‌خوانی، احسان به پدر و مادر، نیکی به دیگران، طرفداری از مظلومیت و ظلم‌ستیزی، نهادینه شدن اخلاق شهروندی و اجتماعی، ایجاد باور پیشرفت همراه با عزت نفس، از جمله اهداف نظام آموزش و پرورش کشور است که باید با برنامه‌ریزی‌های ویژه، پویا و هماهنگ با نهاد خانه، توسط دولت در مدارس جاری شود تا فرزندان تربیت شوند که آینده‌سازی کشور بسمت ایجاد تمدن ایرانی اسلامی را تضمین نماید. حداقل بودجه امور تربیتی و پرورشی نسبت به آموزشی، یک‌سوم تعیین می‌شود

بند ۱- آموزش و پرورش در کشور ایران از ابتدای دبستان تا انتهای دوره متوسطه اول (معادل نه سال تحصیلی)، برای همه فرزندان ایرانی واجب و ادامه آن تا پایان متوسطه دوم (معادل دوازده سال)، رایگان است. دولت مسئول تحقق این اصل می‌باشد و همه نهادهای کشور موظف هستند تا در حوزه اختیارات قانونی خود در اجرای شدن کامل این اصل تلاش نمایند.

بند ۲- هیچ نهاد و قانونی نمی‌تواند برای تحصیل فرزندان تا پایان دوره اول متوسطه و یا بنابر درخواست خودش، تا پایان تحصیلات عالی در دانشگاه، مانعی ایجاد نماید و در صورت مشاهده این امر، مسببین باید برابر قوانین عادی مجازات شوند.

بند ۳- وزارت آموزش و پرورش موظف است با استفاده از آمار و اطلاعات متولدین کشور و رصد آن‌ها با کمک نهادهای خانه، مدرسه، نیروی انتظامی و سایر نهادها، بویژه در مناطق کمتر برخوردار روستایی و شهری، تلاش نماید تا آمار بی‌سوادی در کشور به صفر برسد و قصور در این زمینه می‌تواند موجب برکناری وزیر مربوط شود.

بند ۴- هر نوع بکارگیری و استخدام افرادی (حتی برای خدمت سربازی)، که فاقد گواهی پایان دوره متوسطه اول باشند، توسط هر فرد و یا نهاد خصوصی و یا دولتی، ممنوع می‌باشد. لازم است قوانین عادی برای تحقق این بند تعیین شوند. صدور گواهی‌هایی مانند کارت پایان خدمت سربازی و یا رانندگی برای این افراد مجاز نمی‌باشد. وزارت آموزش و پرورش لازم است با همکاری نیروهای مسلح (حتی در صورت لزوم با افزایش طول مدت خدمت سربازی)، دوره‌هایی فشرده و مفید برای تحصیل این افراد طراحی و اجرا نماید.

بند ۵- دولت موظف است ضمن الهام و رعایت تعالیم و مبانی تربیتی و انسان‌ساز اسلام، از آخرین شیوه‌های علمی، آموزشی و تجربیات موفق سایر کشورها در مدارس کشور استفاده نماید.

بند ۶- در کشور ایجاد مدارس خصوصی برابر قوانین عادی مجاز و دولت موظف است سرانه هزینه تحصیلی دانش‌آموزان خود را در هر مقطع تحصیلی محاسبه کرده و نیمی از آن مبالغ را بازای هر دانش‌آموز مشابه، به این مدارس پرداخت کند. دولت مجاز نیست در قیمت‌گذاری مقاطع آموزشی مدارس خصوصی دخالت نماید.

بند ۷- دولت موظف است همه کتب درسی را بصورت رایگان و لوازم کمک تحصیلی را با قیمت یارانه‌ای، تا پایان مقطع تحصیلی دبیرستان، در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد.

بند ۸- در کشور ایران شغل معلمی مانند شغل انبیاء محسوب می‌شود و لازم است آن‌ها با عزت و راحت زندگی کنند. دولت موظف است حقوق ماهیانه و مزایا، تسهیلات مسکن، کمک هزینه‌های ازدواج و درمان بیشتری نسبت به مشاغل هم‌تراز برای ایشان فراهم کند و برای بازآموزی، آشنایی با روش‌های نوین آموزشی و افزایش سطح تحصیلی آن‌ها، برنامه‌ریزی نماید.

بند ۹- دولت موظف است در تأمین مدارس کافی و مجهز در شأن یک کشور مسلمان بیشترین اهتمام و رعایت استانداردها را داشته باشد، ولی مجاز نیست رأساً به این کار اقدام نماید. از طرف دیگر با امتیازهای ویژه‌ای، از جمله اختصاص زمین‌های رایگان در مناطق مسکونی و شهری به بخش آموزش کشور و یا بخشودگی مالیاتی، ساختن مدارس توسط بخش خصوصی، بصورت وقف علمی و یا مدرسه‌سازی خیرین راه، مانند یک نهضت ملی و دینی در کشور رونق دهد. حق انشعاب برای ساخت و هزینه‌های مصارف آب، برق و گاز مدارس کشور تا پایان دوره متوسطه دوم، رایگان می‌باشد.

بند ۱۰- مدارس موظف هستند با همکاری سایر نهادها در امر ورزش، تربیت بدنی، یافتن استعدادها درخشان علمی، ورزشی، ترویج و آموزش برخی امور پزشکی پایه و سلامت دانش‌آموزان کشور بطور جدی کوشا باشند و دولت موظف است تا سقف ۱۰ درصد از سرانه‌های دانش‌آموزان را به این امر اختصاص دهد.

بند ۱۱- بدنه اصلی مراکز اقتصادی و بویژه کسب‌وکارهای صنعتی نیازمند افرادی دارای دانش‌های کاربردی، فنی، ورزیده و ماهر هستند. وزارت آموزش و پرورش موظف است اولاً محتوای دروسی بصورت نوشتاری و دیداری را از مقطع ابتدایی تا پایان دوره متوسطه اول برای آشنایی دانش‌آموزان با انواع کسب‌وکارها تدوین نمایند. ثانیاً از ابتدای دوره متوسطه دوم نیز حداقل نیمی از دانش‌آموزان کشور را بسمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای و اخذ گواهی دیپلم فنی هدایت نمایند. ثالثاً با داشتن دانشگاه‌های علمی و کاربردی، رشته‌های تحصیلی فنی و حرفه‌ای خود را تا سطح فوق‌دیپلم بدون آزمون ورودی و تنها با داشتن کارنامه قبولی دیپلم فنی، توسعه دهد. تحصیل در مقطع فوق‌دیپلم برای این دانشجویان رایگان می‌باشد. فارغ‌التحصیلان این مقطع می‌توانند برابر قوانین عادی برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی به دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم و فناوری، با حداکثر ده واحد درسی جبرانی و تطبیق در رشته‌های هم‌راستا، وارد شوند.

بند ۱۲- بنابر تشخیص و درخواست وزارت امور خارجه، ایجاد مدارس مستقل ایرانی در خارج از کشور برای ایرانیان مقیم در آن کشورها، توسط وزارت آموزش و پرورش مجاز است. این نوع آموزش می‌تواند بصورت بخشی و حتی بصورت همکاری با مدارس متداول در آن کشورها در قالب تدریس محتوای تعدادی دروس مانند زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ دینی و هویت ملی، با ملاحظات ویژه‌ای صورت گیرد. دولت موظف است در قالب بودجه‌های فرهنگی و آموزشی خود، منابع مالی تحقق این بند را فراهم آورد.

اصل ۲۱- تعالی بخشی روح و فطرت انسانی و اخلاق‌مداری، هدایت‌گری امید به آینده و پیشرفت، عمق بخشی شیوه‌های تفکر در جامعه، ایجاد پیوندهای عمیق عاطفی در بین اقشار جامعه، آشنایی، آموزش و ترویج غیرمستقیم فرهنگ و تاریخ ایرانی اسلامی کشور و ثبت و گسترش جهانی آن به دیگر مردمان، ایجاد شورانگیزی و شادی در مردم، بیان بی‌واسطه و یک‌سویه‌ای از نارسائی‌ها و یا سرفرازی قله‌های ایمانی و شعور در کشور، مسیر و نمادی از آزادی و جاودانگی بیان و اندیشه با شیوه‌های زیبا، انتظارات و وظایفی است که برعهده سازمان هنر و سینما می‌باشد.

بند ۱- سازمان هنر و سینما دارای یک هیئت مدیره پنج ساله متشکل از ۸ نماینده از اقشار مختلف هنرمندان، که به نسبت جمعیت آن‌ها و با رأی مستقیم، ابتدا با همکاری و نظارت دولت و زیر نظر هیئت‌رئیس سنی انتخاب می‌شوند و علاوه بر آن‌ها، یک نفر نماینده دولت، یک نفر نماینده قوه قضائیه و یک نفر نماینده امنیتی کشور را شامل می‌شود. سپس هیئت‌مدیره از بین

- نمایندگان اقشار مختلف هنرمندان، دو نفر را برای ریاست سازمان به دولت معرفی و دولت یکی از آنان را برای مدت ۵ سال، بعنوان ریاست سازمان منصوب می‌کند.
- بند ۲- سازمان می‌تواند دارای شوراهاى حل اختلافات صنفی و هنری، واحدهای تعیین مالکیت مادی و معنوی، تعیین شاخص‌ها و معیارها و ضوابط کاری اقشار مختلف هنری، ممیزی هنری و تشخیص آثار مخرب روحی و روانی، ممیزی محتوی و واحد صدور مجوز انتشار و نمایش و سایر موارد برای پاسخگویی لازم به کشور در قبال فعالیت‌های اهل هنر و سینما باشد.
- بند ۳- ساختار سازمان و شعبات آن در مراکز استان‌ها و یا برخی شهرهای بزرگ، باید به تأیید مجلس شورای اسلامی برسد. تأمین هزینه‌های جاری سازمان بمیزان حداقل ۴۰ درصد و تأمین مکان مناسب برای سازمان مرکزی و شعبات آن، برعهده دولت می‌باشد. دولت همچنین موظف است اداره امور و بهره‌برداری از حداقل ۸۰ درصد مکان‌های هنری در اختیار وزارت ارشاد را به سازمان واگذار نماید. تأمین همه و یا بخشی از تعهد مالی دولت به سازمان می‌تواند از این مسیر تأمین می‌شود.
- بند ۴- صدور مجوز اماکن هنری (اعم از مراکز اقتصادی و کسب‌وکار هنری و یا غیرانتفاعی) توسط شهروندان و بخش خصوصی برابر قوانین عادی، برعهده سازمان می‌باشد.
- بند ۵- هر هنرمند (و یا گروه هنری و به نسبت پدیدآورندگی)، مسئول آثار و پیامدهای اثر هنری خود می‌باشد. چنانچه اثر هنری در محلی به نمایش درآید، مسئول آن مکان نیز باندازه ایشان، در این امر فرهنگی مسئول و شریک است.
- بند ۶- هیچ اثر هنری بدون مجوز سازمان اجازه فروش، انتشار، نمایش و یا تبلیغات را ندارد و سازمان با صدور مجوزهای خود، در قبال آثار و پیامدهای اثر هنری باید پاسخگو باشد. داشتن مسئولیت هنرمند و یا صاحب محل نمایش، رافع مسئولیت سازمان در کنترل و نظارت محتوایی و شکلی اصولی و کلی قبل از نمایش و یا صدور مجوز اولیه نمی‌باشد. در صورت بروز موارد نامطلوب فرهنگی، سازمان موظف است سریعاً در درون خود ردیابی و چاره‌جویی نماید و در صورت قصور و یا به نسبت تقصیر، از برکناری افراد تا معرفی آن‌ها به مراجع قضایی، اقدام نماید.
- بند ۷- مضمون آثار هنری می‌تواند سیاسی، اجتماعی، دینی، تاریخی، احساسی، آموزشی، اخلاقی و تربیتی باشد، بشرط آن که موجب سلب آرامش افراد، جامعه، توهین به مقدسات دینی و ملی، اشاعه‌دهنده فحشاء و فساد اخلاقی و جنسی نباشد.
- بند ۸- هنرمندان همواره نوعی الگو و سمبل فرهنگی بویژه برای کودکان و جوانان در جامعه تلقی می‌شوند. حفظ و مراقبت از حریم شخصی و خصوصی آن‌ها همراه با آگاه‌سازی و آموزش از گزند هر نوع آسیب اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اولاً برای سازمان و ثانیاً برای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور، لازم و ضروری است.
- بند ۹- تکثیر و استفاده، حتی بصورت غیرانتفاعی، از آثار هنری، بدون کسب رضایت صاحب اثر، ممنوع است. چنانچه آثاری برای صاحب اثر آن دیگر منشأ و منظور اقتصادی نیست، نمایش و پخش آن‌ها از صدا و سیما کشور بلامانع است. چنانچه صاحب اثر هنری شکایتی داشته باشد، سازمان موظف است موضوع را در شورای حل اختلاف خود بررسی کند. در صورت عدم اقناع صاحب اثر و بنابر درخواست ایشان، موضوع از طرف سازمان به دادگاه ویژه رسانه ارجاع داده می‌شود.
- بند ۱۰- بعد از فوت صاحب اثر، بهره‌برداری مادی از آثار هنری به وارثین ایشان منتقل می‌شود.
- بند ۱۱- بدلیل اثرگذاری فوری محصولات هنری در سطح جامعه و اذهان عمومی و بروز زیان‌های جبران‌ناشدنی بیشتر، بعد از دریافت شکایت از افراد حقیقی و یا حقوقی و یا دریافت بازخوردهای منفی اجتماعی و سیاسی از پخش یک اثر هنری، لازم است سازمان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، نظریه خود را مبنی بر دستور توقف آنی از انتشار و یا عدم آن را اعلام نماید و سپس بررسی‌های بیشتر را انجام دهد. چنانچه موضوع شکایت در شورای حل اختلاف سازمان منتفی نشد و یا صحت موضوع شکایت محرز گردید، موضوع برای رسیدگی قضایی به دادگاه ویژه رسانه ارجاع می‌شود.

بند ۱۲- هر نوع درآمدی مادی ناشی از فروش، توزیع و یا نمایش آثار هنری، مشمول قوانین مالیاتی کشور می‌شود.

بند ۱۳- دولت موظف است با تأیید سازمان، به تولید آثار هنری کمک مادی بدون بهره، تا سقف ۵۰ درصد هزینه‌های تولید، با بازپرداخت دوساله داشته باشد. در این زمینه سازمان می‌تواند صندوق اعتباری هنر زیر نظر خود تأسیس نماید تا کمک‌های دولت و بازپرداخت‌های وام‌ها، موجب راه‌اندازی، گردش مالی و اعطای وام بیشتر صندوق شود.

بند ۱۴- ایجاد محصولات فرهنگی مشترک با غیرایرانی‌ها با اجازه سازمان مجاز می‌باشد.

بند ۱۵- سازمان موظف است برای هنرمندانی که فعالیت و تولید آثار هنری تنها و یا شغل اصلی آن‌ها محسوب می‌شود، با همکاری سازمان مرکزی بیمه کشور، نسبت به تحت پوشش قرار دادن ایشان در بیمه‌های سلامت، بیکاری، از کارافتادگی و بازنشستگی، اقدام نماید. تأمین یک سوم هزینه این بیمه‌ها توسط اشخاص هنرمند، یک سوم توسط سرمایه‌گذاران آثار هنری و یک سوم باقیمانده برعهده دولت می‌باشد. مرجع تشخیص از کارافتادگی، سازمان می‌باشد.

بند ۱۷- سازمان می‌تواند هرگونه پیشنهاد و طرح مدون خود را جهت پیشبرد امور صنفی، هنری، معیشتی و قضائی به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید و آن مجلس نیز موظف به رسیدگی بوده و با اعمال اصلاحات خود، برای تصویب آن‌ها اقدام نماید.

اصل ۲۲- برقراری آرامش، احترام به شخص و حقوق یکدیگر، رعایت قوانین و انضباط عمومی برابر این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی برای همه شهروندان کشور در مراکز و اماکن عمومی الزامی است.

بند ۱- منزل مسکونی، مراکز اقتصادی و مکان نهادهای شخصی، حریم خصوصی شهروندان محسوب می‌شوند و هیچ فرد حقیقی و یا حقوقی اجازه ندارد بدون اجازه گرفتن از صاحب‌خانه و مالک آن‌ها، وارد حریم خصوصی کسی شود، مگر آن که برابر قوانین کشور بصورت کتبی مجاز باشد و شایسته است اعمال قانون در این موارد همراه با سلام و خوشرویی بوده و بکارگیری احتمالی زور و چگونگی آن باید در اجازه‌نامه قید شده باشد. از طرف دیگر، هیچ کسی حق ندارد در حریم خصوصی خود کاری انجام دهد که موجب آزار و یا احتمال خطر و امنیت جانی و مالی، سلب آسایش، اشاعه اعمال زشت یا الگوی رفتارهای ناشایست برای همسایگان شود.

بند ۲- با الهام از آیات نورانی و کلام وحی در قرآن کریم و همچنین تعالیم معنوی ادیان الهی، شایسته است که مردان و زنان شهروند ایرانی در مراکز و اماکن عمومی با پاکدامنی با یکدیگر معاشرت داشته باشند و پوشش ظاهری آن‌ها آراسته و با وقار بوده و خلاف عفت عمومی نباشد و بویژه زنان کشور ایران، با پوشیدن مقنعه یا روسری و پوشاندن موی سر، گردن و تا قلب و سینه خود، زمینه‌های پاکدامنی و پرهیزکاری بیشتری را در مراکز و اماکن عمومی فراهم نمایند و در برابر، مردان نیز باید با پرهیز از نگاه گناه‌آلود، پوشش مناسب، حرکات و گفتار ناشایست، سطح پاکیزگی و عفاف جامعه و امنیت جنسی را برای زنان شریف و عقیف کشور افزایش دهند. تعیین الگوی پوشش و رفتارهای ناهنجار در مراکز و اماکن عمومی و مجازات‌های لازم را قوانین عادی مشخص می‌کند.

بند ۳- حضور گروهی و جمعی زنان در مراکز و اماکن عمومی و بویژه ورزشگاه‌ها با رعایت بند بالا و بشرط عدم اختلاط با مردان و پرهیز از گفتارهای جمعی و بدور از وقار، مجاز می‌باشد.

بند ۴- دولت موظف است تا در مراکز و اماکن عمومی همه شهرهای کشور، محل‌هایی را بمنظور گردهمایی، تظاهرات و یا بحث آزاد برای هر گروه، جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع و یا سازمان‌های رسمی در نظر بگیرد تا آن‌ها بتوانند آزادانه با هواداران خود همایش داشته باشند. مسئولیت عواقب و یا پیامدهای این قبیل اجتماعات برعهده برگزارکنندگان می‌باشد و دولت ضمن صدور مجوز، باید در ایجاد امنیت و برقراری مناسب این قبیل اجتماعات آزاد، نهایت همکاری لازم را داشته باشد.

بند ۵- هر شهروند ایرانی می‌تواند در صورت مشاهده خطا و یا نابهنجاری اخلاقی، نوشتاری، رفتاری و پوششی از هر فرد و یا گروه در مراکز و اماکن عمومی، به آن‌ها بطور گفتاری و دوستانه تذکر و در صورت لازم، به مسئولین مربوط و انتظامی کشور، مراتب را گزارش دهد. دولت موظف است روش‌های ارتباطی و برنامه‌های مجازی مناسبی برای تحقق این بند را مهیا کرده و به اطلاع عموم شهروندان برساند.

اصل ۲۳- شورای روستاها و شهرها بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و دهدار و شهردار، بالاترین مقام اجرائی در اداره و توسعه روستاها و شهرها می‌باشند و چگونگی انتخاب و حدود اختیار آن‌ها را این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی معین می‌کند. از این پس، باختصار از آن‌ها بعنوان شورا و شهردار یاد می‌شود. اعضای شوراها با رأی مستقیم مردم و شهردار از بین اعضای شورای شهر و توسط آن‌ها، انتخاب می‌شوند.

بند ۱- حداکثر تعداد اعضای شورا در روستاها و شهرهای تا سه هزار نفر، شهرهای تا بیست هزار نفر، شهرهای تا یکصد هزار نفر، شهرهای تا سیصد هزار نفر، شهرهای تا هفتصد هزار نفر، شهرهای تا دو میلیون نفر جمعیت و کلان شهرها، بترتیب: ۱۵،۱۳،۱۱،۹،۷،۵،۳ تعیین می‌شوند. در عمل شهروندان از بین واجدین شرایط اعلام شده توسط سازمان انتخابات، به یک نفر بیشتر از مقادیر گفته شده رأی می‌دهند. منتخبین مردم در اولین جلسه شورا به ریاست سنی، از بین خود یک نفر را بعنوان شهردار انتخاب می‌کنند. حکم همه این افراد توسط استاندار تأیید و ابلاغ می‌شود.

بند ۲- هر شهروند ایرانی دارای سن ۲۵ تا ۷۰ سال منتهی به روز رأی‌گیری، با داشتن هرگونه گرایش فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و گواهی عدم سوءپیشینه، اقرار به تابعیت از این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی، داشتن سواد حداقل فوق‌دیپلم برای روستاها و کارشناسی برای سایر شهرها، اعتقاد به یکی از مذاهب و ادیان رسمی کشور، بشرط آن که محل تولدش و یا حداقل ۳ سال منتهی به زمان انتخابات، ساکن آنجا باشد، می‌تواند با رأی محل مردم، عضو شوراها و یا شهردار شود. متقاضیان عضویت در شورا و یا شهردار شدن باید یک ماه قبل از زمان انتخابات از شغل فعلی خود استعفاء بدهند، مگر آن که، مجوز کتبی ترک خدمت از بالاترین مقام مجاز مربوط ارائه داده باشند. عضویت در شورا و شهردار شدن، شغل تمام‌وقت محسوب می‌شود و این افراد مجاز به داشتن شغل دولتی و یا خصوصی دیگری نمی‌توانند باشند. جایگاه شغلی و میزان حقوق و مزایای اعضای شوراها و شهرداران را قوانین عادی تعیین می‌کند و هر نوع پرداخت و مزایای دیگری، تخلف محسوب می‌شود. مدت عمر شوراها و شهرداران ۵ سال می‌باشد و محدودیتی در تعداد دفعات عضویت در شورا و یا شهردار شدن وجود ندارد. کلیه اعضای شوراها و شهرداران باید لیست اموال و دارائی‌های خود را در اول و پایان دوره خدمت خود با اطلاع عموم برسانند.

بند ۳- هیچ حزب سیاسی نمی‌تواند در انتخابات شوراها فعالیت و یا افرادی را اعلام و تبلیغ نماید و در این زمینه تنها سایر گروه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی، اصناف و بازاریان و تشکل‌های صنفی و مانند این‌ها ساکن در محل، می‌توانند بکنه‌هایی و یا با ائتلاف با یکدیگر، فعالیت و رقابت سالم انتخاباتی برابر قوانین عادی داشته باشند.

بند ۴- هر شهردار حداکثر یک ماه پس از انتخاب، برنامه اداره و توسعه روستا و شهر را به شورای مربوط پیشنهاد می‌کند و شورا موظف است ظرف مدت یک ماه نظرات اصلاحی خود را به ایشان ارائه و برنامه نهایی را به تصویب برساند و برای اجرا به شهردار ابلاغ و سپس بر عملکرد ایشان نظارت نماید و شهردار نیز موظف است حداقل بصورت ماهیانه به شورا گزارش دهد. برنامه‌هایی که نیاز به منابع مالی ملی دارند، پس از تصویب شورا، لازم است شورای استان نیز آن‌ها را تصویب و میزان سهم مالی بخش ملی و چگونگی پرداخت آن را تعیین نماید.

- بند ۵- شهرداران در انتخاب همکاران خود در هر سطحی کاملاً آزاد هستند و شورا و یا هر فرد حقیقی و حقوقی دیگری حق مداخله ندارد.
- بند ۶- کلیه قراردادهای مالی و حقوقی و تعهدآور روستا و شهر با تأیید و امضای شهردار، حکم قانونی و اجرایی خواهد داشت.
- بند ۷- تعدد، گستردگی، بزرگی و قدمت گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری، ورزشی، صنفی و ارتباط تنگاتنگ با مردم، حاکی از توسعه‌یافتگی مدیریت روستا و شهر دارد و شایسته است که مدیریت روستایی و شهری توسط شورا و شهردار، با همکاری و همفکری این اقشار و گروه‌ها، همراه با مطالعات نوین توسعه و استفاده از تجربیات دیگر جوامع بشری، صورت گیرد.
- بند ۸- چشم‌انداز و افق برنامه‌های اداره و توسعه روستاها و شهرها باید بسمت استقلال، خوداتکایی مالی و اقتصادی، بهره‌مندی همگان از بالاترین سطح رفاه و اشتغال، برقراری عدالت اجتماعی، دارای پیوست‌های زیست‌محیطی و کاهش مصرف آب، هماهنگ و همخوان با سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های کلان منطقه‌ای، استانی و کشوری باشد.
- بند ۹- تعیین ضوابط عمومی و استقرار مکان‌های مراکز اقتصادی و کسب و کارها، منازل مسکونی، دواير دولتی و خصوصی در روستاها و شهرها با شوراهاست و شهرداران مسئول تشخیص مصادیق، صدور مجوز مکان استقرار و اخذ عوارض‌ها می‌باشند.
- بند ۱۰- شوراهای روستایی و شهری می‌توانند مشکلات اجرایی و عدم حمایت دولت‌ها و یا استانداران از طرح‌های آنان را از طریق نمایندگان آن حوزه در مجلس شورای اسلامی و طرح در کمیسیون‌های ذیربط، پیگیری نمایند.
- بند ۱۱- مسئولیت نظارت بر عملکرد شهرداران حاضر و یا گذشته با شوراهاست و می‌توانند در مورد همه امور از ایشان سؤال و یا تحقیق و تفحص نمایند و در صورت مشاهده تخلف، پیگیری قضایی داشته باشند و یا در مورد برکناری شهردار فعلی تصمیم‌گیری کنند.
- اصل ۲۴- همه روستاها و شهرهای کشور باید بتوانند در یک بازه زمانی حداکثر ده ساله، از نظر تأمین مالی با منابع بومی و مالیات‌ها، توسعه یافته و خوداتکا شوند.
- بند ۱- ساختار سازمانی و حقوق ماهیانه رده‌های شغلی شهرداری توسط قوانین عادی تعیین و دولت موظف است با برنامه‌ریزی در بازه زمانی گفته شده، سهم تأمین حقوق ماهیانه را از بودجه عمومی و دولت، به نسبت افزایش خوداتکایی شهرداری‌ها، کاهش دهد.
- بند ۲- منابع مالی در روستاها و شهرها از این قبیل هستند: عوارض ساخت‌وساز بصورت قسطی سه ساله و بعد از احداث، مالیات خرید و فروش املاک و خودرو بمیزان یک درصد قیمت معامله از فروشنده و همزمان با انجام معامله، هزینه سرانه خدمات شهری از همه واحدهای مسکونی به نسبت مساحت زیربنا و برای اداری با سی درصد و تجاری با دو برابر افزایش و بصورت ماهیانه، عوارض بر اجاره و یا خانه‌های خالی برابر مقادیر گفته شده در این مجموعه قوانین اساسی و یا قوانین عادی و بصورت ماهیانه، هزینه سرانه نوسازی معابر و خیابان‌ها از همه واحدهای مسکونی به نسبت مترها و تفاوت در ارزش و توسعه‌یافتگی منطقه و بصورت سالیانه، هزینه سرانه احداث و نگهداری فضاهای سبز، ورزشی و کتابخانه بازای اعضای خانواده از پدر و یا سرپرست خانواده و بصورت ماهیانه، سرانه هزینه آلودگی هوا به نسبت میزان خرید بنزین و استهلاک معابر از خودروها، دریافتی بابت جرائم رانندگی، یک درصد عوارض فروش از همه فروشندگان کالاهای کشاورزی و صنعتی و خدماتی. علاوه بر این موارد، شوراها مجازند با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سرزمینی خود، منابع عوارضی جدیدی را بصورت مقطعی و یا دائمی تصویب نمایند. هر روستاها و شهرها موظف هستند سامانه مجازی برای دریافت عوارض و درآمدهای خود راه‌اندازی نمایند.

- بند ۳- شهرداری‌ها در هیچ صورتی مجاز نیستند با چشم‌پوشی از تخلفات شهری، هزینه‌ای دریافت کنند و لازم است که مورد تخلف کلاً برطرف شود.
- بند ۴- بلندمرتبه سازی با رعایت ضوابط فنی و حقوق همسایگان، تأمین دسترسی آسان و حداقل یک پارکینگ بازای هر واحد، مجاز است. در این صورت، ده درصد از ارزش کل مساحت‌های افزون بر تراکم مجاز اولیه، متعلق به شهرداری است که در زمان فروش از سازندگان اخذ می‌شود.
- بند ۵- مالکیت همه زمین‌هایی که قبلاً جزو محدوده مسکونی روستایی و شهری نبوده، ولی در طرح توسعه اراضی مصوب روستاها و شهرها به آن‌ها افزوده می‌شود، به شهرداری‌ها تعلق دارند و شهرداران باید بابت این مالکیت، برابر قیمت پایه قبل از الحاق، که میزان آن‌ها را شوراها تعیین می‌کنند، به صاحبان این زمین‌ها پرداخت نمایند. شهرداری‌ها باید حداقل نیمی از این املاک را برای ایجاد راه‌ها، دواير دولتی، خدمات و فضاهای عمومی بکار گیرند و مجازند نیمی دیگر آن‌ها را بعداً برای تأمین منابع مالی، زیر نظر شورا و بروش مزایده، بفروش برسانند.
- بند ۶- همه زمین‌هایی که در محدوده مسکونی روستایی و شهری هستند، ولی در طرح‌های بهینه‌سازی بافت‌های شهری، لازم است همه و یا بخشی از مساحت آن‌ها توسط شهرداری‌ها به هر نحوی مورد استفاد قرار گیرد، مالکیت آن بخش‌ها از صاحبان اصلی لغو و به شهرداری واگذار می‌شود و شهرداری‌ها باید در مناطق خوب و گران تا سقف نیم و در مناطق متوسط و کمتر توسعه‌یافته، تا سقف دوسوم ارزش بخش‌های واگذار شده را بصورت نقد و یا اقساط حداکثر دو ساله به صاحبان آن‌ها بپردازد. ارزش‌گذاری‌ها باید به تأیید شوراها برسد.
- بند ۷- شهردار می‌تواند دستور تغییر کاربری و تعطیلی مراکز صنعتی و اقتصادی داخل روستاها و شهرها را بدلیل اخلال در آسایش و سلامت شهر و شهروندان، داشتن بدهی بابت نپرداختن انواع عوارض شهری و یا آنان که دارای مصرف بالا در آب و انرژی هستند را، صادر نماید.
- بند ۸- همه مسئولان مراکز خدماتی شهری آب، برق، گاز، سلامت، فرهنگی، ورزشی، ارتباطاتی، انتظامی تابع سایر نهادها، در اجرای طرح‌های مصوب روستایی و شهری، باید زیر نظر شهرداری‌ها کار می‌کنند.
- اصل ۲۵- طراحی و ساخت شهرک‌های صنعتی مراکز اقتصادی، همراه با پیوست ملاحظات زیست‌محیطی آن‌ها، برعهده شهرداری‌ها با هماهنگی استانداران می‌باشد که به روش مزایده، مطالعات و اجرای آن به شرکت‌های خصوصی واگذار می‌شود. شهرداری‌ها موظف هستند که حتی‌المقدور این شهرک‌ها را بطور تخصصی طراحی و راه‌اندازی و مراکز اقتصادی صنعتی داخل شهر را به این شهرک‌ها منتقل نمایند.
- بند ۱- دولت موظف است که زمین رایگان از منابع طبیعی در اختیار شهرداری‌ها برای ایجاد انواع شهرک‌های مراکز اقتصادی قرار دهد. همچنین احداث راه (راه‌آهن)، تأمین آب، برق، گاز طبیعی برعهده دولت و ساخت و تأمین سایر موارد، برعهده شهرداری‌ها می‌باشد.
- بند ۲- واگذاری زمین بنابر طرح‌های مصوب به مراکز اقتصادی در این شهرک‌ها، رایگان می‌باشد و صاحبان طرح‌های اقتصادی نیز موظف هستند حداکثر تا ۳ سال نسبت به احداث بنای مرکز اقتصادی خود اقدام نمایند، در غیر اینصورت، واگذاری زمین فسخ می‌گردد. ولی چنانچه مرکز اقتصادی بتواند یک طرح دیگر را متناسب با ابعاد و موقعیت زمین به تصویب برساند، تصاحب آن زمین برای حداکثر یک دوره سه ساله دیگر، قابل تمدید است. در هیچ شرایطی مالکیت زمین در این شهرک‌ها به مراکز اقتصادی منتقل نخواهد شد.

بند ۳- هیچ مرکز اقتصادی مجاز نیست زمین واگذار شده خود را به دیگری واگذار نماید. در صورت انحلال مرکز اقتصادی و عدم تمایل صاحب مرکز برای احداث واحد جدید، زمین همراه با بناهای آن به شهرداری تحویل داده می‌شود و شهرداری موظف است نصف قیمت کارشناسی روز بناها را به مرکز اقتصادی بپردازد.

بند ۴- شهرداری‌ها مجاز هستند هزینه سرانهٔ احداث امکانات داخل شهرک‌ها را یک سال پس از راه‌اندازی و با اقساط ۲ ساله و عوارض نوسازی و توسعه را بصورت ماهانه از سال سوم، از همهٔ مراکز اقتصادی اخذ نمایند.

بند ۵- شهرک‌های مراکز اقتصادی دارای هیئت‌مدیره‌ای حداکثر ۱۱ نفره متشکل از نمایندگان مراکز اقتصادی، یک نماینده از شهرداری‌های مربوط و مدیرعامل هستند که وظیفهٔ عمدهٔ آن‌ها عبارتند از: ادارهٔ امور داخلی شهرک‌ها، تلاش برای جلب مراکز اقتصادی جدید و تأمین زنجیرهٔ تأمین مراکز و تکمیل چرخهٔ تولید آن‌ها در شهرک‌ها، حل و فصل اختلافات داخلی مراکز با یکدیگر، تنظیم گزارشات دوره‌ای از وضعیت مراکز اقتصادی و تدوین طرح‌های توسعه‌ای برای آگاهی و تصویب شهرداری‌های مربوط، نظارت بر دخل و خرج امور جاری شهرک‌ها، تأمین امنیت و حراست شهرک‌ها، نظارت بر امور زیست‌محیطی، ایجاد صندوق‌های حمایتی داخلی و کمک به واحدهای در حال تأسیس و رشد، نظارت عمومی بر حفظ و رعایت استانداردهای محصولات مراکز اقتصادی، پیگیری و حمایت از ایجاد مراکز آموزشی، علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی در شهرک‌ها، حمایت از برگزاری همایش‌ها و بازدیدهای علمی خبرگان و دانشگاهیان. انتخاب افراد هیئت‌مدیره زیر نظر شهرداری‌ها انجام می‌شود و در این میان، تنها مدیرعامل و افراد اجرایی ایشان دارای دستمزدی هستند که به تصویب هیئت‌مدیره رسیده است.

بند ۶- همهٔ درآمد شهرداری‌ها در همان شهر و صرف طرح‌های مصوب محلی و یا ملی خواهد شد. نظارت کلی بر هزینه‌کرد شهرداری‌ها برعهدهٔ استانداردها می‌باشد.

اصل ۲۶- در کشور ایران گروه‌ها و احزاب سیاسی با ایده‌پردازی، ایجاد نوآوری و شادابی، آموزش، جریان‌سازی سیاسی و فرهنگ‌سازی، بزرگترین نقش در نهادینه‌کردن کار گروهی در جامعه را دارند و اهرمی برای عینیت بخشیدن اراده‌ها، مردم‌سالاری، آزادی و سبیل مشارکت در تعیین سرنوشت امور سیاسی و حکمرانی کشور هستند.

بند ۱- گروه‌های سیاسی کوچکترین واحدهای منسجم مردمی هستند که با ارتباط عمومی خود افکار، آراء و هیجانات فردی را به جریان‌های سیاسی و مؤثر در سطح روستا و شهر تبدیل می‌کنند و با تقویت نظم و انضباط درون‌گروهی، عضوگیری رسمی و تلاش برای پیروزی در انتخابات روستایی و شهری، می‌توانند به احزاب فراگیر در سطح منطقه، استان و یا کشور تبدیل شوند.

بند ۲- هدف هر گروه سیاسی رسمی می‌تواند از همان ابتدا برای حزب شدن باشد، در این صورت مجاز است عضوگیری خود را بطور رسمی و فراگیر شروع نماید.

بند ۳- گروه‌ها و احزاب سیاسی رسمی در بیان عقاید سیاسی خود آزاد هستند و می‌توانند از هرگونه وسایل ارتباط جمعی نوشتاری، دیداری، شنیداری، ارتباطی و شبکه‌های مجازی در نشر دیدگاه‌ها و جذب اعضاء برابر قوانین جاری استفاده نمایند.

بند ۴- دولت و هر مقامی اجازه ندارد به گروه و یا حزب سیاسی خاصی از نظر مالی، امکاناتی و یا رسانه‌ای کمک نماید.

بند ۵- دولت موظف است مشخصات همهٔ گروه‌ها و احزاب سیاسی را مانند: تاریخ شروع، اساسنامه، مرامنامه، رئیس، دبیر کل، اعضای شورای مرکزی، آدرس قانونی، تلفن، آدرس پستی، آدرس رایانامه، نحوهٔ تماس واحد رسیدگی به شکایات و تعداد آخرین اعضای رسمی آن‌ها را از طریق سامانهٔ سازمان سامان‌دهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور در اختیار عموم قرار دهد.

بند ۶- گروه‌ها و احزاب سیاسی و همچنین سایر دستجات رسمی کشور مجاز هستند فقط با اطلاع قبلی به مراجع قانونی، در اماکنی که در اختیار و یا تملک آنهاست، جلسات و همایش‌های خود را برگزار نمایند. در اینصورت، دولت موظف است تأمین امنیت و نظم عمومی خارج از این اماکن را فراهم نماید.

بند ۷- هر گروه و احزاب سیاسی موظف هستند واحد حل اختلافی را برای رسیدگی به امور شاکیان خصوصی و یا دولتی در خود ایجاد و تلاش نمایند تا شکایت‌های ناشی از عملکردشان بطور دوستانه حل و فصل شود. همچنین این گروه‌ها و احزاب موظفند که مراتب شکایت و نتیجه آن را در نشریات خود به آگاهی عموم برسانند.

بند ۸- مرجع قضایی موظف است تا مراتبی از دادگاه‌های دارای هیئت منصفه را برای رسیدگی به شکایات افراد حقیقی و حقوقی از گروه‌ها و احزاب سیاسی تشکیل دهند.

بند ۹- هیچ گروه و حزب سیاسی را نمی‌توان بدلیل نقد و تحلیل عملکرد نهادهای کشور مورد پیگرد قانونی قرار داد، مگر آن که متهم به افترا و بیان مطالب نادرست از طرف شاکی حقیقی و یا حقوقی باشد و قضاوت نهایی با دادگاه احزاب خواهد بود.

بند ۱۰- تخلفات ثابت شده توسط گروه‌ها و احزاب سیاسی باید منتهی به مجازات فرد، دبیر کل، رئیس (و یا ترکیبی از این افراد) بنا بر رأی دادگاه احزاب شود و حزب نیز موظف است مجازات‌های داخلی خود را برای این افراد اعمال نماید. در صورتی که بیش از دو سوم اعضای شورای مرکزی گروه‌ها و یا احزاب سیاسی در یک شکایت و یا در طول دوران فعالیت خود بنا بر رأی دادگاه احزاب مجرم شناخته شوند، آن گروه و یا حزب منحل و آن افراد اجازه فعالیت سیاسی بمدت پنج سال را نخواهند داشت.

بند ۱۱- کسانی که حتی یک بار از طرف دادگاه سیاسی در هر سطحی مجرم شناخته شوند، نمی‌توانند رئیس، دبیر کل و یا نماینده آن‌ها در انتخابات شوراهای روستایی و شهری و یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی باشند.

بند ۱۲- اخذ کمک‌های مالی از گروه‌های معاند با نظام و یا همکاری سازمان‌یافته با آنان، توهین به مقدسات ادیان رسمی کشور بصورت آشکار (بشرط آن که رسماً اظهار ندامت نشود)، تنها دلایلی هستند که در صورت اثبات در دادگاه احزاب، می‌توان آن گروه و یا حزب را منحل کرد.

اصل ۲۷- در کشور ایران همه امور اقتصادی، به جز در مواردی که در این مجموعه قوانین اساسی برعهده دولت است، در اختیار بخش خصوصی است که بواسطه سازمان اصناف مدیریت و اجرا می‌شود.

بند ۱- هر صنف مجموعه‌ای از مشاغل است که منافع آن‌ها در پنج گروه شغلی دانش‌بنیان، تولید، واردات، صادرات و توزیع به یکدیگر وابسته هستند، مانند کشاورزان چغندر قند و نیشکر، کارخانه‌های قند، واردکنندگان شکر و توزیع‌کنندگان اصلی قند و شکر، شرکت‌های دانش‌بنیان در استان مربوط، که مجموعاً یک صنف را تشکیل می‌دهند. هر صنفی دارای یک شورای سه تا پنج نفره، متشکل از نمایندگان گروه‌های شغلی گفته شده در هر استان می‌باشد. این شوراهای صنفی همراه با یک نماینده از طرف استانداری، می‌توانند بالاترین تصمیم‌گیری‌ها درباره صنف خود را در محدوده استانی اتخاذ نمایند. در قبال این اختیارات، شوراهای واحدهای صنفی کوچکتر در شهرستان‌ها پاسخگو خواهند بود. تدوین طرح‌های توسعه و پیشرفت صنف در استان، ایجاد بازار برای محصولات صنف در استان و کشور، مدیریت و اشاعه دانش و انجام کمک‌های فنی به اعضا، نظارت بر ضوابط و ارتقاء استانداردهای محصولات صنف، تصمیم‌گیری برای ایجاد و تفویض اختیارات به شوراهای صنفی مشابه در شهرهای بزرگ استان، مدیریت بر صندوق پیوند صنفی، راهبری نوآوری در واحدهای صنفی، تصویب طرح‌هایی که درخواست استفاده از تسهیلات بانکی را دارند، جلب منابع بانکی لازم برای اختصاص وام به واحدهای صنفی خود، از جمله وظایف این شوراهای صنفی می‌باشند.

ساختار سازمانی این شوراهای باید ساده و دارای واحدی برای حل اختلافات صنفی باشد. عضویت در شوراهای صنفی در سطح استان‌ها، حداکثر مشاغل نیمه‌وقت محسوب می‌شوند.

بند ۲- سازمان اصناف مرکزی موظف است شوراهای عالی هر صنف را در تهران بگونه‌ای از نمایندگان شوراهای اصناف استان‌ها تشکیل دهد که در ترکیب حاصل برای هر صنف یک یا چند نفر از هر پنج گروه شغلی دانش‌بنیان، تولید، واردات، صادرات و توزیع حضور داشته باشند. این شوراهای عالی صنفی به همراه یک نماینده از دولت در هر صنف، بالاترین مرجع تصمیم‌گیری دربارهٔ صادرات، واردات، جذب سرمایه‌های خارجی، همگامی و همراهی طرح‌های توسعه و پیشرفت صنف با طرح‌ها و برنامه‌های کلان توسعه در کشور، پیگیری ایجاد رشته‌های دانشگاهی بمنظور تربیت نیروی انسانی برای صنف، تصویب تعرفه و عوارض گمرکی برای کالاهای وارداتی صنف و یا مشوق‌های صادراتی، تدوین و تصویب ضوابط و استانداردهای لازم برای ایجاد و راه‌اندازی و مدیریت صندوق پیوند صنف می‌باشند. عضویت در شوراهای عالی اصناف، می‌توانند مشاغل تمام‌وقت محسوب شوند.

بند ۳- ساختار سازمان اصناف مرکزی حداقل دارای یک هیئت‌مدیره متشکل از رؤسای شوراهای عالی اصناف و مدیرعامل، شوراهای عالی اصناف، واحد حقوقی و قانون‌گذاری، واحد بازرگانی خارجی، واحد عالی رسیدگی به تخلفات صنفی می‌باشد. عمده وظایف هیئت‌مدیره نظارت و پیگیری تشکیل شوراهای اصناف در استان‌ها و شوراهای عالی در تهران، هماهنگی مصوبات شوراهای با یکدیگر و با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور، تدوین قوانین اقتصادی برای اصناف و ارتباط با مجلس شورای اسلامی برای تصویب، نظارت عالی بر عملکرد و حساب‌های مالی صندوق‌های پیوند، پیگیری و تحلیل بازخورد تصمیم‌های اقتصادی سازمان و دولت می‌باشد.

بند ۴- ساختار سازمان اصناف را مجلس شورای اسلامی مصوب می‌کند و بجز شرکت‌های دانش‌بنیان، لازم است دیگر اعضای صنف یک (تا حداکثر سه) در هزار از فروش خود را ماهیانه به سازمان اصناف استان مربوط واریز نمایند. دولت موظف است مکان و پشتیبانی‌های مناسب برای فعالیت اصناف در مرکز استان‌ها و تهران فراهم نماید.

اصل ۲۸- دانشگاه‌ها وظیفه دارند که مشکلات علمی، فناوری و نوآوری مراکز اقتصادی، زیست‌محیطی و کمبود منابع آبی را برطرف کنند و پیشرفت کشور را به مسیر فناوری‌های نوین، آینده‌ساز و اقتدارآفرین در تراز جهانی هدایت کنند و نیروی انسانی و مدیران خلاق، کارآفرین و متعهد را برای همهٔ نهادهای کشور تربیت نمایند. علاوه بر این‌ها، تولید و انجام تحقیقات علمی پایه، پژوهش‌های فناورانه، ایجاد مراکز رشد، همکاری و همراستایی با شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور، اندیشه‌ورزی در سیاست‌گذاری، حکمرانی، حل مشکلات و گذار از بحران‌های اساسی و کلان کشور، حمایت از دانش‌جویان و اساتید برتر دانشگاهی و پرورش دانشمندان در تراز جهانی، برعهدهٔ دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی می‌باشد.

بند ۱- ایجاد دانشگاه و یا مرکز آموزش عالی دولتی برای مقاطع فوق‌دیپلم و کارشناسی تنها بنابر درخواست استاندار هر منطقه بشرط تأمین مکان و حداقل یک سوم هزینهٔ راه‌اندازی توسط ایشان امکان‌پذیر می‌باشد و مابقی را دولت موظف است تأمین کند. استانداران مجازند برای تأمین هزینه‌های اولیهٔ ساخت دانشگاه‌ها و مرکز آموزش عالی، عوارض ویژه‌ای را از مراکز اقتصادی اخذ نمایند. برای مناطق محروم و یا کمتر توسعه‌یافته، تنها شرط تأمین مکان کافی است.

بند ۲- هیچ وزارتخانه، سازمان دولتی و یا نیمه‌دولتی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، مجاز نیستند که دانشگاهی ویژه داشته باشند. نیروهای مسلح شامل این بند نمی‌شوند.

بند ۳- بالاترین رکن هر دانشگاه، هیئت‌امانی آن متشکل از منتخبین گروه‌های علمی آن دانشگاه‌ها و یک نماینده از سوی وزارت علوم و فناوری می‌باشد و تصویب و نظارت برنامه‌های دراز مدت توسعه علمی و آموزشی و بودجهٔ سالانهٔ دانشگاه، چگونگی و تعداد

پذیرش دانشجوین، تأیید همکاری‌های علمی، هماهنگی دانشگاه با سیاست‌های کلی کشور، نظارت بر امور تحقیقاتی و محیط فرهنگی و انتخاب رئیس دانشگاه را بمدت ۵ سال برعهده دارد.

بند ۴- دانشگاه‌های تابع وزارت علوم و فناوری مجاز نیستند که مقطعی بنام فوق‌دیپلم داشته باشند. بخش خصوصی می‌تواند در ایجاد و توسعه این مقطع همکاری مؤثری با آموزش و پرورش داشته باشد. دانشگاه‌ها باید برنامه‌ریزی کنند تا پذیرش حداقل ۳۰ درصد از ظرفیت مقطع کارشناسی خود را به فارغ‌التحصیلان این مقطع اختصاص دهند.

بند ۵- آموزش اعم از روزانه و یا شبانه در مقطع کارشناسی برای همه شهروندان ایرانی رایگان می‌باشد و دانشگاه‌های دولتی مجاز نیستند مبلغی دریافت نمایند. بخش خصوصی می‌تواند مجوز تأسیس دانشگاه برای مقاطع فوق‌دیپلم، کارشناسی و بالاتر را داشته باشد و تنها این‌ها مجاز به اخذ هزینه‌های تحصیلی هستند و می‌توانند بخشی از نیازهای آموزشی خود را طی قراردادهای مالی از طریق دانشگاه‌های دولتی تأمین نمایند.

بند ۶- دولت موظف است به همه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی متناسب با مقطع تحصیلی و وضعیت تأهل، از فوق‌دیپلم به بالا، کمک‌هزینه تحصیلی بلاعوض و وام‌های دانشجویی بصورت قرض‌الحسنه بدهد. پرداخت این مبالغ منوط به داشتن کد اقتصادی افراد حقیقی برای هر دانشجو می‌باشد. ادامه تحصیل دانشجویان در مقاطع بالاتر و دریافت وام‌های جدید، منوط به تسویه حساب وام‌های دریافتی مقاطع قبلی نیست، بشرط آن که فاصله زمانی و وقفه بین دو مقطع، از ۳ سال بیشتر نشده باشد و لازم است که در گواهی‌های موقت فارغ‌التحصیلی، میزان بدهی کل مقاطع تحصیلی ذکر شود. دانشجویان موظف هستند در صورت عدم تمایل به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، حداکثر در مدت ۳ سال بصورت نقد و یا اقساط، بدهی خود را بپردازند، در غیر اینصورت، بدلیل بدهی به دولت، کد اقتصادی آن‌ها مسدود و ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۷- همه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در ازای استفاده از آموزش رایگان موظف هستند پس از فارغ‌التحصیل شدن لازم است بترتیب، بمدت ۳ سال (برای مقطع کارشناسی)، ۲ سال (برای کارشناسی ارشد)، ۳ سال (برای مقطع دکتری)، در سازمان‌های دولتی و یا خصوصی، مرتبط با رشته تحصیلی خود، شاغل شوند. چنانچه این افراد بخواهند بدون انجام این تعهد خدمت برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام شوند و یا بهر دلیلی در مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی خود فعالیت نمایند، لازم است هزینه مدت استفاده از آموزش رایگان خود را بصورت یکجا بپردازند. در هر صورت چنانچه این تعهد انجام نشود، این افراد بدهکار به دولت تلقی می‌شوند و کد اقتصادی آن‌ها مسدود و ممنوع‌المعامله خواهند شد. میزان هزینه تحصیلی در مقاطع مختلف را سالانه مجلس شورای اسلامی تعیین می‌کند.

بند ۸- دولت موظف است ظرفیت ورودی دانشگاه‌ها را باندازه متقاضیان افزایش دهد و پذیرش دانشجویان بدون اعمال آزمون سراسری، ولی بطور متمرکز و مجزا برای هر دانشگاه خواهد بود.

بند ۹- برای ورود به مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها باید فقط نمرات درسی مقطع قبلی ملاک پذیرش قرار گیرد و هرگونه سهمیه و یا امتیازی برای هر قشر و افرادی ممنوع است. دانشگاه‌ها هر یک می‌توانند برای پذیرش دانشجوین خود شرایطی مانند داشتن حداقل نمره برای همه و یا برخی از دروس دبیرستانی و یا فوق‌دیپلم را داشته باشند. دولت و یا دانشگاه‌های مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته، می‌توانند امتیازات ویژه‌ای برای جلب دانشجویان به تحصیل در آن دانشگاه‌ها داشته باشند.

بند ۱۰- اعمال محدودیت‌های جنسیتی و یا ناتوانی‌های جنسی برای پذیرش در برخی از رشته‌ها، متأثر از نوع رشته و یا نیاز جامعه، مجاز است.

بند ۱۱- فعالیت اجتماعی و عقیدتی، اتهام و یا ارتکاب به جرم سیاسی و سایر جرائم شهروندان ایرانی نمی‌توانند مانعی برای ورود به دانشگاه و یا تداوم تحصیلات دانشگاهی و اخراج ایشان باشد. ادیان و یا مذاهب غیررسمی بشرط پرداخت هزینه‌های دانشگاهی، می‌توانند تحصیلات دانشگاهی داشته باشند.

بند ۱۲- برگزاری اجتماعات و مراسم سخنرانی برای تبیین و نقد اهداف و برنامه‌ها نهادها و ارکان رسمی کشور، گروه‌ها و احزاب در دانشگاه‌ها توسط دانشگاهیان، بشرط آن که مخل نظم عمومی دانشگاه نباشد، مجاز است.

اصل ۲۹- در کشور ایران ایجاد و برگزاری رشته‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری باید نیازمحور باشند و وزارت علوم و فناوری موظف است نیازهای علمی و فناورانه کشور را گردآوری و به آگاهی کلیه دانشگاه‌ها و عموم مردم برساند. از طرف دیگر، همه نهادهای کشور موظف هستند نیازهای سال‌های آتی خود را در این زمینه به وزارت گفته شده اعلام کنند. بشرط رعایت نیازمحور بودن، نقش دولت در این دو مقطع، تأمین زیرساخت‌های علمی، فنی و عمرانی است.

بند ۱- چنانچه دانشگاهی برای هر رشته از مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بخواهد سالانه دانشجو جذب نماید، اگر تعداد آن دانشجویان برابر درخواست کتبی حداقل یک بهره‌بردار دولتی و یا خصوصی و همراه با تضمین بکارگیری آن‌ها باشد، دولت موظف است تا دو برابر برای کارشناسی ارشد و یک برابر برای دوره دکتری، هزینه‌های سرانه آن‌ها را به دانشگاه مربوط بپردازد.

بند ۲- چنانچه مراکز اقتصای دولتی و یا خصوصی برای استفاده از نتایج و محتوای پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد و یا رساله‌های دکتری مبالغی به دانشگاه‌ها بپردازند، دولت نیز موظف است ۵۰ درصد این مبالغ را به دانشگاه‌ها و ۲۵ درصد آن‌ها را به دانشجویان مربوط بپردازد.

بند ۳- مراکز اقتصای دولتی و یا خصوصی می‌توانند برای حل مسائل توسعه‌ای و فناورانه خود با دانشگاه‌های دولتی یا خصوصی قرارداد پژوهشی منعقد کنند. در این صورت، دولت موظف است ۴۰ درصد مبلغ قرارداد را بعنوان یارانه پژوهشی صنعتی به دانشگاه بپردازد و مراکز نیز می‌توانند نیمی از سهم خود را بعنوان مالیات تکلیفی محسوب و اسناد آن را به بعنوان پرداختی مالیاتی به مسئولین مربوط ارائه دهند. این نوع قراردادها کلاً از پرداخت مالیات بر دستمزد معاف هستند.

بند ۴- دولت موظف است در قراردادهای پژوهشی نیروهای مسلح با دانشگاه‌ها میزان ۶۰ درصد از مبلغ قرارداد را بعنوان یارانه پژوهشی دفاعی به دانشگاه‌های طرف قرارداد بپردازد.

بند ۵- بمنظور تقویت همکاری‌های فردی و یا گروهی بین دانشگاهی در انجام قراردادهای پژوهشی مندرج در بند بالا، بازای هر میزان از انجام موضوع پژوهش را که دانشگاه طرف قرارداد به دیگر دانشگاه‌ها واگذار نماید، دولت موظف است سی درصد آن مقدار را بعنوان تشویق، به دانشگاه طرف قرارداد بپردازد.

بند ۶- ایجاد مقاطع کارشناسی ارشد و یا دکتری در حوزه‌های علمی و فناوری‌های نوین و نوظهور توسط دانشگاه‌ها تنها با اعلام نیاز یکی از سازمان‌های دولتی و یا خصوصی با جذب تعداد محدودی دانشجو امکان‌پذیر است. در این صورت، دولت موظف است تمام هزینه‌های فنی، عمرانی و سرانه دانشجویی این دوره‌ها را بپردازد. سقف حمایت مالی دولت در این زمینه، می‌تواند تا ۱۰ درصد کل حمایت مالی دولت باشد.

بند ۷- همه اوقات موظفی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها باید در خدمت آموزش و پژوهش باشد و ایشان بتنهایی مجاز به عقد قرارداد پژوهشی با خارج از دانشگاه نیستند.

بند ۸- دانشگاه‌ها موظف هستند از طریق ایجاد دکترای پژوهشی، میان‌رشته‌ها، پژوهشکده‌ها، مراکز رشد و یا شرکت‌های دانش‌بنیان، دستاوردهای علمی و پژوهشی خود را به فناوری‌های قابل استفاده و نزدیک به نوآوری برسانند. ایجاد پژوهشکده، پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی دولتی خارج از مدیریت دانشگاه‌ها ممنوع می‌باشد.

بند ۹- دانشگاه‌ها موظف هستند با ایجاد رابطه علمی و فناوری با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خارج از کشور و تبادل دانشجو و ایجاد دوره‌های آموزشی و پژوهشی مشترک با آنها، موجب افزایش غنا و کیفیت علمی و فناوری کشور شوند.

بند ۱۰- دانشگاه‌ها موظف هستند دانشجویان جوان دارای استعدادهای برتر و ویژه و اساتید برجسته علمی را شناسایی و بمنظور دانشمندپروری برای آنها، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی جداگانه‌ای داشته باشند. دولت موظف است از این برنامه‌ها پشتیبانی نماید.

اصل ۳۰- در کشور ایران هیچ قوم، نژاد و طایفه‌ای نسبت به دیگری برتری ندارد و هیچیک از این دسته‌جات نمی‌توانند در گفتار، کردار، رفتار و نوشتار خود عملی انجام دهند که گمان برهم خوردن انسجام ملی و یا ذه‌نیت جدایی‌طلبی را در دیگران ایجاد کند. مرجع تشخیص تخلف از این اصل، دوا‌یر امنیتی و قضایی می‌باشند. دولت موظف است در حفظ و تقویت فرهنگ، آداب و رسوم، زبان، خط، گویش‌ها، آوازه‌ها و صنایع دستی و محصولات محلی، نگهداری و مرمت آثار باستانی در کشور برنامه‌های ویژه‌ای داشته باشد.

اصل ۳۱- مطبوعات قدیمی‌ترین و سیله ارتباطی است که رسالت هدایت جریان آزاد باورها و اندیشه‌های فردی و گروهی بسمت اهداف فردی و عمومی بمنظور آگاهی‌بخشی، بالا بردن اطلاعات، دانش، شناساندن ارزش‌ها و هنجارها، الگوسازی، ایجاد زمینه‌های پذیرش نوآوری‌های اجتماعی و دگرگونی‌ها را برعهده دارد.

بند ۱- سازمان مطبوعات دارای هیئت‌مدیره‌ای متشکل از نمایندگان فرهیخته منتخب اقشار مختلف می‌باشد تا با خرد جمعی و براساس خطوط راهنما، چارچوب‌ها و مقررات این مجموعه قوانین اساسی و سایر قوانین عادی دیگر، با بهترین شیوه بر وظایف و نقش خطیر مطبوعات در کشور نظارت و قضاوت داشته باشند. انتخابات اعضای هیئت‌مدیره زیرنظر وزارت ارشاد انجام و در اولین جلسه با ریاست سنی، رئیس و مدیرعامل سازمان معین می‌شوند.

بند ۲- ساختار سازمان مرکزی در تهران و یا شعبات آنها در مراکز استانی و شهرهای بزرگ، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. سازمان می‌تواند شوراهای حل اختلافات صنفی، واحدهای تعیین مالکیت مادی و معنوی، تعیین شاخص‌ها و معیارها و ضوابط نشر، ممیزی هنری، ممیزی محتوی، واحد صدور مجوز نشر و چاپ داشته باشد. سازمان می‌تواند بمیزان یک در هزار، از فروش مطبوعات کشور را برای تأمین هزینه‌های جاری خود، ماهیانه از مراکز اقتصادی مربوط دریافت کند و دولت موظف است، در صورت نیاز، الباقی را تأمین نماید. تأمین مکان مناسب برای سازمان مرکزی و شعبات آن، برعهده دولت می‌باشد. دولت همچنین موظف است اداره امور و بهره‌برداری از حداقل ۸۰ درصد مراکز نشر در اختیار وزارت ارشاد را به این سازمان واگذار نماید.

بند ۳- صدور مجوز اماکن نشر (اعم از مراکز اقتصادی و کسب‌وکارهای فرهنگی و یا غیرانتفاعی) توسط شهروندان و بخش خصوصی برابر قوانین عادی، برعهده سازمان می‌باشد.

بند ۴- هر نوع درآمدی مادی ناشی از چاپ، فروش و یا توزیع نشریات، مشمول قوانین مالیاتی کشور می‌شود.

- بند ۵- سازمان می‌تواند کاغذ و یا سایر لوازم مورد نیاز مراکز اقتصادی و یا فرهنگی تحت پوشش خود را رأساً بدون پرداخت عوارض گمرکی به کشور وارد کرده و بدون اخذ سود و تنها با دو درصد کارمزد، بین آن مراکز توزیع نماید.
- بند ۶- سازمان موظف است برای کسانی که نویسندگی و یا خبرنگاری تنها و یا شغل اصلی آن‌ها محسوب می‌شود، با همکاری سازمان مرکزی بیمه کشور، نسبت به تحت پوشش قرار دادن ایشان در بیمه‌های سلامت، بیکاری، کارافتادگی و بازنشستگی، اقدام نماید. تأمین یک سوم هزینه این بیمه‌ها توسط این اشخاص و باقیمانده برعهده دولت می‌باشد. مرجع تشخیص از کارافتادگی، سازمان می‌باشد.
- اصل ۳۲- نویسنده یا تولیدکننده محتوی و ناشر هر دو به یک اندازه در عواقب و پیامدهای زیان‌بار آن محتوی مسئولیت دارند. این اصل رافع مسئولیت کنترل و نظارت محتوایی و شکلی اصولی و کلی سازمان مطبوعات قبل از انتشار و صدور مجوز اولیه نمی‌باشد. در صورت بروز موارد نامناسب مطبوعاتی، سازمان موظف است سریعاً در درون خود ردیابی و چاره‌جویی نماید و در صورت قصور و یا به نسبت تقصیر، از برکناری تا معرفی افراد به مراجع قضایی اقدام نماید.
- بند ۱- توهین صریح به مقدسات ادیان و مذاهب رسمی کشور، ترویج بی‌پرده کفر، بی‌دینی و شیطان‌پرستی، ممنوع است.
- بند ۲- افشای اسرار نظامی، اطلاعات امنیتی و متن مذاکرات جلسات سری کشور، بهر صورت ممنوع است.
- بند ۳- نشر متون و تصاویر خلاف عفت عمومی، مروج فحشاء و بی‌بند و باری جنسی، تبلیغ مواد مخدر و سیگار، بیان الفاظ رکیک، بیان مطالبی در تخریب و تمسخر قومیت‌ها، ممنوع است.
- بند ۴- ترویج افکار پوچ و همجنس‌گرایی و تشویق به خودکشی، ممنوع است.
- بند ۵- انتشار هرگونه شب‌نامه، دعوت به شورش و اجتماعات خلاف قانون و محل آسایش شهروندان، ممنوع است.
- بند ۶- انتشار عمومی اطلاعات خصوصی و اسرار شخصی افراد ممنوع است و اگر بقصد آبروریزی باشد، مجازات شدیدتری خواهد داشت.
- بند ۷- تبیین و نقد احکام شرعی، فقهی و فروع دین، مجاز است.
- بند ۸- تبیین و نقد بیانات و عملکرد همه ارکان و نهادهای نظام، آرمان‌های انقلاب اسلامی و مسئولین کشور، مجاز است.
- بند ۹- تبیین و نقد همه مکاتب فلسفی و دینی غربی و شرقی و بویژه آموزش آن‌ها در دانشگاه‌ها، گروه‌های سیاسی، فکری و فرهنگی، مجاز است.
- بند ۱۰- سازمان موظف است برای صیانت فرهنگی و فکری کودکان و نوجوانان، نظارت ویژه‌ای برای این بخش اعمال نماید. از طرف دیگر، ممکن است محتوایی برای افراد بزرگسال مناسب ولی برای کودکان احتمال زیان داشته باشد، در این موارد لازم است قید سن قابل استفاده، در نشریات گفته شود.
- بند ۱۱- در صورت قید ناشر، هرگونه استفاده محتوایی از متون و یا تکثیر آن، باید با ذکر مأخذ انجام شود. ناشرین می‌توانند شکایت خود در این زمینه را به سازمان ارائه نمایند. سازمان نیز موظف است موضوع را در شورای حل اختلاف خود بررسی کند. در صورت عدم اقناع ناشر و با درخواست ایشان، موضوع از طرف سازمان به دادگاه ویژه مطبوعات ارجاع داده می‌شود.
- بند ۱۲- بعد از فوت صاحب محتوی، بهره‌برداری مادی از آثار وی به وارثین ایشان منتقل می‌شود.
- بند ۱۳- در صورت شکایت افراد حقیقی و یا حقوقی و یا دریافت بازخوردهای منفی اجتماعی و سیاسی از نشر یک محتوی، لازم است سازمان حداکثر ظرف یک هفته، نظریه خود مبنی بر دستور توقف آنی از انتشار و یا عدم آن را، اعلام نماید و سپس

بررسی‌های بیشتر را انجام دهد. چنانچه موضوع شکایت در شورای حل اختلاف سازمان منتفی نشد و یا صحت موضوع شکایت محرز گردید، موضوع برای رسیدگی قضایی به دادگاه ویژه مطبوعات ارجاع می‌شود.

بند ۱۴- در صورت دریافت جوابیه شخص حقیقی و یا حقوقی در قبال متن منتشر شده در یک نشریه، مسئول نشریه موظف است متن جوابیه را همتراز با نوشته اصلی در اولین فرصت منتشر نماید.

بند ۱۵- سازمان می‌تواند هرگونه پیشنهاد و طرح مدون جهت پیشبرد امور صنفی و معیشتی خود را به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید و آن مجلس نیز موظف به رسیدگی بوده و با اعمال اصلاحات خود، برای تصویب آن‌ها اقدام نماید.

۱-۳۳- فضای مجازی با ابزارهای خود شامل شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های ا شخاص حقیقی و یا حقوقی، رایانامه، بانک‌های اطلاعاتی، سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و برنامه‌های کاربردی، موتورهای جستجو، پردازش سریع و هوش مصنوعی، به سریع‌ترین، کارآمدترین، گسترده‌ترین، مردمی‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، فراگیرترین و با نفوذترین سامانه برای یادگیری علم، فناوری، اطلاعات و دانش، آموزش، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، ایجاد زیرساخت‌های فکری و اعتقادی، فرهنگی، سرگرمی و بازی، شفافیت اطلاعاتی، عامل نظارت عمومی، بستری آسان برای ایجاد مراکز اقتصادی و کسب و کارهای مجازی و عرضه کالا در این دوران تبدیل شده است. عمده وظیفه سازمان شبکه‌های اجتماعی مجازی، اداره و نظارت بر محتوای منابع اطلاعاتی، نوشتاری، دیداری، شنیداری و امنیتی شبکه‌های اجتماعی مجازی و امور کاربران اینترنتی می‌باشد.

بند ۱- بدلیل اهمیت این سازمان، ریاست آن برعهده وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌باشد.

بند ۲- تصمیمات سازمان بصورت شورایی متشکل از یک نماینده از نهاد رهبری، دو نماینده از مجلس شورای اسلامی، یک نماینده از قوه قضائیه، یک نماینده از وزارت اطلاعات، دو نماینده از سازمان اصناف مربوط و به ریاست وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خواهد بود.

بند ۳- شبکه‌های اجتماعی مجازی باید تابع قوانین کشور باشند و همه آنچه که در محتوی و شکل در مورد هنر و سینما و مطبوعات باید رعایت شود، در مورد این شبکه‌ها نیز وجود دارد. هر شبکه اجتماعی که مفاد این بند را قبول داشته باشد، می‌تواند در کشور ایران فعالیت نماید.

بند ۴- شبکه‌های اجتماعی مجازی نباید مورد سوء استفاده سرویس‌های جاسوسی دنیا قرار بگیرند، یا محملی بشوند برای آن که امنیت اجتماعی برخی از شهروندان و یا منطقه‌ای در کشور به خطر بیفتد، یا برای جلوگیری از اشاعه فحشاء، روال ممنوعیت و یا امکان محدودیت فعالیت برای همه کاربران بوجود بیاید، یا نباید عرصه‌ای برای فعالیت گروه‌های محارب و تروریسم شوند. سازمان موظف است وضعیت این شبکه‌ها را همواره رصد، پایش و به شورای امنیت ملی کشور برای تصمیم‌های لازم گزارش نماید.

بند ۵- دولت موظف است زیرساخت‌های لازم برای ایجاد اینترنت پرسرعت و امن و شبکه فضای مجازی بومی در حد کشورهای پیشرفته را در کشور فراهم کند و به شبکه‌های اجتماعی مجازی بومی، کمک‌های ویژه‌ای داشته باشد.

بند ۶- برای افزایش اقبال بیشتر کاربران ایرانی به استفاده از کسب‌وکارهای اینترنتی، فروش کلیه کالاهایی که از این طریق صورت می‌گیرد، از پرداخت نیمی از مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشند.

بند ۷- شبکه‌های اجتماعی و یا انجمن‌ها و گروه‌های مردم‌نهاد حقیقی و حقوقی در درون این شبکه‌ها، از نظر داشتن تعداد انبوهی از کاربران و یا اعضاء، هیچ محدودیتی ندارند.

بند ۸- هر فرد حقیقی و یا حقوقی مجاز است به هر تعداد و میزان دامنه از فضای اینترنت داخلی و یا خارجی با پرداخت هزینه و احراز هویت ملی خود در اختیار داشته باشد. بدلیل ماهیت و خاصیت فضای مجازی، این دامنه‌ها می‌توانند نوعی مرکز اقتصادی،

گروه و حزب سیاسی، هنری، فرهنگی، آموزشی و علمی و امثال این‌ها و یا صفحاتی شخصی باشند. در هر صورت، رعایت مفاد همه اصول و بندهای این مجموعه قوانین اساسی و همچنین سایر قوانین عادی که برای فضای واقعی است، برای فضای مجازی نیز تعمیم می‌یابد.

اصل ۳۴- یکی از وظایف اصلی حکومت در کشور ایران، توانمندسازی و رسیدگی ویژه به امور خانواده‌های معظم شهیدان، جانبازان ایثارگر، آزادگان سرافراز، مستضعفان، مردم و مناطق محروم و کم‌برخوردار، معلولین و بیماری‌های خاص است. سازمان اموال و احسان عمومی کشور بطور ویژه و دولت بطور عام، وظیفه تحقق این اصل را برعهده دارند.

بند ۱- سازمان دارای یک هیئت‌مدیره متشکل از یک رئیس (به انتخاب وزارت امور اقتصادی و دارایی)، یک نماینده از وزارت صمت، دو نماینده از مجلس شورای اسلامی، یک نماینده از نهاد رهبری، یک اقساط‌دهنده دانشگاهی و یک مدیرعامل (هر دو به انتخاب هیئت‌مدیره)، می‌باشد. تصویب طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، روال‌های کمک و احسان، نظارت بر خرید و فروش سهام و دارائی‌ها و عملکرد سالانه سازمان، از جمله مهم وظایف هیئت‌مدیره می‌باشد. ساختار این سازمان و شعبات آن در مراکز استان‌ها، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۲- برای استفاده در سایر بندهای این مجموعه قوانین اساسی و برای شهیدان، جانبازان و آزادگان عزیز دو نوع خانواده تعیین می‌گردد، خانواده درجه یک: شامل جانباز (آزاده)، همسر و فرزندان و خانواده درجه دو: شامل والدین، برادران و خواهران.

بند ۳- دولت و سازمان موظف هستند با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح، حقوق و مزایای پایه‌ای را برای فرد شهید، جانباز و آزاده تعیین و برابر نظام پرداخت حقوق و مزایای سایرین در قوانین عادی، از همان ابتدای شهادت، جانبازی و یا اسارت، بطور ماهانه به سرپرست خانواده درجه یک ذینفع اعطا کنند و با ازدواج فرزندان، سهم آن‌ها کسر خواهد شد. در صورتی که از خانواده درجه یک فقط همسر باقی باشد، نیمی از حقوق و مزایا تا زمان ازدواج مجدد به ایشان پرداخت می‌شود. در صورت عدم وجود خانواده درجه یک، ۲۰ درصد از آن حقوق و مزایا به سرپرست خانواده درجه دو ایشان داده می‌شود.

بند ۴- دولت و سازمان موظف هستند در مورد تأمین مسکن، خودرو، اشتغال، ایجاد کسب‌وکار، هزینه‌های ازدواج و تحصیل به نسبت برای خانواده‌های درجه یک و دو شهیدان، جانبازان و آزادگان، مزایای ویژه، وام‌های بدون و یا کم بهره‌ای تعیین و پرداخت کنند. آئین‌نامه این موارد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۵- هر خانواده‌ای که سرپرست آن‌ها به دلیل قادر به تأمین حداقل حقوق و دستمزد مصوب نباشد، محروم مطلق تلقی شده و دولت و سازمان موظف هستند که تا سقف آن حقوق را ماهانه به سرپرست خانواده بپردازند. بهتر است مدت زمان این پرداخت بیش از دو سال نباشد و دولت و سازمان باید در توانمندسازی و مستقل کردن سرپرست خانواده تلاش نمایند. کمک به اشتغال یا اتمام تحصیلات دبیرستانی و یا عالی فرزندان این خانواده‌ها، اعطای وام کم و یا بدون بهره درازمدت به آنان، مدرسه‌سازی، ایجاد راه، آب شرب، برق‌رسانی و امثال این موارد، از جمله اقدامات دولت و سازمان برای تحقق این اصل می‌باشند. آئین‌نامه این موارد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۶- دولت و سازمان موظف هستند تأمین مسکن محرومین مطلق را بصورت اجتماعی و یا با اعطای کمک‌های بلاعوض و یا وام‌های بدون بهره و درازمدت تضمین کنند. آئین‌نامه این موارد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۷- سازمان نمی‌تواند برای توانمندسازی خود، سهامدار عمده یک مرکز اقتصادی باشد و در مراکز اقتصادی دولتی بزرگ، فقط تا سقف ۲۰ درصد و در مراکز اقتصادی خصوصی، تا سقف ۱۰ درصد، مجاز به داشتن سهام می‌باشد. سازمان موظف است ظرف مدت ۲ سال وضعیت و نقش خود را در مراکز اقتصادی موجود به سطح مقادیر گفته شده برساند.

بند ۸- سازمان مشمول پرداخت مالیات بر درآمد و حقوق نمی‌باشد.

بند ۹- سازمان مجاز است انجام بخشی از وظایف خود را با مشارکت و همکاری رسمی سازمان‌های خیریه مردم‌نهاد انجام دهد.
بند ۱۰- مراکز اقتصادی بهر میزانی که به سازمان کمک نمایند، مابازای ارائه اسناد پرداختی کمک بعلاوه ۲۰ درصد آن، از مالیات بر سود آن‌ها کاسته خواهد شد.

بند ۱۱- سازمان در اتخاذ شیوه‌های کاری خود تنها به نمایندگان مجلس شورای اسلامی پاسخگو است و موظف است سالیانه گزارش عملکرد کلی خود را به مردم و با جزئیات به نمایندگان آن مجلس گزارش دهند.

اصل ۳۵- بمنظور کمک به افزایش سطح آگاهی عموم مردم از دین اسلام و تبیین کلام وحی و رسالت پیامبران و اولیاء الهی، پاسخ‌دهی به سؤال‌های احکام شرعی و فقهی افراد، ترویج مبانی اخلاق‌گرایی فردی و گروهی، هدایت افکار عمومی جامعه بسمت وحدت، تقویت بصیرت سیاسی و اجتماعی جامعه، تقویت باورهای دینی، نهادینه کردن نظارت عمومی و دائمی بویژه توسط اقشار پایین جامعه در امور اجتماعی و مسائل روزمره کشور، تقویت امید و روحیه خودباوری بویژه در جوانان و مشارکت دادن آن‌ها در زنده نگذاشتن آئین‌های اخلاقی و شعائر مذهبی، لازم است ان‌سان‌های فاضل، طالب علوم دینی، وارسته، پرهیزگار، دارای اخلاق اسلامی و سخنور تربیت شوند. وظیفه مهم سازمان امور دینی تأمین این مبلغین و سفیران هدایت می‌باشد. سازمان موظف است همه منابع مالی ناشی از وقف عام خود را برای این وظایف مصرف نماید.

بند ۱- رئیس این سازمان و تولیت آستان حرم شریف امام رضا (ع)، حضرت معصومه، شاه‌عبدالعظیم و شاه‌چراغ را رهبری برای مدت ۵ سال انتخاب می‌کنند، رئیس سایر مساجد و بقاع متبرکه توسط نماینده سازمان در هر شهر و ترجیحاً از بین طلاب علوم دینی دارای مدرک فوق‌دیپلم به بالا برای مدت ۵ سال انتخاب و اداره این مراکز مذهبی، بصورت هیئت‌امنائی، خودجوش و مردمی و با نظارت این سازمان دینی خواهد بود.

بند ۲- سازمان امور دینی نمی‌تواند برای توانمندسازی خود، سهامدار عمده یک مرکز اقتصادی باشد و در مراکز اقتصادی دولتی فقط تا سقف ۲۰ درصد و در مراکز اقتصادی خصوصی تا سقف ۱۰ درصد، مجاز به داشتن سهام می‌باشد. سازمان موظف است ظرف مدت ۲ سال وضعیت و نقش خود را در مراکز اقتصادی موجود به سطح مقادیر گفته شده برساند. در مواردی که همه مرکز اقتصادی بدلیل وقف باید در اموال سازمان باشد، لازم است سازمان اداره آن مرکز را به بخش خصوصی واگذار کرده و منافع آن را بهره‌برداری کند.

بند ۳- سازمان مجاز است در طرح‌های ساخت ایجاد یک مرکز اقتصادی که مساجد و بقاع متبرکه برای توانمندسازی و خوداتکایی خود دارند، تا سقف ۴۰ درصد بعنوان شریک به آن‌ها کمک نماید.

بند ۴- رئیس هیئت‌امنائی یک مسجد و یا بقاع متبرکه بودن معادل ثلث یک شغل کامل تعریف می‌شود و سازمان و هیئت‌امنا متعهد هستند هر یک بطور مساوی نیمی از ثلث حقوق پایه مصوب کشور را به ایشان بپردازند.

بند ۵- سازمان و دولت مسئول حفظ و نگهداری زیر ساخت‌های مساجد و بقاع متبرکه هستند و وظیفه دارند با کمک مسئولین این اماکن، از تخریب تدریجی آن‌ها جلوگیری نمایند.

بند ۶- هرگونه حق انشعابی برای ساخت مساجد و بقاع متبرکه و همچنین هزینه مصارف آب، برق و گاز آن‌ها رایگان می‌باشد و هیئت‌های امنا موظف هستند که بر کاهش مصرف این اماکن نظارت داشته باشند.

بند ۷- مراکز اقتصادی که سازمان، مساجد و یا بقاع متبرکه در آن‌ها سهم دارند، به نسبت مشارکت و سهم ایشان، از پرداخت مالیات بر درآمد، حقوق و ارزش افزوده معاف هستند.

بند ۸- مساجد، بقاع متبرکه، حوزه‌های علمیه می‌توانند دارای صندوق قرض‌الحسنه باشند. این صندوق‌ها غیرانتفاعی و دارای یک هیئت‌مدیره ۳ یا ۵ نفره هستند که توسط هیئت‌امناي مساجد، بقاع متبرکه یا حوزه‌های علمیه و برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. این صندوق‌ها در واقع یک مرکز اقتصادی ولی با اهداف غیرانتفاعی هستند و مراحل تشکیل آن‌ها مانند یک مرکز اقتصادی است و باید از وزارت امور اقتصادی و دارایی کسب مجوز نمایند و دارای کد اقتصادی باشند. این صندوق‌ها مجاز هستند تا سقف ۵۰ برابر حقوق پایه با اخذ ضمانت‌های لازم، فقط به افراد حقیقی وام قرض‌الحسنه اعطاء نمایند. هر صندوق دارای یک بانک عامل و یک حساب مالی در آن بانک خواهد بود و کلیه مرادوات پولی از طریق آن بانک صورت می‌گیرد. مشابه شرایط و ضوابط این بند، مشمول کلیساها هم می‌شود.

بند ۹- سازمان امور دینی مسئول هماهنگی و نظم‌دهی اعزام طلاب و روحانیون بمنظور تبلیغ به اقصاء نقاط کشور، بنابر درخواست سازمان‌ها و ادارات دولتی و یا خصوصی برای ادای نمازهای جماعت در آن‌ها و یا برگزاری مراسم‌های یادبود و امثالهم می‌باشد. رسیدگی و مراقبت از اوضاع معیشتی مبلغین برعهده سازمان است. سازمان باید حقوق پایه‌ای برای کمک به آن‌ها هم‌تراز با حقوق ماهیانه کارکنان دولتی تعیین و متناسب با مدت تبلیغات به ایشان پرداخت نماید.

بند ۱۰- حوزه‌های علمیه دینی اعم از مذهب تشیع و یا اهل تسنن، می‌توانند دارای دو نوع مدارس علوم دینی باشند و از بین دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دوره اول متوسطه و یا مقاطع رسمی بالاتر اقدام به پذیرش طلبه نمایند. برگزاری آزمون ورودی برای این مدارس ممنوع است، ولی هر دو نوع مدرسه می‌توانند در امر پذیرش، برای همه و یا برخی از دروس مدارس و یا دانشگاهی، شرط نمره، معدل و یا سن را داشته باشند.

بند ۱۱- مدارس نوع اول (با عنوان مدارس متوسطه علوم دینی)، آن دسته هستند که از بین فارغ‌التحصیلان دوره اول متوسطه پذیرش می‌کنند و دارای سه پایه (مقدمات) و هر پایه بمدت یکسال می‌باشند. در این مدارس علاوه بر تعلیم دروس ویژه خود، باید سطح سواد طلبه‌ها در دروس ریاضیات، اقتصاد، علوم اجتماعی، زبان انگلیسی، تاریخ و جغرافیا با حجم این دروس در مقطع دوره دوم متوسطه علوم انسانی هم‌تراز باشد و بدین منظور، این مدارس باید آموزش جبرانی برای این دروس برگزار و برای دانش‌آموختگان، مدرک دیپلم علوم دینی صادر نمایند. طول دوره تحصیل در این مدارس می‌تواند حداکثر ۴ ساله باشد.

بند ۱۲- مدارس نوع دوم (با عنوان مدارس عالی علوم دینی)، آن دسته هستند که از بین فارغ‌التحصیلان دارای مدرک دیپلم علوم دینی پذیرش می‌کنند و دارای سه پایه (سطح یک) و هر پایه بمدت یکسال می‌باشند. در این مدارس علاوه بر تعلیم دروس ویژه خود، باید یک زبان خارجی را نیز فراگیرند. برای دانش‌آموختگان این دوره، مدرک فوق‌دیپلم علوم دینی صادر می‌شود. طول دوره تحصیل در این مدارس می‌تواند حداکثر ۴ ساله باشد.

بند ۱۳- حوزه‌های علمیه دینی اعم از مذهب تشیع و یا اهل تسنن، می‌توانند دارای مرکز آموزش عالی علوم دینی با دو مقطع باشند. مقطع اول که فارغ‌التحصیلان دارای مدرک فوق‌دیپلم علوم دینی را پذیرش می‌کند، دارای دو پایه (سطح دو) و هر پایه بمدت یکسال می‌باشد. برای دانش‌آموختگان این دوره، مدرک کارشناسی علوم دینی صادر می‌شود. مقطع دوم که فارغ‌التحصیلان دارای مدرک کارشناسی علوم دینی را پذیرش می‌کند، دارای دو پایه (سطح ارشد) و هر پایه بمدت یکسال می‌باشد. برای دانش‌آموختگان این دوره، مدرک کارشناسی ارشد علوم دینی صادر می‌شود. طول دوره تحصیل در هر یک از این دو مقطع می‌تواند حداکثر ۳ ساله باشد. هر مرکز آموزش عالی علوم دینی می‌تواند در امر پذیرش خود، برای همه و یا برخی از دروس مقطع قبلی، شرط نمره، معدل و یا سن را داشته باشند.

بند ۱۴- نظارت بر حسن عملکرد، حفظ سوابق تحصیلی طلاب، تهیه مکان مناسب برای مدارس و مراکز عالی علوم دینی، برعهده سازمان است. همچنین سازمان امور دینی و دولت موظف هستند تا کمبود هزینه‌های جاری همه مدارس و یا مراکز عالی علوم

دینی برای هر دو مذهب تشیع و اهل تسنن را جبران نمایند. علاوه بر این، سازمان و دولت موظف هستند که برابر بند ۶ اصل ۲۸، کمک هزینه تحصیلی بلاعوض و وام‌های دانشجویی بصورت قرض‌الحسنه نیز به دانشجویان علوم دینی در مقاطع مختلف، با همان شرایط بازپرداخت داشته باشند.

بند ۱۵- فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلی در مدارس و یا مراکز عالی علوم دینی، در صورت عدم راهیابی به مقاطع بالاتر، وارد دوران مشمولیت خدمت سربازی می‌شوند.

بند ۱۶- سازمان و دولت موظف هستند به طلاب تا پایان مقطع کارشناسی‌ارشد، مانند سایر دانشجویان در دانشگاه‌ها، کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت نماید.

بند ۱۷- بعد از مقطع تحصیلی کارشناسی‌ارشد علوم دینی، دوره خارج آغاز می‌شود و حداکثر می‌تواند تا ده سال ادامه یابد. روح حاکم بر این دوره، باید تفکر، تحقیق، توسعه مبانی فقهی و نوآوری و کاملاً تخصصی در یکی از گرایش‌ها و رشته‌های علوم دینی و دارای جهت‌گیری حل مسائل جامعه و رفع شبهات در زمینه علوم انسانی باشد. شایسته است برگزاری این دوره‌ها توسط حوزه‌های علمی دینی در ارتباط نزدیک و با همکاری با اساتید دانشگاهی صورت گیرد. برای پایان یافتن این دوره، ارائه یک رساله ضروری و لازم است که یکی از دو نفر اساتید راهنمای اصلی، از دانشگاه‌های کشور باشد. در صورت تأیید رساله توسط هیئت داوران و احراز نمره قبولی، مدرک دکتری در یکی از گرایش‌های علوم دینی به طلبه اعطاء می‌شود. با این شرایط، سازمان و دولت موظف هستند نیمی از هزینه‌های مقطع دکتری را بپردازند.

بند ۱۸- همکاری در برنامه‌ریزی برای تربیت قضات برای دستگاه کشور از طریق مراکز عالی علوم دینی، یکی از وظایف مهم سازمان می‌باشد.

بند ۱۹- بکارگیری تخصصی افراد روحانی در مشاغل دولتی، فقط برای دارندگان مدارک تحصیلی دکتری علوم دینی به بالاتر، مجاز می‌باشد.

بند ۲۰- مسئول سازمان در هر شهر، امام جمعه آنجا و دفاتر ایشان در عمل، همان دفاتر سازمان در شهرها می‌باشد. ترکیب و ساختار این دفاتر به تناسب جمعیت شهرها و میزان وقف خواهد بود و سازمان موظف است، ساختار هر دفتر را تعیین نماید. علاوه بر مسئول دفتر، میزان بکارگیری حداکثر نیروی انسانی در شهرهای کشور کوچک (۳ نفر)، متوسط (۶ نفر) و بزرگ و مراکز استان‌ها (۸ نفر) و در دفتر مرکزی تهران (۱۱ نفر) تعیین می‌شود.

بند ۲۱- امامان جمعه شهرها توسط رهبری انتخاب می‌شوند و مسئول و ناظر عالی امور دینی شهرها می‌باشند. ائمه جماعت مساجد و امامان جمعه شهرها اجازه ندارند سلايق شخصی خود را در امور دینی و یا فرهنگی شهرها اعمال نمایند، بلکه لازم است در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی، اسناد بالادستی و رهنمودهای رهبری، مردم را به مسیر هدایت رهنمون سازند.

بند ۲۲- با الهام از سیرت امامان و بزرگان دین، شایسته است که سطح زندگی امامان جمعه در حد کمترین افراد و دفتر ایشان مأمونی برای تظلم‌خواهی عموم جامعه باشد.

اصل ۳۶- بانک‌ها در کشور ایران نوعی مرکز اقتصادی هستند که درآمد آن‌ها فقط از طریق ارائه خدمات بانکی خواهد بود و اجازه بنگاهداری ندارند و تنها بر اساس مفاد زیر امکان سرمایه‌گذاری به نیابت از مشتریان خود را خواهند داشت.

بند ۱- هر ۵ نفر شهروند ایرانی با حداقل ۳۰ سال سن (بشرط نبودن خویشاوندان درجه یک و دو)، دارای مدرک کارشناسی، نداشتن سوءپیشینه، داشتن سپرده نقدی دائمی به میزان حداقل پنجاه هزار برابر حقوق پایه در بانک مرکزی، تأسیس یک شرکت سهامی خاص تضامنی سرمایه‌گذاری، بشرط آن که هیچ یک از افراد بیش از ۳۰ درصد سهم نداشته باشند و داشتن زیرساخت

سخت و نرم افزار مورد تأیید بانک مرکزی، می‌توانند مجوز اولیه تأسیس یک بانک را از بانک مرکزی دریافت و سپس اقدام به پذیره‌نویسی و فروش سهام به افراد حقیقی از طریق بورس برای آن شرکت نمایند. بشرط اقبال عمومی و فروش سهام در بورس حداقل به میزان نیمی از مبلغ سپرده دائمی حداکثر در مدت یک سال (بشرط آن که هیچ یک از پنج نفر مؤسس جزو خریداران سهام نباشند)، مجوز دائمی تأسیس از طرف بانک مرکزی صادر و بانک می‌تواند رسماً شروع بکار و شعبات خود را بازگشایی نماید. چنانچه در این مدت فروش سهام به میزان گفته شده نباشد، مجوز اولیه باطل و شرکت موظف است ابتدا از طریق بورس به میزان ارزش سهامی که از افراد حقیقی دریافت کرده است، عیناً به آنها عودت و با بورس تسویه حساب و سپس سپرده خود را عیناً بدون کسر و سود از بانک مرکزی دریافت نماید. مبلغ سپرده دائمی هر ۳ تا ۵ سال بنابر پیشنهاد بانک مرکزی و تصویب مجلس شورای اسلامی می‌تواند افزایش یابد.

بند ۲- شرکت تضامنی بانک موظف است پس از اخذ مجوز اولیه یک نفر را بعنوان مدیر عامل بانک انتخاب و به بانک مرکزی معرفی نماید. انتخاب‌های بعدی مدیر عامل، بعد از اخذ مجوز دائمی و در طی مجامع رسمی سهامداران شرکت تضامنی بانک خواهد بود. یک نفر در هر زمان فقط می‌تواند مدیر عامل یک بانک باشد.

بند ۳- شرکت تضامنی موظف است پس از راه‌اندازی بانک، هر سال حداقل معادل نرخ تورم سال گذشته، سپرده دائمی نزد بانک مرکزی را افزایش دهند.

بند ۴- هیچ شرکت و یا نهاد وابسته به دولت مجاز به داشتن سهام در بانک‌های فعلی نمی‌باشند و تنها دولت می‌تواند تا ۴۹ درصد سهامدار بانک‌های دولتی فعلی باشد. دولت موظف است سهام همه شرکت‌ها و نهادهای وابسته به خود را ظرف یکسال، تا سقف ۴۹ درصد به مالکیت عام دولت تبدیل و یکپارچه نماید و مازاد بر این مقدار از مالکیت سهام این شرکت‌ها و نهادها را در بانک‌های فعلی، از طریق بورس به اشخاص حقیقی واگذار نماید. در این میان تنها وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به نمایندگی از کل نیروهای مسلح می‌تواند مالک یک بانک باشد و لازم است همه بانک‌های متعلق به نیروهای مسلح و یا شرکت‌های وابسته، ظرف یکسال در این بانک ادغام شوند.

بند ۵- هر مرکز اقتصادی فقط یک حساب بانکی در کل بانک‌ها می‌تواند داشته باشد.

بند ۶- هر تراکنش یک و یا دوطرفه در بانک‌ها باید با کد اقتصادی معتبر هر دو طرف همراه باشد.

بند ۷- بانک‌ها مجاز هستند مبلغ یک ده‌هزارم از هر انتقال پولی را از مبدأ انتقال‌دهنده بعنوان دستمزد دریافت نمایند. این برداشت شامل تراکنش‌های مالی ناشی از درگاه‌های خرید کالا و یا برداشت مستقیم بواسطه کارت‌های عابر بانک نمی‌شود.

بند ۸- بانک‌ها می‌توانند برای برداشت نقدی از دستگاه‌های خودپرداز و یا انتقال پولی توسط اینترنت سقف تعیین نمایند.

بند ۹- درآمد ناشی از کل عملکرد بانک برای شرکت تضامنی، مشمول قوانین مالیات بر درآمد می‌شود.

بند ۱۰- خرید و فروش سهام بانک‌ها از طریق بورس هیچگونه مالیاتی ندارد.

بند ۱۱- بانک‌های دولتی مجاز نیستند که برای پرداخت حقوق و هزینه‌های جاری خود از بودجه‌های دولت و یا از منابع عمومی کشور استفاده نمایند و باید خودکفا باشند. دولتی بودن بانک‌ها نباید موجب بهره‌برداری از امتیازات ویژه‌ای نسبت به انواع خصوصی بشود. حقوق و مزایای کارمندان بانک‌های دولتی مانند سایر کارمندان است، ولی آن‌ها مجاز هستند در صورت داشتن سود عملکرد در پایان سال، حداکثر بیست درصد حقوق پایه کارمندان خود را بعنوان پاداش آخر سال، به آن‌ها بپردازند.

بند ۱۲- بانک‌ها در هیچ شرایطی مجاز نیستند بنگاهداری نمایند و مرکز اقتصادی داشته باشند.

بند ۱۳- دولت نمی‌تواند در صنایع موضوع بند ۴ اصل ۱۷، از منابع بانک‌ها استفاده نماید. از طرف دیگر، بانک‌ها در هیچ شرایطی مجاز نیستند در طرح‌هایی که دولت کارفرمای اصلی است، مشارکت مالی داشته باشند.

بند ۱۴- استفاده از هر نوع ابزار تشویقی مانند قرعه‌کشی و تعیین جوایز برای هر نوع سپرده‌گذاری در بانک‌ها ممنوع است.

اصل ۳۷- بانک‌ها موظف هستند همه منابع مالی و سپرده‌های متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی را برابر بندهای بعدی بصورت اعطای وام به چرخه اقتصادی کشور انتقال دهند و متناسب با نوع وام داده شده، به حساب مالکین حقیقی و یا حقوقی آن‌ها سودهایی را بطور ماهانه واریز نمایند. بانک‌ها باید چارچوب و مقررات مندرج در این بندها را بدرستی انجام دهند و بانک مرکزی موظف به نظارت بر اجرای آن‌ها می‌باشد. تکرار تخلف بانک‌ها از این اصل، باید به انحلال آن‌ها منجر می‌شود.

بند ۱- هزینه عملیات بانکی برای هر نوع و هر مقدار وام، یک درصد کل وام می‌باشد. برای جبران کاهش سالانه ارزش پول ناشی از تورم، بانک‌ها مجاز هستند علاوه بر کارمزد گفته شده، میزانی را نیز بعنوان سود پایه از وام‌گیرنده دریافت کنند. سود پایه برابر با سی درصد نرخ تورم کشور می‌باشد. بانک‌ها در عمل براساس تورم سال گذشته، محاسبات وام و بازپرداخت آن را انجام می‌دهند، ولی در پایان هر سال، مجدداً نرخ تورم واقعی سال را اعمال و محاسبات بازپرداخت وام برای سال آینده را بازنگری می‌کنند. علاوه بر سود پایه پویای گفته شده، به تناسب آن که وام به کدام بخش داده شده است، بانک‌ها سود ارزش افزوده‌ای نیز خواهند داشت که در بندهای بعدی تعیین می‌شود.

بند ۲- بانک‌ها مجاز هستند در هر ماه حداکثر تا سقف یک پنجم سپرده خود نزد بانک مرکزی را به افراد حقیقی و حقوقی وام پرداخت نمایند. بانک مرکزی موظف است ماهانه این میزان را رصد و نظارت نماید. تخطی از مفاد این بند می‌تواند منجر به انحلال بانک شود.

بند ۳- بانک‌ها موظف هستند که به کارمندان رسمی دولتی و یا مراکز اقتصادی با دریافت گواهی اشتغال و کسر از حقوق از سازمان مربوط، تا سقف ۱۰ برابر آخرین فیش حقوقی آن‌ها، با سود پایه بعلاوه کارمزد و بدون ضمانت، وام پرداخت نمایند. بانک‌ها موظف هستند حداقل سه درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و یا ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۴- هر سازمان دولتی و یا مراکز اقتصادی می‌توانند مبلغی را در هر بانکی حداقل برای یکسال سپرده‌گذاری نمایند و بعد از گذشت یک ماه از زمان سپرده‌گذاری و طی یک قرارداد، از بانک بخواهند تا دو برابر مبلغ سرمایه‌گذاری شده به اعضای غیررسمی خود، بگونه‌ای که سازمان‌های مربوط مشخص و ضمانت می‌کنند، مشابه شرایط مندرج در بند بالا وام پرداخت نمایند. بانک‌ها موظف هستند حداقل دو درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و یا ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۵- همه بانک‌ها موظف هستند یک یا چند صندوق قرض‌الحسنه رسمی و یا سازمان مردم‌نهاد خیریه رسمی (سمن‌های خیریه) را تحت پوشش خود داشته باشند و از طریق آن‌ها و با وجود ضامن حقیقی معتبر، وام‌های قرض‌الحسنه را فقط به شهروندان حقیقی بپردازند. سود این وام‌ها معادل سود پایه بعلاوه چهار درصد (یک درصد کارمزد بانک، یک درصد کارمزد سمن و دو درصد برای توانمندسازی صندوق‌ها و یا سمن‌ها) می‌باشد. دولت موظف است سود پایه این نوع از تسهیلات را مستقیماً به بانک‌ها بپردازد و یا بطور غیرمستقیم، سالانه سپرده دائمی بانک‌ها را معادل آن مبالغ افزایش دهد. بانک‌ها موظف هستند حداقل پنج درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و یا ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۶- دولت موظف است پس از ثبت رسمی هر ازدواج، به هر دو زوج، معادل پنج برابر حقوق پایه آن سال را بطور یکجا هدیه نماید. این امر با تأمین و اختصاص منابع توسط دولت به بانک‌ها صورت می‌گیرد.

بند ۷- بانک‌ها موظف هستند پس از ثبت رسمی هر ازدواج، به هر دو زوج و برای تأمین تمهیدات ازدواج، معادل ده برابر حقوق پایه آن سال را به آن‌ها وام قرض‌الحسنه با سود پایه بعلاوه کارمزد بدهند. دولت موظف است سود پایه این نوع از تسهیلات را مستقیماً به بانک‌ها بپردازد و یا بطور غیرمستقیم، سالانه سپرده دائمی بانک‌ها را معادل آن مبالغ افزایش دهد. بانک‌ها موظف هستند حداقل یک درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و یا ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۸- بانک‌ها موظف هستند پس از ثبت رسمی هر ازدواج و برای تأمین مسکن زوجین، معادل ارزش یک واحد مسکونی حداقل شصت متر مربعی با طول ساخت حداکثر پانزده ساله در همان شهر، وامی طویل‌المدت حداقل پانزده ساله با ضمانت کل واحد را در اختیار زوج‌ها قرار دهند. سود ارزش افزوده این وام‌ها علاوه بر کارمزد و سود پایه، یک سوم سود پایه خواهد بود که دولت موظف است آن را بعنوان تشویق مستقیماً به بانک‌ها بپردازد و یا بطور غیرمستقیم، سالانه سپرده دائمی بانک‌ها را معادل این میزان سود افزایش دهد. بانک‌ها موظف هستند حداقل پنج درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و یا ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۹- همه بانک‌ها موظف هستند، وام‌های قرض‌الحسنه‌ای را به شرکت‌های دانش‌بنیان بپردازند. اعطای این وام‌های قرض‌الحسنه بدون ضمانت و منوط به تأیید طرح علمی آن شرکت‌ها توسط یک پژوهشکده دولتی و یا خصوصی و یا دفاعی می‌باشد. سود این وام‌ها علاوه بر سود پایه و کارمزد، یک درصد دیگر بعنوان کارمزد نظارت علمی پژوهشکده نیز می‌باشد. دولت موظف است اصل وام را ضمانت نماید و سود پایه این نوع از تسهیلات را مستقیماً به بانک‌ها بپردازد و یا بطور غیرمستقیم، سالانه سپرده دائمی بانک‌ها را معادل آن مبالغ افزایش دهد. بانک‌ها موظف هستند حداقل یک درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به این امر اختصاص دهند. در صورت عدم پرداخت اقساط وام، کد اقتصادی فرد وام‌گیرنده و ضامن وی موقتاً مسدود و ایشان ممنوع‌المعامله خواهند شد.

بند ۱۰- بانک‌ها موظف هستند حداقل سیزده درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به امر ساخت‌وساز مسکونی در روستاها و شهرها برای انبوه‌سازان و شهروندان حقیقی بشرط آن که پیشرفت فیزیکی آن‌ها حداقل بیست درصد باشند، اختصاص دهند. سود ارزش افزوده این وام‌ها علاوه بر کارمزد و سود پایه، از زمان دریافت وام و بصورت سالانه، معادل سود پایه خواهد بود که در زمان فروش و یا واگذاری واحدها به مالکین و خریداران محاسبه خواهد شد، بانک‌ها موظف هستند کل سود را بطور اقساط تا ۱۲ سال از مالکین اخذ کنند. اسناد این املاک تا زمان تسویه حساب در رهن بانک قرار می‌گیرند.

بند ۱۱- بانک‌ها موظف هستند حداقل هفتاد درصد از کل امکان وام‌دهی خود را به مراکز اقتصادی و در بخش‌های: کشاورزی (پانزده درصد و پنج ساله)، خدمات (سه درصد و سه ساله)، انرژی‌های نوین در بخش خصوصی (سه درصد و ده ساله)، توسعه صادرات (پنج درصد و دو ساله)، حمایت از واردات (چهار درصد و دو ساله)، معادن و صنایع متوسط و کوچک (چهل درصد و ده ساله) اختصاص دهند. سود ارزش افزوده این وام‌ها علاوه بر کارمزد و سود پایه، معادل نصف سود پایه خواهد بود که دولت موظف است آن را بعنوان تشویق مستقیماً به بانک‌ها بپردازد و یا بطور غیرمستقیم، سالانه سپرده دائمی بانک‌ها را معادل این میزان سود افزایش دهد. پرداخت وام به مراکز اقتصادی منوط به تأیید میزان نیاز توسط سازمان اصناف مربوط می‌باشد. در این نوع وام‌ها، اسناد ملکی، ماشین‌آلات صنعتی و تولیدی موجود و یا در حال خریداری، بعنوان ضمانت بازپرداخت پذیرفته می‌شوند.

بند ۱۲- شهروندان حقیقی و حقوقی می‌توانند در بانک‌ها دو نوع سپرده‌گذاری جاری و یا مدت‌دار داشته باشند. به سپرده‌های جاری هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد ولی بانک‌ها موظف هستند که برای سپرده‌های مدت‌دار شش ماهه، یک و نیم برابر و برای سپرده‌های یک ساله و یا بیشتر، سه برابر مجموع سود پایه و ارزش افزوده دریافتی را ماهانه بعنوان سود به حساب شهروندان

سپرده‌گذار واریز نمایند، بشرط آن که سپرده شهروندان را بطور مشخص در طرح‌های وام‌های دارای سود پایه و یا سود ارزش افزوده بکار گرفته باشد. این رویه برای شهروندانی که از طریق بورس سهام شرکت‌های تضامنی بانک‌ها را خریداری می‌کنند، وجود ندارد و آن‌ها تابع سود سالانه این شرکت‌ها و روال جاری و متداول در بورس می‌باشند.

بند ۱۳- بانک‌ها موظف هستند هر مقدار از سپرده‌های مدت‌دار شهروندان را که در وام‌ها مشارکت می‌دهند، مشخص نمایند که آن مقادیر در کدام طرح و قرارداد قرض‌الحسنه و یا طرح عمرانی و یا مرکز اقتصادی بکارگیری شده است و شروع سوددهی به شهروندان متناسب با آن مقادیر، بشرط شروع بازپرداخت اقساط از سوی وام‌گیرندگان خواهد بود. بدین ترتیب، ممکن است که سپرده شهروندی بصورت وام همزمان در دو طرح عمرانی مشارکت داده شوند، ولی شروع سوددهی آن‌ها متفاوت باشد.

بند ۱۴- صندوق‌های پیوند (موضوع اصل ۱۴)، نوعی سپرده‌گذاری جاری حقوقی است که توسط اصناف ایجاد و مدیریت می‌شوند و با مجوز اصناف و از طریق بانک‌ها، وام‌هایی بدون بهره و کوتاه‌مدت (با بازپرداخت اقساطی حداکثر دو ساله)، به مراکز اقتصادی پرداخت می‌شود. در این وام‌ها علاوه بر کارمزد بانکی، یک درصد دیگر برای کارمزد صندوق‌ها از وام‌گیرنده اخذ می‌شود. این صندوق‌ها مجاز نیستند بیشتر از موجودی خود وام پرداخت نمایند و باید تراز مالی حساب آن‌ها در پایان سال صفر باشد. سازمان اصناف مسئول نظارت بر حسن انجام این صندوق‌هاست.

بند ۱۵- صندوق‌های نوآوری و شکوفایی استانی (موضوع اصل ۱۵)، نوعی سپرده‌گذاری جاری حقوقی است که توسط هر استاندار و با همکاری اتاق اصناف استان، ایجاد و مدیریت می‌شوند و با مجوز آن‌ها و از طریق بانک‌ها، وام‌هایی بدون بهره فقط به شرکت‌های دانش‌بنیان داده می‌شود. در این وام‌ها علاوه بر کارمزد بانکی، یک درصد دیگر برای کارمزد صندوق‌ها از این شرکت‌ها اخذ می‌شود. این صندوق‌ها مجاز نیستند بیشتر از موجودی خود وام پرداخت نمایند و باید تراز مالی حساب آن‌ها در پایان سال صفر باشد. سازمان اصناف مسئول نظارت بر حسن انجام این صندوق‌هاست.

بند ۱۶- دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز آموزش عالی علوم دینی برای اعطای وام‌های قرض‌الحسنه دانشجویی (موضوع بند ۶ اصل ۲۸)، باید منابع مالی خود را در بانک‌ها بصورت جاری سپرده‌گذاری نمایند. سود این وام‌ها برابر با یک درصد کارمزد بانک و سود پایه (برای توانمندسازی این نهادها در اعطای وام بیشتر) می‌باشد. این نهادها مجاز نیستند بیشتر از موجودی خود وام پرداخت نمایند و باید تراز مالی حساب آن‌ها در پایان سال صفر باشد.

بند ۱۷- بانک‌ها، همه نهادهای دولتی و خصوصی در اعطای وام‌های خود به مشمولان بند ۴ تا ۶ اصل ۳۴ نسبت به دیگران اولویت قائل شوند. وام‌های قرض‌الحسنه این اصل برای منسوبین درجه یک بند ۳، فقط شامل کارمزدها می‌شود و از سود پایه و یا سود ارزش افزوده کلاً معاف هستند. برای منسوبین درجه دو همان بند، سود پایه و ارزش افزوده نصف می‌شود. سازمان اموال و احسان عمومی باید یک سپرده جاری در بانک‌ها افتتاح و مجموع مبالغ ناشی از معاف و یا نصف شدن سود پایه و یا ارزش افزوده این افراد را برای بانک‌های عامل جبران نماید.

بند ۱۸- صندوق‌های خیریه مشمول بند ۸ اصل ۳۵ برای اعطای وام‌ها با منابع خود، باید یک سپرده جاری در یکی از بانک‌ها داشته باشند. سود این وام‌ها چهار درصد (یک درصد کارمزد بانک، یک درصد کارمزد صندوق و دو درصد برای توانمندسازی صندوق‌ها) می‌باشد. این صندوق‌ها ضمن رعایت سقف پرداختی مندرج در آن بند، مجاز نیستند بیشتر از موجودی خود وام پرداخت نمایند.

بند ۱۹- هر شهروند ایرانی می‌تواند دارای فقط یک حساب سپرده‌گذاری جاری ارزی در بانک‌ها باشد. این نوع حساب‌ها قابلیت عملیات بانکی عادی فقط در داخل کشور (واریز، برداشت و انتقال) و بصورت ریالی- ارزی را خواهند داشت. کارمزد انتقال برابر با یک ده‌هزارم نرخ ریالی رسمی و دولتی ارز می‌باشد. بانک‌ها همچنین باید سامانه ارزی مجازی جدیدی طراحی کنند تا شهروندان

از طریق آن سامانه بتوانند به بانک‌ها وکالت دهند روزانه ارز آن‌ها را با قیمتی که شهروندان تعیین می‌کنند به دیگر شهروندان بصورت حضوری و یا مجازی بفروشند و معادل ریالی آن را پس از کسر نیم درصد کارمزد، به حساب فروشنده واریز نمایند. لازم است در این سامانه فهرستی از آخرین خرید و فروش‌های ارزی برای کمک به شهروندان نمایش داده شود. انتقال وجوه ارزی این حساب‌ها به خارج از کشور فقط از طریق بانک مرکزی و یا درگاه‌ها و پیش‌خوان‌های این بانک در بانک‌های عامل امکان‌پذیر می‌باشد.

بند ۱۹- چنانچه وام‌گیرنده حقیقی و یا حقوقی نتواند بهر دلیلی بدهی خود را به بانک بپردازد، بانک مرکزی موظف است مراتب را کتباً به ایشان تذکر و مهلت دهد. اگر وام‌گیرنده در مهلت مقرر نتواند بدهی خود به بانک را بروز و یا تسویه نماید، بنابر درخواست بانک مربوط و تأیید بانک مرکزی، دستگاه قضائی موظف است فوراً حکم مصادره اموال و دارائی‌های وام‌گیرنده را صادر نماید و بر فروش آن‌ها توسط بانک مربوط و برداشت برابر دیون بعلاوه هزینه‌های دادرسی نظارت نماید. در طول زمان دادرسی و ادای دیون، کد اقتصادی وام‌گیرنده حقیقی و یا حقوقی ابطال و افراد مسئول ممنوع‌الخروج خواهند بود و سوابق در سامانه اطلاعات اقتصادی افراد درج می‌گردد.

بند ۲۰- هر شهروند حداکثر تنها می‌تواند ۱۵ برابر حقوق پایه را بصورت اسکناس از بانک‌ها مطالبه و با خود حمل نماید.

اصل ۳۸- تدوین سیاست‌ها، راهبردها و پایش شاخص‌های میزان فاصله طبقاتی و انباشتگی پولی، کاهش ارزش پولی ملی و نرخ تورم، تلاش در جهت حفظ دارائی‌های ذخیره و پشتوانه‌ها، منابع ارزی، ذخائر طلا و اعتبار پولی کشور، تدوین و تنظیم روابط و مناسبات زیرساختی ارزی و بانکی با خارج از کشور، هماهنگ‌کننده، نظارت عالی، فصل‌الخطاب روابط بین‌بانکی و مقررات بانکداری در کشور، رصد میزان مردمی بودن اقتصاد، ترویج شفافیت و کمک کردن به ثبات و امنیت اقتصادی، نگاهداری اطلاعات اقتصادی همه نهادهای دولتی و استفاده‌کنندگان از درآمدهای عمومی کشور، برعهده بانک مرکزی می‌باشد.

بند ۱- رئیس بانک مرکزی از بین دو نفر پیشنهادی رئیس‌جمهور و بنابر انتخاب اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی بمدت ۵ سال خواهد بود.

بند ۲- این بانک دارای هیئت‌رئیس‌های متشکل از دو نفر از کمیسیون اقتصادی مجلس، سه وزیر اقتصاد و دارائی، جهاد کشاورزی و سمت، دو نفر از مدیران عامل بانک‌ها (یک نفر دولتی و یک نفر خصوصی به انتخاب رؤسای بانک‌ها) و یک نفر اقتصاددان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود. تصویب سیاست‌ها و راهبردها و مقررات پولی و ارزی، تأیید عملکرد و یا تصویب انحلال بانک‌ها و نظارت بر عملکرد بانک مرکزی، تصویب آئین‌نامه‌های داخلی، از جمله وظایف هیئت‌رئیس‌هاست. شرکت افراد در این هیئت برای اعضا، فاقد دستمزد و یا دریافت وجه می‌باشد.

بند ۲- خرید و فروش ارز، سکه طلا و دخالت مستقیم در این بازار توسط بانک مرکزی، بطور کلی ممنوع می‌باشد.

بند ۳- چاپ اسکناس بنابر تأیید نمایندگان مجلس شورای اسلامی مجاز است، مگر آن که میزان انتشار مابازای اسکناس‌های فرسوده باشد. میزان اسکناس رایج در کشور در هیچ شرایطی نباید بیش از دو و نیم برابر ذخائر طلا و ارز بانک مرکزی باشد.

بند ۴- تولید و ضرب انواع سکه در کشور انحصاراً با بانک مرکزی است و این بانک تنها مجاز است بطور سفارشی با دریافت هر مقدار شمش طلا از مراکز اقتصادی عضو اتاق اصناف درازای کارمزد، برای آن‌ها اقدام به این کار نماید.

بند ۵- تعیین تعداد و ارزش اولیه سهام طرح‌های کلان اقتصادی که دولت کارفرمای آن‌هاست، برای عرضه اولیه در بورس سهام، برعهده بانک مرکزی است. حمایت مردمی در این طرح‌ها، تنها از طریق بورس سهام امکان‌پذیر است.

بند ۶- بانک مرکزی موظف است با داشتن سامانه مجازی مناسب و برخط، اطلاعات مالی و اقتصادی همه اشخاص حقیقی و حقوقی را نگهداری نماید. دارائی همه افراد حقیقی و حقوقی در بورس، حداکثر در پایان هر روز کاری، باید در این سامانه ثبت شود.

بند ۷- بانک مرکزی مجاز نیست در انتخاب مدیران عامل بانک‌های خصوصی و یا دولتی دخالت نماید.

بند ۸- بانک مرکزی مجاز نیست در هیچ شرایطی از منابع و ذخائر عمومی نزد خود به دولت و یا نهادهای دولتی وام دهد و یا عملکرد آن‌ها را ضمانت مالی نماید.

بند ۹- انتشار اوراق بهادار (بجز تمبر، سفته، چک)، کلاً در کشور ممنوع است.

بند ۱۰- درآمدهای ارزی دولت و همه نهادهای دولتی حاصل از فروش نفت و یا صادرات، باید در اختیار بانک مرکزی باشد و به حساب‌های این بانک در خارج از کشور واریز شوند. بانک مرکزی باید بخشی از این درآمدها را بصورت ارز اسکناس وارد کشور کند و برابر دستورالعمل سازمان برنامه و بودجه، مقادیری از آن‌ها را به حساب‌های ارزی نهادهای دولتی واریز نماید، تا آن‌ها با فروش این سهمیه‌های ارزی در بازار، بتوانند نیازهای پولی ریالی خود را تأمین کنند. بخش دوم درآمدهای ارزی در اختیار بانک مرکزی، در چارچوب برنامه مصوب بودجه کشور، مصروف تأمین ارز ثبت سفارش‌های تجاری مراکز اقتصادی خصوصی و دولتی با اولویت دفاعی- امنیتی، بخش سلامت، تأمین نیازهای اساسی و عمومی، بخش صنعتی و معدنی و کشاورزی، خودرو، لوازم خانگی، الکترونیک و ارتباطات، بخش علمی و فناوری و دانشجویی و غیره می‌شود. بخش سوم ارز در صندوق ارزی کشور ذخیره خواهد شد. برداشت از این صندوق ممنوع است مگر در شرایط ویژه‌ای که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد.

بند ۱۱- ورود ارز همراه مسافر به هر میزان از مبادی رسمی کشور برای عموم شهروندان حقیقی آزاد و لازم است بانک مرکزی برای مقادیر بیش از هزار یورو در همان مبادی ورودی، حساب جاری سپرده ارزی برای مسافران گشایش و ارز همراه آنان را به حساب‌ها ایشان واریز کند. این عملیات بانکی بدون کارمزد می‌باشد.

بند ۱۲- گردشگران خارجی هنگام ورود از مبادی رسمی کشور موظف هستند که همه ارز همراه خود را تحویل و رسید دریافت نمایند. بانک مرکزی موظف است معادل ریالی ارز با نرخ روز بازار را بصورت کارت‌های عابر بانک به ایشان تسلیم کند و در هنگام خروج وجوه باقیمانده در آن کارت‌ها را با همان نرخ زمان ورود بصورت ارز به ایشان عودت نماید. هر دو عملیات بانکی دارای کارمزد نمی‌باشد.

بند ۱۳- هر مسافری هنگام خروج از کشور فقط می‌تواند هزار یورو اسکناس همراه داشته باشد. برای مقادیر بیش از این مقدار و تا سقف مجاز، لازم است افراد حساب جاری سپرده ارزی در یکی از بانک‌های کشور داشته باشند. بانک مرکزی موظف است از طریق برداشت از این حساب‌های ارزی و پس از کسر کارمزد، از طریق واریز به کارت اعتباری‌های ارزی بین‌المللی و یا به حساب‌های ارزی آن‌ها در خارج از کشور، ارز تا سقف مجاز را در اختیار این افراد قرار دهد. میزان سقف مجاز گفته شده را هر سال بانک مرکزی با تأیید مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کند.

بند ۱۴- هر مرکز اقتصادی می‌تواند هر مقدار ارز در خارج از کشور خود را به یکی از حساب‌های ارزی بانک مرکزی واریز و از طریق آن بانک در ایران، همه و یا بخشی از ارز خود را به حساب‌های جاری سپرده ارزی خودش در بانک‌های عادی منتقل نماید. این عملیات بدون کارمزد می‌باشد.

بند ۱۵- ورود سکه، طلای نساخته و شمش طلا به کشور بیش از دویست گرم و به هر میزان، بشرط ثبت سفارش، هماهنگی با اتاق اصناف مربوط و بانک مرکزی، مجاز است.

بند ۱۶- خروج طلای ساخته و یا سکه به خارج از کشور توسط مسافران، تا دویست گرم آزاد است و برای بیش از این میزان، نیاز به ثبت سفارش، اخذ مجوز اتاق اصناف مربوط و بانک مرکزی می‌باشد. میزان سقف مجاز خروج سایر جواهرات و فلزات گرانبها را هر سال بانک مرکزی با تأیید مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کند.

بند ۱۷- بانک مرکزی یک عامل معمولی محسوب نمی‌شود و مجاز به سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاری و سپرده‌پذیری برای افراد حقیقی و یا حقوقی نیست.

بند ۱۸- بانک مرکزی از نظر مالی غیرانتفاعی محسوب می‌شود و باید از محل عملکرد خود، هزینه‌های جاری و دستمزدهایش را بپردازد و الباقی را به حساب درآمدهای دولت واریز نماید. این بانک موظف است برای انواع خدمات خود به اشخاص حقیقی و حقوقی، کارمزدهایی را تعیین و در هیئت‌رئیس به تصویب برساند. این بانک باید در مراکز استان‌ها دارای شعبه و برای امور نقل و انتقال ارزی مندرج در این مجموعه قوانین اساسی نیز درگاه‌ها و پیشخوان‌هایی در دیگر بانک‌های عامل باشد.

بند ۱۹- بانک مرکزی مجاز به انجام تعاملات بانکی با بانک‌های خارجی به نمایندگی از دولت می‌باشد. ولی برای دریافت وام و مواردی که کشور را مدیون می‌نماید، نیاز به مصوبه از مجلس شورای اسلامی بصورت علنی و یا محرمانه دارد.

بند ۲۰- بانک مرکزی موظف است حساب‌های سپرده ارزی و ریالی همه شهروندان حقیقی و یا حقوقی را همواره رصد و آن‌ها را از منظر پولشویی، امور پولی و انباشتگی نامتعارف نظارت و تحلیل نماید و همکاری لازم را با نهادهای امنیتی اقتصادی و امور مالیاتی بعمل آورد.

اصل ۳۹- بانک‌های خارجی مجاز هستند که در ایران نمایندگی داشته باشند و بانک ارزی تأسیس نمایند.

بند ۱- این بانک‌ها مجاز به عملیات بانکی ریالی و یا ریالی- ارزی و عملیات بانکی ارزی نقدی بصورت واریز و یا برداشت نیستند. این بانک‌ها می‌توانند با همکاری بانک مرکزی، سایر عملیات بانکی بین‌المللی داشته باشند.

بند ۲- این بانک‌ها بکمک یک سامانه مجازی مجاز هستند که به اطلاعات حساب‌های ارزی شهروندان در بانک‌های عادی دسترسی داشته باشند و با مجوزی که از طریق بانک مرکزی برای هر حساب ارزی دریافت می‌کنند، همه و یا بخشی از مبالغ ارزی موجود در حساب شهروندان را به حساب‌های مقصد مشتریان در خارج از کشور منتقل و یا کارت‌های عابر بانکی ارزی بین‌المللی برای آن‌ها صادر نمایند. این رویه می‌تواند برای انتقال ارز از خارج کشور و واریز به حساب‌های ارزی شهروندان در بانک‌های عادی نیز صورت گیرد. همه عملیات و نقل و انتقالات ارزی انجام شده در این بانک‌ها باید برابر توافقات با بانک مرکزی، در دسترس و قابل نمایش برخط برای بانک مرکزی قرار باشد. کارمزد انتقال در این بانک‌ها برابر با یک‌هزارم مبالغ ارزی می‌باشد.

اصل ۴۰- پیام‌رسانی رحمت و دوستی، دعوت به صلح و برادری، دمیدن روح معنویت و کمال‌گرایی، فراخوان بشر سرگشته بسمت انسان‌های موحد و خداجوی و انسان‌هایی برای لیاقت جانشینی خدا در زمین، گفتگو و اندیشه‌ورزی با متفکران جهان و آشنایی به سایر بینش‌های دینی و غیردینی، تعامل، همگامی و همفکری با جهان اسلام در راستای ایجاد امت واحد و تسهیل‌گری برای ابراز پاسخ و لبیک آشکار پیام وحدت شهروندان مسلمان در میهمانی پروردگار عالم در میعادگاه حج، از جمله وظایف عمده سازمان فرهنگ جهان اسلام و حج می‌باشد.

بند ۱- این نهاد غیرانتفاعی است و هیچ فعالیت فرهنگی برای مخاطبین داخلی ندارد. این نهاد نباید در انحصار یک قشر و طرز تفکری خاص باشد و مجاز نیست در خارج از کشور فقط با گروه‌های فرهنگی و یا سیاسی خاص و محدودی تماس داشته باشد، بطوری که این رابطه باعث خلل در پیکره امت اسلامی شود و یا شائبه تفرقه را ایجاد نماید.

بند ۲- رئیس این نهاد توسط رهبری برای مدت ۵ سال تعیین می‌شود و باید حداقل دارای مدرک دکترا باشد. این نهاد هیئت‌رئیس‌های پنج نفره به انتخاب حوزه علمیه قم خواهد داشت که حداقل یک نفر از آن‌ها باید از اساتید دانشگاه باشد.

بند ۳- این نهاد می‌تواند با استفاده از فارغ‌التحصیلان علوم دینی و دانشگاهی، افرادی را برای کوتاه و یا دراز مدت بعنوان سفیران هدایت به خارج از کشور اعزام نماید. همچنین می‌تواند مراکزی بصورت موقت و یا دائمی در خارج از کشور داشته باشد.

بند ۴- این نهاد باید یک شبکه تلویزیونی، شبکه مجازی و انتشارات ویژه‌ای داشته باشد.

بند ۵- مرکز این نهاد در قم خواهد بود و می‌تواند دو شعبه اصلی فرهنگی در تهران و مشهد و دفاتری برای هماهنگی امور حج در مراکز استان‌ها داشته باشد.

بند ۶- انتخاب مدیران و کاروان‌هایی برای اعزام حجاج، انجام ثبت‌نام برای اعزام به سفر حج و عتبات عالیات، برعهده سازمان می‌باشد. همه امور مربوط به ثبت‌نام، اعزام و آموزش‌های لازم توسط این سازمان بصورت مجازی صورت می‌گیرد. مجلس شورای اسلامی موظف است در هر سال سقف ارز همراه مسافر برای این امور را تأیید کند و مسافران باید شخصاً ارز خود را از بازار آزاد تهیه کنند. امور مربوط به اعزام این افراد بدون دریافت هزینه و عوارض خروج از کشور می‌باشد.

بند ۷- همه طرح‌ها، برنامه‌ها و بودجه این نهاد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۴۱- تعیین سیاست‌ها و هموار سازی اتخاذ تصمیم در مواجهه با رویدادهای فرهنگی، شرکت در مجامع ورزشی، حضور در اماکن و معابر عمومی و تفریحی و فرهنگسراها، رصد شاخص‌های سلامت روحی و روانی در اقشار مختلف جامعه، تحلیل روندهای فرقه‌گرایی و ترویج افکار نادرست در جامعه، تدوین و تبلیغ الگوهای نوین سبک زندگی، بدور از تجمل‌گرایی و مصرف بی‌رویه و اسراف، ردیابی و پیگیری روال‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی، قومی و مذهبی در همه شئون کشور، پایش و تحلیل روند بزهکاری، طلاق، خشونت در جامعه و اقشار، کودکان محروم، گسستگی اجتماعی، میزان امید و نشاط، تشخیص و تعیین مصادیق ردایل اخلاقی و بویژه دروغ‌گرایی در دولتمردان و مسئولین، مراقبت از نفوذ و اشاعه فرهنگ بی‌بندوباری، فحشاء، بالا رفتن سن ازدواج و ناپائی آن‌ها و افزایش فواصل بین‌نسلی، از جمله وظایف شورای عالی فرهنگ عمومی کشور است.

بند ۱- این شورا، نهادی غیراجرایی است ولی همه نهادهای دولتی و بخش خصوصی، دولت و دستگاه‌های قانون‌گذاری و قضایی، در اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها و موارد اجرایی خود، باید رهنمودها، سیاست‌ها و تشخیص‌های این شورا را ملاک قرار دهند.

بند ۲- رئیس این شورا توسط رهبری و برای مدت ۵ سال تعیین می‌شود و باید حداقل دارای مدرک دکترا باشد. اعضای این شورا عبارتند از: سه نفر از دولت (وزرای کشور، ارشاد اسلامی و مقام امنیتی)، دو نفر از مجلس شورای اسلامی، شهرداران تهران، مشهد و یک کلان‌شهر دیگر، دو روحانی دارای مدرک دکترا به انتخاب رئیس‌جمهور، دو نفر از اساتید دانشگاه‌ها به انتخاب رئیس شورا، دو نفر از سازمان هنر و سینما، رئیس سازمان صدا و سیما، دو نفر از بانوان دارای مدرک دکترای علوم دینی و یا اجتماعی دانشگاهی. این شورا دارای یک دبیرخانه، روابط عمومی و چندین گروه تحقیقاتی و پژوهشی خواهد بود.

بند ۳- دولت موظف است امکان دسترسی به اطلاعات و منابع پژوهشی محرمانه برای پیشبرد اهداف این شورا را فراهم نماید.

بند ۴- این شورا باید از فرصت‌های پژوهشی و تحقیقاتی دانشگاه‌ها، مدارس عالی علوم دینی و حوزه‌های علمیه، حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد و از منابع و شاخص‌های فرهنگی مفید سایر ملل نیز غفلت نکند.

بند ۵- همه نهادهای خصوصی و دولتی، بویژه سازمان صدا و سیما، سازمان هنر و سینما، سازمان مطبوعات و گروه‌های فرهنگی می‌توانند قبل از تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور خود، با این شورا مشاوره‌ها و هماهنگی‌های لازم را داشته باشند.

بند ۶- آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب و شفاف برای عموم جامعه، تذکر و اخطار کتبی در مصادیق مشخص به خاطیان حقیقی و حقوقی، باید سرلوحه عملکرد شورا قرار گیرد.

اصل ۴۲- هدایت و برنامه‌ریزی آگاهانه کشور بسمت چشم‌اندازها و اهداف کلان کشور بدون داشتن دانش همه‌جانبه از گذشته، حال و تحلیل ابر روندها و پیش‌بینی رویدادهای آینده امکان‌پذیر نمی‌باشد. داشتن، ساماندهی و یکپارچه‌سازی همه داده‌های علمی و ضروری از پدیده‌های همه افراد، نهادها، وقایع طبیعی، روندهای اجتماعی، اقتصادی و رویدادهای سیاسی و پردازش آنها تا سطح تولید اطلاعات اولیه و در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دادن این داده‌ها، وظیفه خطیر سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور می‌باشد.

بند ۱- رئیس این نهاد فراگیر را رئیس‌جمهور برای یک دوره ۵ ساله تعیین و به تناسب انواع داده‌ها و اطلاعاتی که تولید می‌کند، دارای تعدادی واحد و ساختاری تخت و ساده خواهد بود و باید عمده کارکردهای آن از طریق برون‌سپاری و نظارت صورت گیرد و نیازهای علمی و پژوهشی خود را از طریق دانشگاه‌ها و یا شرکت‌های دانش‌بنیان تأمین کند. هیچ نهادی در کشور مجاز به موازی‌کاری در کارکردهای این سازمان نمی‌باشد و داده‌ها و اطلاعات آن، مرجع همه نهادهای کشور می‌باشد.

بند ۲- این نهاد کلاً غیرانتفاعی است و اجازه ندارد در قبال تولید و تحویل داده‌ها و یا اطلاعات خود مبلغی دریافت نماید.

بند ۳- داده‌ها و اطلاعات این سازمان از نظر نوع به شهروندی، نهادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی، جغرافیایی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شوند. سازمان برابر روالی که جزئیات آن را قوانین عادی تعیین می‌کند، باید امکان دسترسی و استفاده از همه داده‌ها و اطلاعات خود را برای شهروندان حقیقی و حقوقی فراهم نماید.

بند ۴- هر شهروند و نهاد خصوصی و یا دولتی موظف است اطلاعات مورد نیاز سازمان را بصورت برخط و یا دوره‌ای در اختیار آن قرار دهد.

بند ۵- سازمان موظف به داشتن و تهیه داده‌ها و اطلاعات است و باید بتواند با استفاده از شیوه‌های نوین فناوری اطلاعات و رایانش ابری، به پایگاه‌های داده سایر نهادها و سازمان‌ها دسترسی و داده‌برداری داشته و تولید داده‌ها و اطلاعات بروش سرشماری و آماری‌گیری مستقیم، آخرین روش باشد.

بند ۶- هر شهروند حداقل دارای شماره‌های یگانه و ثابت ملی، اقتصادی و محل سکونت می‌باشد و در صورت تعویض محل سکونت خود، موظف است در مدت دو روز، مراتب را در سامانه مجازی سازمان ثبت نماید و عدم اطلاع سانی بموقع، برابر قوانین عادی تخلف محسوب خواهد شد.

بند ۷- داده‌ها و اطلاعات شهروندان حقیقی در این سازمان دارای سه سطح امنیتی عادی (کلیه داده‌های شناسنامه‌ای، ارتباطی، تحصیلی، شغلی و مهارت، محل زندگی، دین، تابعیت، علایق شخصی، ظاهری و سلامت افراد و خانواده درجه یک و دو)، سطح محرمانه (اطلاعات بانکی و اقتصادی، سیاسی) و سطح خیلی محرمانه (اطلاعات قضایی، تعیین موقعیت و جابجایی) می‌باشد. سایر داده‌ها و اطلاعات، حداکثر در دو سطح عادی و محرمانه خواهند بود.

بند ۸- هر شهروند حقیقی می‌تواند بطور یکنانی به اطلاعات سطح عادی خود دسترسی داشته باشد، ولی مجاز به ویرایش آنها نیست. سازمان باید چگونگی تعویض این اطلاعات را تعیین نماید.

بند ۹- همه نهادها و مراکز دولتی و خصوصی که به نحوی تولیدکننده‌ها و یا تغییردهندگان داده و اطلاعات شهروندان هستند، مانند: مراکز درمانی (برای متولدین و برخی اطلاعات سلامت، بطور روزانه)، پزشکی قانونی (برای افراد متوفی و برخی اطلاعات جسمی، بطور روزانه)، مدارس و دانشگاه‌ها (بطور نیم‌سالانه)، مراکز ثبت املاک و خودرو (بطور روزانه)، بانک مرکزی (برای

اطلاعات اقتصادی و بانکی، بطور هفتگی)، مراکز اقتصادی (برای اشتغال و درآمد، بطور ماهانه)، مراکز قضایی و امنیتی (بطور روزانه)، باید داده‌های خود را برابر با روال‌های مورد توافق، به سازمان برسانند و سازمان باید تکلیف همه نهادهای دولتی و یا خصوصی را در چگونگی بروزرسانی داده‌ها تعیین و به آن‌ها ابلاغ نماید. بنابر ضرورت، قیود زمانی گفته شده می‌توانند در عمل کاهش یابند.

بند ۱۰- قاضی می‌تواند به همه اطلاعات شهروندان دسترسی داشته باشد. همچنین با موافقت ایشان، امکان دسترسی به اطلاعات اقتصادی هر طرف، برای طرف مقابل آن مجاز است. سازمان باید امکان تحقق این بند را فراهم نماید.

بند ۱۱- هرگونه نقل و انتقال و یا فروش رسمی اموال و دارائی‌های شهروندان و یا نهادهای حقیقی و حقوقی، بشرط آن که اطلاعات آن‌ها قبلاً در سامانه سازمان ثبت و مورد تأیید باشد، مجاز هستند.

اصل ۴۳- آگاه‌سازی درست، بدون جهت‌گیری و پرهیز از یکسوگیری، ایجاد زمینه‌های فکری برای امکان پذیرش و انتخاب باورهای سالم در عموم یا مخاطبین خاص، جهت‌دهی افکار و اندیشه‌ها بسمت حق‌خواهی و عدالت‌جویی، اشاعه‌دادن فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی بویژه بمنظور تقویت پایه‌های خانواده، برنامه‌سازی برای جذب و پوشش همه اقشار، حمایت از صدور تولیدات فرهنگی به سایر کشورها، واگذاری برخی شبکه‌ها به بخش خصوصی و نظارت بر آن‌ها، تلاش برای رصد، افشا و مقابله با تهدیدات و تبیین راه‌های نفوذ فرهنگی بیگانگان، کمک به تحقق عدالت آموزشی عمومی، فنی و تخصصی سراسری، بالا بردن تراز امید به آینده و شادابی جامعه، کمک به افزایش خودباوری و روحیه خودکفایی در افراد با تبلیغات محصولات و کالاهای داخلی، از جمله عمده وظایف سازمان صدا و سیمای کشور می‌باشد.

بند ۱- این سازمان نهادی حاکمیتی و فرادستی است و باید توسط ارکان اصلی کشور سیاست‌گذاری و اداره شود. سازمان دارای یک رئیس به انتخاب رهبری (بمدت ۵ سال) و یک هیئت‌رئیس متشکل از نمایندگان رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، سازمان هنر و سینما، شورای عالی فرهنگ عمومی، سازمان فرهنگ جهان اسلام و حج و سه نفر نماینده از سه حزب رسمی دارای بیشترین عضو خواهد بود. ساختار سازمان را باید مجلس شورای اسلامی تأیید نماید.

بند ۲- رئیس خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) از بین افراد پیشنهادی رئیس سازمان، توسط رئیس‌جمهور انتخاب و برای مدت ۵ سال منصوب می‌شود.

بند ۳- این سازمان در حوزه سیمای مجاز است حداکثر ۱۲ شبکه داخلی و سراسری (که ۲ تای آن‌ها خصوصی هستند)، شبکه‌های استانی محلی، ۵ شبکه برون‌مرزی و در حوزه صدا، مجاز است حداکثر ۱۰ شبکه داخلی و سراسری (که ۲ تای آن‌ها خصوصی هستند)، شبکه‌های استانی محلی و ۵ شبکه برون‌مرزی داشته باشد. هدف اساسی شبکه‌های استانی محلی مرزی، استفاده حداکثری همسایگان کشور از تولیدات فرهنگی صدا و سیمای مجاز خواهد بود.

بند ۴- آزادی بیان و افکار با کمترین محدودیت، میدان دادن به دگراندیشه‌ها و اقلیت‌های فکری، عرصه را باز کردن برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها بویژه در جوانان و افراد مبتکر، شکستن قالب‌ها، عادت‌ها و رویه‌های جاری، پرهیز از انحصارگرایی اکثریت، بیان شجاعانه نقدهای روشن و بی‌پرده، منادی رهایی‌بخشی و آرمانگرایی انقلابی، گریز از پرداختن و نشان دادن زوایای پنهان و مغفول جامعه، همه مواردی هستند که با سعه صدر نظام جمهوری اسلامی، می‌توانند به نوعی رسالت برنامه‌های شبکه‌های خصوصی باشند. از طرف دیگر، پرهیز از ترویج کفر، توهین به مقدسات دینی، اشاعه فحشاء و شکستن حریم پاکدامنی جامعه، افترا به افراد حقیقی و حقوقی، عدم افشای اسرار نظامی و امنیتی کشور، چارچوب‌های کلی هستند که در این شبکه‌ها باید رعایت شوند.

بند ۵- هر ۳ نفر شهروند ایرانی که دارای عدم سوء سابقه، حداقل ۳۰ سال تمام، مدرک کارشناسی و ۵ سال سابقه فرهنگی یا سیاسی- اجتماعی یا هنری و یا علمی داشته باشند و صلاحیت عمومی آن‌ها را سازمان تأیید کند، می‌توانند شرکت‌های سهامی خاص تضامنی تولیدات صدا و سیما، بشرط آن که سهم هیچ یک از افراد در شروع و آینده شرکت، بیشتر از سی درصد نباشد، تأسیس نمایند. این شرکت‌ها تنها مراکز رسمی هستند که می‌توانند برای همه متقاضیان حقیقی و یا حقوقی در کشور (بویژه گروه‌های سیاسی و احزاب)، برنامه‌هایی تولید کنند که پس از تأیید، سازمان موظف خواهد بود آن‌ها را در شبکه‌های خصوصی برای عموم کشور پخش نماید. این شرکت‌ها تنها می‌توانند در دو مورد از موضوعات تخصصی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، سرگرمی، علمی، فرهنگی و دینی، تهیه خبر و خبرنگاری، تبلیغات کالا، مستندسازی، آموزشی، کارتون و انیمیشن برای کودکان، فعالیت داشته باشند.

بند ۶- سازمان موظف است برای تأیید پخش برنامه‌ها در هر یک از موضوعات تخصصی گفته شده در شبکه‌های خصوصی، جمعاً سه نفر کارشناس برای جنبه‌های هنری، موضوعی و حقوقی در هر دو موضوع فعالیت شرکت‌ها، تعیین و اسامی و نشانی آن‌ها را رسماً به این شرکت‌ها اعلام نماید. شرکت‌ها می‌توانند در همه مسیر طراحی تا ساخت برنامه‌ها، از مشاوره این کارشناسان بهره ببرند. کارشناسان نیز موظف هستند تا در پایان کار، نظر رسمی خود را جهت پخش هر برنامه به سازمان اعلام نمایند. در صورت نظر مثبت دو نفر از این کارشناسان، برنامه‌ها قابل پخش توسط سازمان در شبکه‌های خصوصی خواهند بود. در صورت عدم تأیید، شرکت‌ها می‌توانند از سازمان تقاضای تجدید بررسی کارشناسی داشته باشند. هزینه‌های کارشناسی این برنامه‌ها کلاً برعهده سازمان می‌باشد و هرگونه مرادده مالی بین شرکت‌ها و کارشناسان، جرم محسوب می‌شود. سازمان باید طوری برنامه‌ریزی نماید که مدت اعلام تجدید نظر کارشناسی بیشتر از ده روز نباشد.

بند ۷- سازمان موظف است موارد اشکال برنامه‌های پخش شده را به شرکت‌ها اعلام نماید و در صورت وجود شاکه حقیقی و یا حقوقی، مدیریت نماید تا ابتدا موضوع در گروه‌های حل اختلاف رسیدگی شود و در صورتی که توافقی حاصل نشود، طرح دعوی را به دادگاه ویژه رسانه ارجاع دهد.

بند ۸- شبکه‌های خصوصی مجاز هستند پخش زنده هم داشته باشند. شرکت‌های گفته شده باید طرح این برنامه‌ها را به تأیید کارشناسان مربوط برسانند و در طول زمان اجرای زنده، حضور و نظارت این کارشناسان اجباری است.

بند ۹- لازم است سازمان واحدی برای قیمت‌گذاری برنامه‌های تأیید شده، داشته باشد و در مورد قیمت هر برنامه، قبل از پخش آن‌ها، با شرکت‌ها توافق نماید. پیچیدگی موضوع، مدت، زمان پخش، کیفیت هنری و میزان هزینه‌های برنامه‌ها، مواردی هستند که در ارزشگذاری اهمیت دارند و در مقایسه نباید از هزینه‌های سرانه همان سال برنامه‌های مشابه سازمان در شبکه‌های دولتی، کمتر باشد. سازمان موظف است پس از پخش برنامه‌ها در شبکه‌های خصوصی، قیمت توافق شده را به شرکت‌ها بپردازد.

مدیریت شبکه‌های خصوصی برعهده سازمان نیست و سازمان تنها مدیریت پخش برنامه‌های تأیید شده این شبکه‌ها را برعهده دارد. سازمان برای راه‌اندازی و حمایت از شبکه‌های خصوصی، موظف است همه امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، برنامه‌سازی، پخش و سایر موارد نیاز این شبکه‌ها را در قبال قرارداد رسمی مالی، بصورت اجاره در اختیار شرکت‌های خصوصی صدا و سیما قرار دهد.

اصل ۴۴- بررسی و تحلیل مواضع تفرقه‌افکنانه دینی، قومیتی و سیاسی داخلی و یا توسط بیگانگان، مراقبت از حرکات نظامی دیگران در مرزها، ریشه‌یابی ایجاد و رشد جریان‌های افراطی و مسلحانه در داخل و منطقه، اتخاذ تصمیم در برابر وقایع آشوبگرانه و مخل آسایش عمومی و یا محلی، بررسی و تحلیل روابط خارجی از منظر صیانت از اقتدار و عزت ملی، بررسی و نظارت در مورد

پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی دفاعی - امنیتی کشور، بررسی و نظارت و تصمیم‌گیری در مورد موضوعات کلان علمی مؤثر در امور دفاعی - امنیتی مانند تحقیقات هسته‌ای، الکترومغناطیس، پلاسما، لیزر، زیستی، آب و هوا، رسیدگی به شکایات مرتبط با نقض عملی قانون اساسی توسط همه‌نهادهای دولتی و یا خصوصی بویژه توسط ضابطین قوه قضائیه و حمایت از رعایت حقوق شهروندان در این رابطه، از جمله مهمترین وظایف شورای عالی امنیت ملی و نظارت بر اجرای قانون اساسی است.

بند ۱- ریاست شورا با شخص رئیس‌جمهور می‌باشد. اعضای شورا عبارتند از: نماینده رهبری، رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس شورای اسلامی، وزیر اطلاعات، کشور، وزارت امور خارجه، دفاع و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح می‌باشند. رئیس‌جمهور، یک نفر را بعنوان مسئول دبیرخانه شورا برای مدت ۵ سال انتخاب می‌کند. حداقل زیرمجموعه‌های شورا عبارتند از: امنیت شهری، امنیت مرزها و دفاع، امنیت اطلاعات، روابط و معاهدات خارجی، امور علمی دفاعی و امنیتی، رصد و دیده‌بانی اجرای قانون اساسی و شهروندی، امور امنیتی احزاب و گروه‌های سیاسی و فرقه‌ها. ساختار دبیرخانه این شورا توسط مجلس شورای اسلامی تعیین می‌شود.

بند ۲- در همه استان‌ها نیز به ریاست استاندار، شورای امنیت استان با ترکیب معاون سیاسی استاندار، فرمانده ناجا، امام جمعه مرکز، فرمانده سپاه، دادستان، رئیس شورای شهر مرکز و نماینده وزارت اطلاعات استان تشکیل می‌شود. رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد مسائل امنیتی استان، پیگیری شکایات و گزارشات مردمی در مورد نقض قانون اساسی و یا حقوق شهروندان، از جمله وظایف عمده این شورا در استان‌ها می‌باشد. لازم است این شوراها گزارش اقدامات خود را ماهانه به دبیرخانه شورای عالی ارسال نمایند. محدوده تصمیم‌گیری شوراهای استانی را شورای عالی تعیین می‌کند، ولی در اقدامات اساسی و بویژه حوادث امنیتی در ابعاد گسترده استانی، هماهنگی با شورای عالی لازم است.

بند ۳- تشخیص اولیه مصادیق وقوع نقض در اجرای قانون اساسی در همه نهادهای دولتی و خصوصی، ارکان سه‌گانه اجرائی، مقننه و قضائیه، نهادهای نظامی و انتظامی، نهادهای در اختیار رهبری، در زیرمجموعه این شورا در تهران و بطور شبکه‌ای در استان‌ها انجام می‌شود. تشخیص اولیه زیرمجموعه‌ها چنانچه به تأیید شورای عالی (در تهران) و یا شورای استان‌ها برسد، وجود نقض در اجرای قانون اساسی قطعی تلقی می‌شود. پس از احراز این موضوع، مراتب به بالاترین مقام دستگاه مربوط در استان‌ها و تهران، توسط استانداران و دبیرخانه شورای عالی ابلاغ می‌شود. دستگاه‌های ذیربط نیز موظف هستند در مدت حداکثر یک هفته موضوع نقض را برطرف و جبران خسارت نمایند، در غیر این صورت، مراتب به دادستانی ارجاع می‌شود و دستگاه قضایی موظف است با الویت زمانی به اینگونه موارد رسیدگی نماید. در صورت تشخیص دادگاه ویژه نقض قانون اساسی مبنی بر عمدی و آگاهانه بودن نقض قانون اساسی، کمترین مجازات، برکناری فرد (افراد) خطاکار از سمت‌های دولتی می‌باشد. فرد خاطی، نهاد مربوط و در نهایت دولت، بترتیب مسئول جبران خسارات، بویژه برای اشخاص حقیقی، می‌باشند.

اصل ۴۵- پایش و مراقبت از منابع و گونه‌های گیاهی و جانوری کشور و اجرای برنامه‌هایی برای ایجاد تعادل بین مصرف و تولید مجدد آن منابع، پیشگیری و جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، تدوین و نظارت بر اجرایی شدن استانداردهای محیط‌های کسب‌وکار و مراکز اقتصادی، تدوین و نظارت بر استاندارد بودن همه محصولات مراکز اقتصادی، تشکیل بانک ژنتیک گیاهی، انسانی و جانوری کشور، تعیین ضوابط و چگونگی سازگاری اجرای مکان طرح‌های عمرانی کلان با محیط زیست، احداث شهرهای مسکونی و صنعتی جدید، مراکز اقتصادی بزرگ، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌های برقی آبی، فسیلی و بادی بزرگ که عمدتاً کارفرمای آن‌ها دولت‌ها هستند، تدوین و نظارت بر استانداردهای آلودگی زیست‌محیطی، صوتی، الکترومغناطیسی و آب و هوایی کشور، نظارت جدی بر آلودگی مخازن آبی، آب‌های جاری، سواحل و حفظ محیط زیست دریاها و سرزمینی کشور، از جمله وظایف

سازمان محیط‌زیست کشور می‌باشد. نقش و عملکرد سازمان در انجام وظایف خود باید بیشتر ایجابی و کمتر سلبی باشد و نباید همواره بصورت مانعی برای پیشرفت اجرایی کارکردهای نهادهای دولتی و خصوصی برآورد و ارزیابی شود. از طرف دیگر، نظرات و اقدامات اصلاحی این سازمان باید قبل از اجرای کارکردهای همه نهادهای و حالت پیشگیرانه داشته باشد و لازم است تأمین نظر سازمان در مراحل طراحی و مطالعات انجام گیرد.

بند ۱- رئیس این سازمان را رئیس‌جمهور برای مدت ۵ سال انتخاب می‌کند. سازمان دارای یک هیئت‌رئیس‌های با ترکیب وزرای صمت، جهادکشاورزی، بهداشت و آموزش پزشکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و منابع انسانی، یک نماینده از مجلس شورای اسلامی، یک حقوق‌دان به انتخاب دادستان کل کشور و یک نماینده از سازمان اصناف می‌باشد که امور سیاست‌گذاری، هماهنگی بین‌دستگاهی و نظارت راهبردی بر عملکرد و اجرای احکام سازمان، از جمله وظایف آن خواهد بود. ساختار سازمان را باید مجلس شورای اسلامی تأیید نماید.

بند ۲- لازم است سازمان در مراکز استان‌ها تا شهرهای کوچک و بویژه در نواحی نزدیک به جنگل‌ها و منابع طبیعی، دفاتر و کارکردهای خود را توسعه دهد. مراکز استانی دارای شورایی متشکل از نماینده استاندار، مدیران استانی وزارتخانه‌های صمت، جهادکشاورزی، نماینده سازمان اصناف و نماینده دادستان استان خواهند بود.

بند ۳- سازمان بمنظور نظارت و پایش محیطی و یا اعمال قانون برای موارد تخلف، لازم است در تهران، مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ، یگان ورزیده و آموزش دیده نیمه‌نظامی گشت زمینی محیطی، یگان گشت هوایی مجهز به اطفاء حریق محیطی و یک یگان ضابطین اجرای احکام و همچنین زیرساخت‌ها و ابزار ارتباطی کافی داشته باشد و دولت موظف است نیازهای سازمان را در این موارد برطرف نماید. ضروری است سازمان با همکاری دادستانی کل و یا استان‌ها، ضابطین اجرای احکام را آموزش دهند.

بند ۴- سازمان باید آئین‌نامه‌ای را تدوین کند و در آن میزان، نوع جرائم و یا چگونگی برخورد با خاطیان، اعم از اشخاص و مراکز اقتصادی حقیقی، حقوقی، دولتی و خصوصی را تعیین نماید. این آئین‌نامه باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. سازمان می‌تواند بر اساس این آئین‌نامه مصوب، احکام اجرایی را صادر و توسط ضابطین خود آن‌ها را عملی و یا برای اجرا به دیگر سازمان‌ها ابلاغ نماید.

بند ۵- سازمان در تهران و همه مراکز استان‌ها دارای یک واحد حقوقی است که رئیس آن باید حداقل دارای مدرک کارشناسی‌ارشد حقوق باشد، این واحد مسئول تهیه پیش‌نویس احکام تخلف خواهد بود. پس از تأیید احکام توسط رئیس سازمان در تهران و یا استان‌ها، احکام صادره برای همه نهادهای دولتی و خصوصی کشور، لازم‌الاجراست و باید فوراً اجرا شوند.

بند ۶- هر شهروند حقیقی و یا حقوقی مربوط می‌تواند برای احکام صادره در تهران و یا شهرستان‌ها درخواست تجدیدنظر داشته باشد. در این موارد، احکام صادره شهرستان‌ها در واحد حقوقی تهران و احکام صادره تهران، در کارگروهی متشکل از نماینده دادستانی کل، رئیس واحد حقوقی تهران و یک حقوق‌دان با انتخاب رئیس سازمان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. احکام تجدیدنظر شده، قطعی نهایی و غیرقابل برگشت خواهند بود. سازمان باید تلاش نماید که اطلاع مدت تجدیدنظر، بویژه در موارد تعطیلی مراکز اقتصادی، بیش از یک ماه نباشد.

اصل ۴۶- مدیریت، نظارت بر فرآیند و عملکرد عاملین: صدور سند، تأیید مالکیت زمین، واحدهای مسکونی، اداری، تجاری، صنعتی، کشاورزی، ورزشی و یا با سایر کاربری‌ها، وسایل نقلیه موتوری زمینی، هوایی و دریایی، تقسیم این اموال و وسایل بعلاوه دارائی‌های پولی و سهام افراد متوفی برابر با قوانین ارث، صدور شناسنامه و کارت ملی هو شمند و ابطال رسمی آن‌ها برای افراد

فوت شده، ثبت و صدور اسناد ازدواج و طلاق و همچنین ثبت رسمی هرگونه معاهدات بین شهروندان حقیقی و حقوقی در کشور، از جمله وظایف سازمان ثبت اسناد رسمی کشور می‌باشد.

بند ۱- این سازمان غیرانتفاعی است و بصورت خوداتکایی اداره می‌شود و رئیس آن با مدرک دکترای حقوق را، رئیس‌جمهور برای مدت ۵ سال تعیین می‌کند. ساختار سازمان را باید مجلس شورای اسلامی تأیید نماید.

بند ۲- این سازمان و شعبات مراکز استانی آن، حداقل دارای یک واحد برای صدور شناسنامه و کارت ملی هو شمند، یک واحد برای صدور مجوز و نظارت بر عملکرد دفاتر رسمی ثبت اسناد و یک واحد حقوقی خواهد بود. ساختار سازمان را مجلس تصویب می‌کند. امور مربوط به تهران توسط سازمان و در مراکز استان‌ها، بطور مستقل توسط شعبات سازمان انجام می‌گیرد.

بند ۳- هر شهروند ایرانی دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق، همراه با ۲ نفر با مدرک کارشناسی حقوق، حداقل ۲۵ سال سن و نداشتن سوء سابقه و تأسیس یک شرکت سهام خاص تضامنی، بشرط آن که هیچ یک از افراد بیش از ۳۰ درصد سهم نداشته باشند، می‌تواند از سازمان در تهران و یا مراکز استان‌ها، مجوز تأسیس تنها یک دفتر رسمی ثبت اسناد را برای هر روستا و یا شهر دریافت نماید. سازمان مجاز نیست هیچ محدودیتی برای اعطای هر تعداد مجوز برای هر نقطه‌ای از کشور را اعمال نماید. ترکیب تحصیلی اعضای شرکت در هیچ شرایطی نباید تغییر کند.

بند ۴- صدور اولین سند مالکیت انواع خودورها توسط نیروی انتظامی معتبر هستند و لازم است داده‌ها و اطلاعات آن‌ها بصورت برخط به پایگاه داده سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور ارسال شود. ولی برای انتقال و فروش‌های بعدی، لازم است ابتدا فرایند انتقال در دفاتر رسمی ثبت و داده‌ها و اطلاعات آن بصورت برخط به پایگاه اطلاعات سازمان ارسال و سپس برای سایر موارد مرتبط با نیروی انتظامی اقدام شود.

بند ۵- دفاتر رسمی ثبت اسناد موظف هستند، همه داده‌ها و اطلاعات موضوع ثبت را بصورت برخط به پایگاه اطلاعات سازمان ارسال نمایند. سازمان نیز موظف است، بلافاصله دریافت اطلاعات ثبت را به ذینفعان اطلاع‌رسانی کند. سازمان همچنین موظف است حداکثر تا پایان همان روز، اطلاعات دریافتی خود را به پایگاه داده سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور ارسال نماید.

بند ۶- وکالت فروش با هر شرایطی، مالکیت قطعی برای موکل محسوب می‌شود و باید داده‌ها و اطلاعات آن در پایگاه گفته شده وارد شود.

بند ۷- دفاتر رسمی ثبت اسناد با داشتن گواهی معتبر ولادت صادره از طرف بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور، پس از ثبت مشخصات نوزاد و والدین، داده‌ها و اطلاعات را بصورت برخط به پایگاه داده سازمان، برای صدور شناسنامه ارسال می‌کنند.

بند ۸- مسئولیت اجرای فرآیند انحصار وراثت با دفاتر رسمی ثبت اسناد و سازمان می‌باشد. این دفاتر موظف هستند با رؤیت گواهی فوت تأیید شده توسط قاضی، پس از ثبت مشخصات متوفی و چگونگی وفات، اموال و دارائی‌های ثبت شده متوفی در پایگاه داده سازمان را بین وراثت تقسیم اولیه انجام دهند. علاوه بر این، سازمان نیز موظف است بلافاصله اطلاعات مربوط به تقسیم ارث دارائی‌های بانکی و اوراق بهادار متوفی را به بانک مرکزی ارسال نماید. سازمان و بانک مرکزی نیز موظف هستند در پایان همان روز عملیات تقسیم ارث، تغییرات و اطلاعات جدید را به پایگاه داده سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور ارسال کنند و انجام تقسیم ارث را به وراثت اطلاع‌رسانی نمایند. وراثت ذینفع ب مدت ۳ ماه اجازه بهره‌برداری از سهم ارث خود را ندارند. در این مدت وراثت می‌توانند مدارک جدیدی در مورد تقسیم ارث به دفاتر ارائه نمایند و چنانچه تقسیم ارث اولیه تغییری نداشته باشد، انحصار وراثت قطعی تلقی شده و هر یک از وراثت ذینفع می‌توانند از دفاتر درخواست صدور گواهی مالکیت و

دارئی‌های ارثی خود را داشته باشند و سازمان و بانک مرکزی نیز موظف هستند امکان بهره‌برداری از اموال، برداشت وجوه نقدی و یا اوراق سهام را برای وراث فراهم نمایند.

بند ۹- سازمان باید پایگاه داده خود را طوری هوشمندانه و ایمن طراحی و مدیریت کند که امکان داده‌های خطا، اطلاعات و مدارک نادرست توسط شهروندان حقیقی و یا حقوقی به دفاتر رسمی ثبت اسناد از یک طرف، ثبت هرگونه داده و اطلاعات اشتباه و نادرست و یا عدم ارسال بموقع اطلاعات توسط این دفاتر به پایگاه‌های داده سازمان، بانک مرکزی و یا سازمان ساماندهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور از طرف دیگر، وجود نداشته باشد.

بند ۱۰- چنانچه قاضی تشخیص دهد که بدلیل قصور و یا تقصیر دفاتر و یا سازمان در ثبت درست و بموقع اطلاعات، شهروندان حقیقی و یا حقوقی دچار خسران و ضرری شده باشند، دفاتر و سازمان باید خسارت را جبران کنند.

بند ۱۱- چنانچه شهروندی با دادن داده، اطلاعات و مدارک نادرست به دفاتر، بنابر تشخیص قاضی موجب خسارت به دیگر شهروندان شود، دفاتر و سازمان موظف هستند که در همه اموال و دارائی‌های فرد خاطی را مسدود و اسامی آن‌ها را به زیان‌دیده و قاضی مربوط اعلام نمایند.

بند ۱۲- سازمان و دفاتر با تصویب مجلس شورای اسلامی می‌توانند برای کلیه عملیات و خدمات ثبتی خود، کارمزدی را از شهروندان حقیقی و حقوقی دریافت نمایند. سهم سازمان از این کارمزدها در حد خوداتکایی است و مجاز به داشتن سود نمی‌باشد.

بند ۱۳- سازمان و دفاتر برای جبران خسارات احتمالی شهروندان ناشی از کارکرد نادرست خود، باید عملکرد خود را بیمه نمایند. نیمی از تأمین مبلغ بیمه، سهم سازمان و دفاتر و نیمی دیگر، سهم شهروندان است که در هر ثبت از آن‌ها اخذ می‌شود.

بند ۱۴- هر نوع اخذ مالیات بر ارث ممنوع است و دولت مجاز به کسب درآمد از این طریق نمی‌باشد.

۱-۴۷- تدوین شاخص‌هایی برای دستیابی به تولیداتی با کیفیتی بهتر و خاص بومی کشور و یا در حد کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته در مواد اولیه، قطعات، محصولات فناورانه، زیر سامانه‌ها، سامانه‌ها، آرایه‌ها، خطوط تولید، بسته‌بندی، حمل و نقل، بکارگیری و تعمیرات محصولات، دستگاه‌های سنجش و اندازه‌گیری در همه بخش‌ها و مراکز اقتصادی خصوصی و یا دولتی، فرآیندها، خدمات و نظارت بر پیاده‌سازی آن شاخص‌ها و آگاه‌سازی عمومی از نتایج بررسی‌ها، از جمله وظایف مهم سازمان استاندارد محصولات صنعتی کشور می‌باشد.

بند ۱- این سازمان غیرانتفاعی است و بصورت خوداتکایی اداره می‌شود و رئیس آن را رئیس‌جمهور برای مدت ۵ سال تعیین می‌کند. ساختار سازمان باید توسط مجلس شورای اسلامی تأیید شود.

بند ۲- بخش تعیین شاخص‌ها و استانداردهای سازمان صرفاً در تهران خواهد بود و از ظرفیت پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و یا شرکت‌های دانش‌بنیان کشور برای این منظور استفاده می‌کند. شعبات مراکز استانی و یا شهرهای بزرگ این سازمان امر نظارت و بازرسی‌ها را برعهده خواهند داشت.

بند ۳- سازمان باید امور اجرایی بازرسی‌ها و نمونه‌برداری‌های دوره‌ای در حد گسترده و با روال‌های مشخص خود را به شرکت‌های سهامی خاص تضامنی با همین اهداف، برون‌سپاری نماید، بشرط آن که کارمندان آن شرکت‌ها دارای تخصص‌های مرتبط باشند، و بازرسی‌های ویژه، موارد حساس و یا بازرسی بر عملکرد این شرکت‌ها را خودش انجام دهد. سازمان می‌تواند این شرکت‌ها را درجه‌بندی و به تناسب سابقه و حسن کارکرد، حوزه‌های کاری آن‌ها را افزایش دهد.

بند ۴- همه آزمایشگاه‌های اندازه‌گیری و معتبر و مورد اعتماد سازمان باید در اختیار شرکت‌های با مسئولیت محدود و یا سهامی خاص دانش‌بنیان تضامنی باشد و سازمان مجاز نیست خودش رأساً وارد امور اجرایی شود. سیاست سازمان باید حمایت و تقویت در ایجاد و توسعه این شرکت‌ها باشد.

بند ۵- هر مرکز اقتصادی باید تولیدات و کالاهای خود را برابر استانداردهای سازمان عرضه کند. در غیر اینصورت، جبران هرگونه خسارات وارده به شهروندان حقیقی و یا حقوقی ناشی از عدم استاندارد بودن کامل و یا بخشی از کالا، برعهده مرکز اقتصادی است که میزان آن را قاضی تعیین می‌کند.

بند ۶- هر مرکز اقتصادی که با همکاری دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و با تأیید سازمان موفق شوند که همه و یا بخشی از تولیدات خود را برابر استانداردهای سازمان ارتقاء و تولید نمایند، هزینه‌های این نوع همکاری‌ها در حکم ادای مالیات برای این مراکز محسوب می‌شود.

بند ۷- سازمان و شرکت‌های پیمانکار طرف قرارداد با آن می‌توانند برای کلیه عملیات، خدمات و بازرسی‌های خود، کارمزدی را با تصویب مجلس شورای اسلامی از شهروندان حقیقی و حقوقی دریافت نمایند. در هر صورت، سهم سازمان از این کارمزدها باید در حد خوداتکایی باشد و مجاز به داشتن سود نیست.

اصل ۴۸- هماهنگی امور بیمه‌ای در همه زمینه‌های سلامت انسانی و اشخاص، مشاغل و مسئولیت، تجهیزات و اموال، اماکن، و سائط نقلیه، محصولات کشاورزی و دامپروری، حمل و نقل کالا و دیگر زمینه‌های جدید، مسئولیت تحقق و پیگیری بیمه‌های ضروری و اجباری در کشور، یکسان‌سازی رویه‌ها و مقررات بیمه‌ای در هر زمینه، نظارت بر عملکرد سازمان‌های بیمه‌گر، رسیدگی و تصمیم‌گیری در موارد اختلاف بین بیمه‌گر و بیمه‌گزار، صدور مجوز تأسیس و نظارت فرایند انحلال و یا ادغام سازمان‌های بیمه‌گر از جمله وظایف سازمان مرکزی بیمه می‌باشد.

بند ۱- سازمان غیرانتفاعی است و خودش بیمه‌گزار نمی‌باشد و بصورت خوداتکایی اداره می‌شود و ریاست سازمان را رئیس‌جمهور برای مدت ۵ سال انتخاب می‌کند. ساختار سازمان را باید مجلس شورای اسلامی تأیید نماید.

بند ۲- این سازمان دارای شعبات مراکز استانی است که نظارت بر عملکرد سازمان‌های بیمه‌گر، تأیید افراد تحت پوشش بیمه سلامت، اقدام برای بیمه بازنشستگی، رسیدگی به شکایات و حل اختلاف‌ها و همچنین بررسی‌های اولیه برای صدور مجوز نهایی توسط سازمان مرکزی، تعامل با سازمان‌های کارفرمای بیمه‌گذار، از جمله وظایف آن‌ها می‌باشد.

بند ۳- بیمه سلامت مهمترین بیمه ضروری، قطعی و همگانی است که باید همه شهروندان کشور را از بدو تولد تا پایان عمر تحت پوشش کامل درمانی قرار دهد و سازمان موظف به تحقق این امر می‌باشد. برابر این بیمه باید همه شهروندان بتوانند در همه زمینه‌های سلامت انسانی، بطور یکسان، بدون پرداخت هزینه، از دست رفتن مهلت پیشگیری و درمان، از همه امکانات بیمارستانی و درمانی دولتی استفاده نمایند، بصورتی که هیچ تفاوتی بین شهروندان وجود نداشته باشد. ایجاد و تقویت زیرساخت‌های لازم درمانی برای تحقق این بیمه برعهده دولت می‌باشد و سازمان موظف است این امر را برنامه‌ریزی، پایش و نظارت نماید. سازمان موظف است سرانه این نوع بیمه بازای هر شهروند را در ابتدای هر سال تعیین و مجلس شورای اسلامی آن را تصویب کند. تأمین یک‌سوم این سرانه برعهده سرپرست هر خانواده و یا هر شهروند شاغل و یا بازنشسته می‌باشد که چنانچه کارمند دولت و یا بخش خصوصی باشند، کارفرمای ایشان موظف است مبلغ سرانه مربوط به کارکنان را ماهیانه از حقوق افراد کسر و مستقیماً به حساب سازمان واریز نمایند. تأمین مابقی دوسوم برای افرادی که کارمند دولت محسوب می‌شوند و یا در مراکز کار می‌کنند که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، تماماً برعهده دولت و برای کسانی که در مراکز اقتصادی بخش خصوصی کار می‌کنند و یا

مراکز آن‌ها از منابع عمومی استفاده نمی‌کنند، یک سوم برعهده دولت و یک سوم دیگر برعهده مراکز اقتصادی مربوط خواهد بود. پرداخت همه سرانه بیمه افراد محروم مطلق که همه و یا بخشی از درآمد آن‌ها توسط سازمان اموال و احسان عمومی تأمین می‌شود، برعهده دولت می‌باشد. سازمان برنامه و بودجه مسئول پرداخت سرجمع سرانه بیمه سلامت سهم دولت می‌باشد که باید مستقیماً و ماهیانه به سازمان پرداخت نماید. مراکز اقتصادی خصوصی نیز موظف هستند که سرجمع سهم خود و کارمندان را ماهیانه به سازمان پرداخت کنند.

بند ۴- هر فرد سرپرست خانواده باید سهم بیمه سلامت همه اعضای خانواده درجه یک و می‌تواند برای درجه دو، داماد و عروس، فرزندان آن‌ها و فرزند قانونی خود را (بشرط آن که آن‌ها حقوق شغل و یا بازنشستگی نداشته نباشند)، بپردازد و درباره آن‌ها اعمال شرط سنی و یا تفاوت جنسی، کلاً جایز نیست. این بند شامل سایر شهروندان دارای شغل آزاد در بخش غیردولتی، بشرط پرداخت نصف سرانه سلامت، نیز می‌شود. تأمین نیمی دیگر برعهده دولت (یا بطور منصفانه بین دولت و کارفرمای بخش خصوصی)، می‌باشد.

بند ۵- هزینه‌های زایمان و درمان و رسیدگی به نوزاد تا دو ماهگی، تماماً تحت پوشش بیمه سلامت و برعهده دولت می‌باشد و بعد از این مدت، سرپرست خانواده موظف است اقدامات و پرداخت‌های قانونی برای برقراری بیمه سلامت نوزاد را انجام دهد.

بند ۶- بیمه سلامت سراسری است و هیچ نهاد دولتی مجاز نیست از منابع خود هزینه دیگری برای این امر انجام دهد. دولت موظف است همه مراکز درمانی و بیمارستانی در اختیار نهادها و وزارتخانه‌های غیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را به این وزارتخانه منتقل نماید. مدیریت کلیه واحدهای درمانی و بیمارستانی دولتی باید یکسان توسط این نهاد صورت گیرد.

بند ۷- اجرای کامل بیمه سلامت، بارزترین جلوه تحقق عدالت توسط دولت و از جمله مهمترین وظایف اوست و لازمه آن وجود آمایش سرزمینی امکانات و خدمات درمانی کشور می‌باشد. سازمان و مجلس شورای اسلامی موظف هستند که در مورد عمق و گستردگی انواع خدمات درمانی تحت پوشش این بیمه و همچنین سهولت دسترسی بهره‌مندی شهروندان در همه استان‌ها و بویژه مناطق کمتربرخوردار کشور، نظارت و پایش مداوم داشته باشند.

بند ۸- بیمه حقوق بیکاری نوعی بیمه ضروری، قطعی و همگانی است و هر شهروند می‌تواند تا زمان بازنشستگی برای خود و تا زمان فوت، برای اعضای درجه یک و دو علاوه داماد و یا عروس، بمدت حداکثر یک سال پیاپی و یا دو سال متناوب، بشرط آن که فرد ذینفع در این مدت فاقد شغل و درآمد ماهیانه و سرپرست خانواده بوده باشد، از مزایای آن استفاده نماید. حقوق ماهیانه بیمه بیکاری معادل نصف حقوق پایه کشور (برای ذینفع مجرد)، دو سوم (برای ذینفع متأهل) و معادل حقوق پایه (برای ذینفع متأهل دارای حداقل یک فرزند) تعیین می‌شود. سازمان موظف است سرانه تأمین بیمه بیکاری را تعیین نماید و سهم پرداخت ماهیانه برای هر فرد شاغل (یک سوم)، سازمان کارفرمای غیردولتی (در صورت وجود، یک سوم) و دولت (یک سوم و در صورت عدم وجود کارفرمای دولتی، دو سوم) می‌باشد و دریافت این سرانه از فرد شاغل و کارفرما تا زمان بازنشستگی خواهد بود. تصویب استفاده از مزایای بیمه بیکاری از طریق شعبات سازمان در مراکز استان‌ها صورت می‌گیرد و نیازی به تأیید سازمان مرکزی نمی‌باشد، ولی برای مدت استفاده بیش از یکسال، این امر لازم است. مدت زمان استفاده ذینفع از این بیمه نمی‌تواند بیشتر از مدت زمان پرداخت سرانه این بیمه توسط شاغل باشد. پرداخت حقوق بیمه بیکاری توسط سازمان مرکزی باید بصورت واریز مستقیم و ماهیانه به حساب ذینفع انجام شود. به حقوق بیمه بیکاری هیچگونه کسوراتی تعلق نمی‌گیرد و افراد ذینفع می‌توانند همچنان از مزایای بیمه سلامت برخوردار باشند. زن و شوهری که همزمان بیکار شده‌اند، هر دو می‌توانند متقاضی استفاده از حقوق بیمه بیکاری باشند، در اینصورت مجموعاً معادل حقوق پایه دریافت می‌کنند و تنها بازای یک فرزند، یک سوم حقوق پایه افزایش می‌یابد.

بند ۹- بیمه حقوق بازنشستگی نوعی بیمه ضروری، قطعی و همگانی است و شامل همه شهروندان شاغلی می شود که سی سال سهم سرانه بیمه آن‌ها ماهیانه به حساب سازمان واریز شده باشد. میزان سرانه این بیمه تابع و کسری از حقوق و مزایای پایه هر فرد می باشد و لازم است سازمان الگوی آن را تعیین و مجلس شورای اسلامی تصویب کند. سهم تأمین و چگونگی پرداخت ماهیانه این بیمه به سازمان، مانند بیمه سلامت می باشد و دریافت این سرانه از فرد شاغل و کارفرما تا زمان بازنشستگی خواهد بود. میزان حقوق بیمه بازنشستگی کامل بر اساس متوسط حقوق و مزایای ماهیانه دو سال آخر شاغلین محاسبه می شود و بطور سالیانه نیز افزایش می یابد. نحوه دقیق محاسبه حقوق بیمه بازنشستگی را سازمان تعیین می کند. دولت موظف است از منابع و درآمدهای خود حقوق بازنشستگی همه شهروندان کشور را مستقیماً و بصورت ماهیانه به حساب شخصی آن‌ها واریز نماید.

بند ۱۰- هر شهروند شاغل در نهادهای دولتی و یا سازمان‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی کشور حقوق دریافت می کنند، پس از پرداخت سی سال سرانه بیمه بازنشستگی خود، دیگر مجاز نیستند دستمزد و مزایای عادی خود را دریافت کنند و حقوق آن‌ها بطور خودکار از مسیر بازنشستگی محاسبه و پرداخت می گردد، اعم از آن که برابر قوانین عادی بازنشسته نشده باشند، در اینصورت، پرداخت هرگونه مزایای ویژه‌ای به این افراد در ادامه همکاری، ممنوع است. استفاده از تجربیات گرانبهای افراد بازنشسته در نهادهای دولتی بصورت پاره‌وقت و تا سقف ۵۰ ساعت در ماه تا ۱۰ سال بعد از بازنشستگی مجاز است.

بند ۱۱- کمترین مدت واریزی سرانه بیمه بازنشستگی برای استفاده از مزایای آن، ده سال تعیین می گردد و بازنشستگی زودتر از ۳۰ سال برای شاغلین مجاز است، ولی حقوق بیمه بازنشستگی ایشان با لحاظ تعدیل سنواتی محاسبه خواهد شد. امکان ترمیم و ارتقاء حقوق ایشان تا حداکثر دو سال وجود دارد، بشرط آن که شاغل ذینفع مجموع سهم سرانه بیمه خودش، کارفرما و دولت با احتساب آخرین ماه را، بطور یکجا بحساب سازمان واریز نماید.

بند ۱۲- چنانچه فرد شاغل قبل و یا بعد از بازنشستگی فوت نماید، همه حقوق ماهیانه بیمه بازنشستگی ایشان تا یکسال بدون تغییر و بعد از آن با اعمال ضریب هشتاد درصد، به سرپرست خانواده پرداخت می شود و تا پایان عمر اعضای خانواده ادامه خواهد داشت. در صورت فوت هر یک از اعضای خانواده نیز در صدی از حقوق کسر می شود، میزان این کسورات توسط قوانین عادی تعیین می شوند.

بند ۱۳- بیمه خسارت و سایل نقلیه، سرنشینان و اشخاص ثالث، از جمله بیمه‌های ضروری، قطعی و تقریباً همگانی در کشور هستند که مقادیر سرانه بیمه آن‌ها، بازای هر وسیله نقلیه و اشخاص، توسط سازمان در ابتدای هر سال برابر قوانین عادی تعیین می شود. مالکین وسائل نقلیه و سازمان‌های بیمه‌گر مجری مفاد این بند هستند. میزان بیمه خسارت انسانی مشمول این بند برای زن و مرد بطور یکسان محاسبه می شود. سازمان‌های بیمه‌گرهای دولتی مجاز نیستند در این زمینه‌ها فعالیت داشته باشند.

بند ۱۴- امتیاز تخفیف‌های سالانه ناشی از عدم تصادف در سال‌های قبل، فقط متعلق به فرد بیمه‌گذار می باشد و وابسته به وسیله نقلیه خاصی نیست و فرد بیمه‌گذار می تواند آن امتیاز را در مورد هر ماشینی استفاده کند. شرکت‌های بیمه‌گر می توانند این امتیاز را بنابر بیمه‌گذاران خوش حساب، زن یا مرد بودن و یا سن آن‌ها، متفاوت در نظر بگیرند. همچنین باقیمانده زمانی بیمه وسیله نقلیه فروخته شده، بنابر درخواست بیمه‌گذار، می تواند به وسیله نقلیه دیگر انتقال یابد.

بند ۱۵- بیمه‌های حمل کالا، انبارداری‌ها، اماکن مسکونی و تجاری، بالابرها، سرویس دانش‌آموزان، مسافران و سایل نقلیه عمومی، خسارات حین شغل و مانند این‌ها هم از جمله بیمه‌های ضروری در کشور هستند که سازمان باید بطور کلی بر چگونگی محاسبه حق بیمه‌ها و فرآیند اجرایی آن‌ها نظارت داشته باشد و اجازه دهد تا سازمان‌های بیمه‌گر در این بیمه‌ها با یکدیگر رقابت نمایند. سازمان‌های بیمه‌گرهای دولتی مجاز نیستند در این زمینه‌ها فعالیت داشته باشند.

بند ۱۶- حداقل ۳ شهروند ایرانی (یک نفر کارشناسی ارشد بیمه و دو نفر دیگر با مدرک کارشناسی در رشته‌های مرتبط)، با ۲۵ سال سن و نداشتن سوء سابقه و تأسیس یک شرکت سهام خاص تضامنی، بشرط آن که هیچ یک از افراد بیش از ۳۰٪ داشته باشند و نداشتن سهم نداشته باشند ثابت نزد سازمان، می‌توانند از سازمان در تهران و یا مراکز استان‌ها، مجوز تأسیس شرکت بیمه دریافت نمایند. این شرکت‌ها مجازند ابتدا در یک موضوع بیمه فعالیت خود را آغاز کنند. محدوده عملیات این شرکت‌ها در پنج سال نخست، باید در استان محل تأسیس خود باشند و سپس با ارزیابی سازمان، امکان فعالیت در سطح کشور را خواهند داشت. مقدار سپرده این شرکت‌ها بستگی به نوع موضوع و پیش‌بینی محدوده حوزه عملیات و پوشش‌دهی آن‌ها خواهد داشت و مقدار آن را سازمان تعیین می‌کند. سازمان و یا شعبات استانی آن مجاز نیستند هیچ محدودیتی برای اعطای هر تعداد مجوز در یک استان را اعمال نمایند. این شرکت‌ها مجاز هستند به هر تعداد دفاتر کارگزاری بیمه برای خودشان ایجاد نمایند و نیازی به کسب مجوز از سازمان نمی‌باشد، ولی لازم است اسامی آن‌ها در سامانه اطلاعاتی شرکت و سازمان ثبت شوند. مسئولیت حقوقی و نظارت بر عملکرد این دفاتر برعهده شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد.

اصل ۴۹- هدایت و مدیریت راهبردی پژوهش، آموزش، تولید، خرید و فروش همه عناصر و ترکیبات پرتوزا، طراحی، ساخت و بهره‌برداری انواع نیروگاه‌های تحقیقاتی و تولید انرژی برق هسته‌ای، نظارت بر دستگاه‌های پرتوی پزشکی و یا آموزشی در سایر نهادها، مدیریت بر آموزش، نظارت و پایش از سلامت انسانی کارکنان نهادهای دولتی و خصوصی در برابر مواد و دستگاه‌های پرتوی و تعیین میزان و سطح پرتوگیری و سختی کار آن‌ها، مسئولیت حمل مواد پرتوی و یا چگونگی نگهداری از آن‌ها، همکاری با سازمان‌های نظارتی، پژوهشی و آموزشی بین‌المللی، نمایندگی و سخنگوی رسمی مواضع علمی کشور در زمینه انرژی اتمی در مجامع بین‌المللی، حمایت و همکاری در ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان برای پرتودهی مواد غذایی، خوراکی، پزشکی و یا توسعه کاربردی پرتوها و لیزر در صنعت و درمان، تحقیق و توسعه درون‌زای علمی و کاربردی تولید انرژی‌های نوین هسته‌ای و اتمی و پلاسمایی، مسئولیت تولید داخلی و یا تأمین چرخه سوخت‌های هسته‌ای مورد نیاز نیروگاه‌های کشور، تهیه و تدوین پیش‌نویس قراردادها و تعهدات فرامرزی کشور در زمینه مواد پرتوی و محیط‌زیست، از جمله وظایف سازمان انرژی اتمی ایران می‌باشد.

بند ۱- رئیس این سازمان بمدت پنج سال توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و لازم است ساختار و برنامه‌های کوتاه و بلندمدت آن توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد.

بند ۲- هیچ نهادی مجاز نیست در حیطه کاری این سازمان وارد شود و تنها دانشگاه‌ها می‌توانند در زمینه آموزش، تربیت کارکنان فنی، پژوهشی و آموزشی مورد نیاز سازمان فعالیت نمایند. شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصی نیز موظف هستند در چارچوب سیاست‌ها و راهبردهای سازمان فعالیت نمایند.

بند ۳- این سازمان باید در یک بازه معین، که مجلس شورای اسلامی آن را تعیین می‌کند، خوداتکا شود.

اصل ۵۰- تحقیق، تصویب و نظارت بر اجرای قوانین عادی در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی و شرح و تفسیر آن‌ها (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان)، بررسی، تصویب و نظارت بر طرح‌های بلندمدت توسعه و یکساله دولت، یا لوایح و آئین‌نامه‌های داخلی (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان) و یا تأیید ساختارها، طرح‌ها و برنامه‌های نهادهای رسمی کشور (با رأی اکثریت مطلق اعضای کمیسیون مربوط)، تحقیق، تفحص و بازرسی از همه نهادها و مراکز اجرایی و یا قضایی کشور (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان)، رسیدگی و پیگیری به شکایات و گزارشات دریافتی از شوراهای روستایی، شهری و استانی، نظارت بر تدوین و اجرای پیمان‌های بین‌المللی تعهدآور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، محیط‌زیستی و سرزمینی کشور، تصویب انجام همه‌پرسی

کشوری و یا بازنگری در برخی از اصول و بندهای این مجموعه قوانین اساسی (با ۸۰ درصد رأی نمایندگان و اگر بنا بر درخواست رهبری باشد، با رأی اکثریت مطلق نمایندگان)، تصویب حکومت و شرایط نظامی و اضطراری در قسمتی و یا کل کشور (با ۸۰ درصد رأی نمایندگان)، دادن و یا گرفتن وام از دول خارجی (با ۷۰ درصد رأی نمایندگان)، تصویب برکناری وزرا و یا معاونین رئیس‌جمهور (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان) و یا رؤسای نهادهایی که در این مجموعه قوانین اساسی از طرف دولت منصوب شده‌اند (با رأی اکثریت مطلق اعضای کمیسیون مربوط) و استانداران (با رأی اکثریت مطلق نمایندگان استان مربوط)، تأیید معاون اول از بین افراد معرفی شده از طرف رئیس‌جمهور (با رأی اکثریت مطلق نمایندگان)، پرسش و خواستن توضیح از رئیس‌جمهور (با یک‌پنجم رأی نمایندگان) و یا رأی به عدم کفایت و برکناری ایشان (با رأی ۷۰ درصد نمایندگان، و اگر بنا بر درخواست رهبری باشد، با رأی اکثریت مطلق نمایندگان)، تأیید تقسیم و یا ادغام استان‌ها (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان)، تأیید ایجاد و یا انحلال مناطق آزاد تجاری (با رأی اکثریت نسبی نمایندگان)، تأیید ایجاد و یا ادغام وزارتخانه‌ها و معاونت‌های رئیس‌جمهور (با رأی اکثریت مطلق نمایندگان)، از جمله وظایف مهم مجلس شورای اسلامی است.

بند ۱- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی (با احتساب نمایندگان اقلیت‌های دینی)، سیصد نفر و تعداد نمایندگان کلان شهر تهران (تهران، ری، اسلامشهر و شمیرانات) سی نفر تعیین می‌شوند. این مقادیر تا سقف یکصد میلیون نفر جمعیت کشور ثابت هستند و بعد از آن به نسبت می‌تواند افزایش یابد. نمایندگان هر استان (و نیز شهرهای آنها)، به نسبت جمعیت و در مقایسه با تعداد نمایندگان شهر تهران، توسط مجلس شورای اسلامی در هر دوره انتخابات تعیین می‌شود و هیچ استانی نباید کمتر از ۳ نماینده داشته باشد. در شهرها و مناطق کمتر از یکصد و پنجاه هزار نفر جمعیت، بتنهایی انتخابات برگزار نمی‌شود و در این شرایط لازم است با دیگر شهرها و روستاهای مجاور، یک حوزه انتخاباتی بزرگتر را تشکیل دهند. کمترین میزان رأی برای انتخاب شدن در هر مرحله اول، اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک) و برای مرحله دوم، اکثریت نسبی شرکت‌کنندگان تعیین می‌شود. در صورت کسب آراء مساوی، رأی اکثریت مطلق اعضای شورای شهر (شهرهای) آن حوزه‌ها، تعیین‌کننده نهایی می‌باشد.

بند ۲- نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سه مسیر با آرای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند: الف- نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، ب- نمایندگانی که احزاب برای هر حوزه انتخابیه معرفی می‌کنند، ج- تعداد شصت نفر از بین کسانی که هیچگونه وابستگی به احزاب در سه سال منتهی به زمان انتخابات نداشته‌اند و افرادی آزاد و مستقل تلقی می‌شوند. سهمیه این افراد مستقل به نسبت جمعیت هر استان تعیین می‌شود و لازم است هر استانی حداقل یک نفر مستقل داشته باشد و همه شرکت‌کنندگان در سطح استان می‌توانند به آنها رأی دهند. افراد مستقل باید چندین بار بطور رسمی اعلام عدم عضویت در احزاب را داشته باشند و در این صورت، بیان هرگونه تبلیغ احزاب از افراد مستقل، تخلف انتخاباتی محسوب می‌شود.

بند ۳- با توجه به بند ۱۱ اصل ۱۰، کسانی که تا ۲۴ ساعت قبل از شروع انتخابات به عضویت رسمی یکی از احزاب رسمی کشور درآیند، دیگر نیازی به انتخاب نمایندگان حزب خود ندارند و تنها می‌توانند به افراد مستقل و آزاد استان خود رأی دهند.

بند ۴- دولت موظف است به هر نماینده معرفی شده احزاب برای انتخابات مجلس شورای اسلامی، سرانه‌ای بعنوان کمک به تبلیغات انتخاباتی بپردازد. این مقدار سرانه برای افراد مستقل دو برابر تعیین می‌گردد. دولت همچنین موظف است در زمان تبلیغات حداکثر امکان بهره‌برداری تبلیغاتی عادلانه از صدا و سیما را برای همه نمایندگان فراهم نماید.

بند ۵- دولت مسئول برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در کشور است. انتخاب نمایندگان برای دوره بعد باید یک ماه قبل از اتمام مجلس فعلی به پایان رسیده باشد.

بند ۶- هر شهروند با داشتن حداقل ۲۸ و حداکثر ۶۸ سال سن، دارای مدرک کارشناسی ارشد، بدون سوءسابقه قضایی و نداشتن شهرت بد، نداشتن هیچ شغل و یا سمت دولتی در شش ماه قبل از زمان ثبت‌نام نمایندگی (و یا در نهادهایی که به نحوی از

بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند)، برخوردار از نعم بینایی، شنوایی و گویایی، حداقل یک سال عضویت رسمی در همان حزب (برای نمایندگان اعلامی احزاب)، می‌توانند با کسب رأی کافی نماینده مجلس شورای اسلامی شوند. هر شهروند مجاز است تنها سه بار انتخاب شود. مسئولیت تشخیص و تأیید شرایط گفته شده برای هر شهروند، برعهده حزب ذیربط می‌باشد. اگر کسی شبهه و اشکالی در درستی شرایط افراد تأیید شده توسط احزاب داشته باشد، لازم است موارد را به دادستانی استان‌های مربوط اعلام نماید. در صورت احراز اشکال توسط دادستانی، مراتب به فرد و حزب ذیربط و عموم مردم اعلام و برکنار می‌شود. افراد مستقل نیز باید با مراجعه به دادستانی شرایط گفته شده را متعهد شوند. دادستانی‌های هر استان نیز موظف هستند اسامی همه افراد متقاضی برای انتخاب شدن را بارها برای نظارت عمومی و بروز اشکالات احتمالی برای عموم مردم آن استان اطلاع‌رسانی نمایند. لازم است دولت و دادستانی شرایط و وقت کافی اطلاع‌رسانی عمومی و مشارکت نظارتی مردمی را برای همه شهروندان فراهم نمایند.

بند ۷- دولت موظف است برای هر حوزه انتخابی هیئت‌هایی با دو نماینده از استانداری، دو نماینده از شورای شهر، یک نماینده از هر حزبی که نماینده برای حوزه معرفی کرده است و یک نماینده از دادستانی، تشکیل دهد تا به روند اجرای انتخابات نظارت داشته باشند. مسئولیت تأیید صحت و درستی عملیات اجرایی انتخابات با این هیئت می‌باشد. مسئولیت تأیید سلامت انتخابات با دادستانی هر استان می‌باشد که تا دو هفته بعد از اتمام انتخابات فرصت دارد تا با رسیدگی به شکایات افراد حقیقی و یا حقوقی، سلامت انتخابات را تأیید نماید. در صورت احراز صحت و سلامت انتخابات هر حوزه، دولت موظف است بلافاصله اعتبارنامه نمایندگان انتخاب شده را صادر و به مجلس شورای اسلامی فعلی ارسال نماید.

بند ۸- در هر صورت، با اعلام عدم درستی در هر حوزه، انتخابات آن حوزه باطل خواهد بود. در صورت اعلام عدم سلامت انتخابات، که مورد مناقشه ذینفعان قرار نگیرد نیز، نتیجه انتخابات باطل می‌باشد. ولی چنانچه مورد مناقشه یکی از ذینفعان باشد، یک گروه سه نفره متشکل از نمایندگان دولت، مجلس و دادستانی تصمیم نهایی را با رأی اکثریت اتخاذ می‌کنند. در صورتی که حد نصاب نمایندگان تأیید شده به دوپست نفر برسد، مجلس جدید تشکیل می‌شود، در غیر این صورت، ادامه کار مجلس فعلی بمدت سه ماه تمدید و انتخابات دوباره (با میزان رأی اکثریت نسبی)، برگزار می‌شود. لازم است در قوانین عادی مصادیق عدم سلامت انتخابات تعریف شوند.

بند ۹- طول دوره نمایندگی چهار سال و تمام‌وقت می‌باشد و قابل واگذاری بغیر نیست و نمایندگان مجاز به داشتن هیچگونه شغل (اعم از تمام و یا پاره‌وقت، مشاوره و یا عضویت در هیئت‌مدیره‌های شرکت‌ها و ساختار احزاب) دولتی و غیردولتی، تعهد شغلی و یا مالی که منجر به عدم امکان خدمت تمام وقت جسمی و فکری در وظایف نمایندگی شود، نمی‌باشند. شفافیت مالی و عدم تخلف در زمان تبلیغات نیز شرط لازم برای تأیید انتخاب شدن می‌باشد.

بند ۱۰- نمایندگان در طول دوره نمایندگی فقط از مجلس شورای اسلامی حقوق دریافت می‌کنند. در این مدت گرفتن دریافت هرگونه وجه و یا همکاری با نهادهای دولتی و یا شرکت‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، یا اخذ هرگونه امتیاز برای تأسیس مراکز اقتصادی ممنوع است و برای همه اعضای خانواده درجه یک و دو و داماد و عروس ایشان، در صورتی مجاز است که نماینده در این امر دخالتی نداشته و شایسته بودن این بکارگیری در کمیسیون‌های داخلی مجلس مورد تأیید اکثریت مطلق قرار گرفته باشد.

بند ۱۱- نمایندگان بعد از اتمام دوره نمایندگی، با احتساب سنوات دوران نمایندگی، در صورتی که هنوز مشمول سن بازنشستگی نباشند، در صورت تمایل، فقط می‌توانند به شغل قبلی دولتی خود (با احتساب سنوات مثبت مرتبط)، بازگشت نمایند و مجاز به ادامه خدمت در دیگر مشاغل دولتی نیستند. این نمایندگان مجاز نیستند تا سه سال آینده تقاضای هرگونه تأسیس مراکز اقتصادی برای خود را داشته باشند.

بند ۱۲- نمایندگان از طریق مسئولین محلی حوزه انتخابیه خود، می‌توانند مشکلات افراد حقیقی و حقوقی، شکایات و گزارشات دریافتی از شوراهای روستایی و شهری و یا چگونگی پیشرفت طرح‌های مصوب را پیگیری نمایند، ولی هیچ نماینده‌ای مجاز نیست برای رسیدگی و پیگیری این امور و یا سایر امور جاری در کشور و رفع مشکل آن‌ها، بصورت انفرادی و مستقیم با وزرا (یا معاونین رئیس‌جمهور) و استانداران ارتباط و یا پرسشگری کتبی و شفاهی داشته باشند و لازم است موضوعات ابتدا در کمیسیون مربوط طرح و با تأیید نسبی اعضاء، توسط رئیس کمیسیون از وزیر (یا معاون رئیس‌جمهور) و یا استاندار سؤال و پیگیری شود. وزرا (یا معاونین رئیس‌جمهور) و استانداران نیز موظف هستند خود و یا نماینده آن‌ها تا حداکثر ده روز در کمیسیون پاسخ دهند. در صورت عدم اقبال اکثریت مطلق اعضای کمیسیون، لازم است کمیسیون‌ها درباره چگونگی اصلاح کار و یا درخواست برکناری افراد خاطی تصمیم‌گیری و به وزیر (یا معاون رئیس‌جمهور) و یا استاندار مربوط ابلاغ نمایند. در صورت استنکاف وزرا (یا معاونین رئیس‌جمهور) و یا استانداران از اجرای مصوبه کمیسیون مجلس، با رأی اکثریت مطلق کمیسیون‌ها، درخواست برکناری وزرا (یا معاونین رئیس‌جمهور) و یا استانداران برای تصمیم‌گیری در جلسه علنی ارسال می‌شود و حداکثر ظرف یک هفته باید در صحن علنی رأی‌گیری شود. اگر چنانچه سه اشکال اجرایی جبران‌ناپذیر و یا مهم در زیرمجموعه وزیری (یا معاون رئیس‌جمهور) و یا استاندار در کمیسیون‌های مختلف مجلس مورد تأیید قرار گرفته باشد، لازم است مجلس در این شرایط نیز جلسه علنی درباره برکناری آن وزیر (یا معاون رئیس‌جمهور) و یا استاندار برگزار نماید. در هر دو صورت گفته شده برای برکناری، لازم نیست این وزرا و یا معاونین در جلسه تصمیم‌گیری حضور یابند و چنانچه رأی بر برکناری آن‌ها داده شود، از همان لحظه حضور ایشان در محل کار غیرقانونی خواهد بود.

بند ۱۳- سؤال از رئیس‌جمهور ابتدا باید رأساً توسط وزیر مربوط در کمیسیون مورد بحث قرار گیرد. چنانچه اکثریت مطلق اعضای کمیسیون قانع نشدند، موضوع در صحن علنی طرح می‌شود و رئیس‌جمهور در مدت یک هفته فرصت دارد تا در صحن علنی مجلس توضیح دهد. اگر اکثریت مطلق نمایندگان قانع نشدند، رئیس‌جمهور موظف است اصلاح امر را برابر نظریه کمیسیون مربوط انجام دهد. اگر تعداد عدم اقبال اکثریت مطلق نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور در یک دوره به سه و یا تعداد برکناری وزرا (یا معاونین) ایشان به پنج عدد برسد، لازم است مجلس فوراً برای برکناری رئیس‌جمهور بصورت علنی تشکیل جلسه دهد. در صورت رأی بر برکناری رئیس‌جمهور، بلافاصله معاون اول زمام امور را برعهده خواهد داشت و ایشان موظف هستند ظرف مدت سه ماه نسبت به برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست‌جمهوری اقدام نماید.

بند ۱۴- مجلس نمی‌تواند در زمان بازپرسی و یا دادرسی دادگاه‌ها تحقیق و تفحص داشته باشد، ولی پس از اتمام و اعلام نتایج دستگاه قضایی در مورد یک پرونده و بطور ویژه، این امر می‌تواند همراه با نماینده دادستانی صورت گیرد. مجلس می‌تواند در مورد چگونگی بازداشت‌ها، زندان‌ها، عملکرد ضابطین قضایی و کارکردهای دستگاه قضایی با هماهنگی دادستانی، همواره بازدید، پرسشگری و یا تحقیق و تفحص داشته باشد. دستگاه قضا موظف است نتایج تحقیق و تفحص و یا گزارشات اشکالات و نکات مورد نظر مجلس را ملاک عمل و اصلاح نهادی خود قرار دهد.

بند ۱۵- پرسشگری، بازدید، تحقیق و تفحص از دولت و همه نهادهای آن توسط مجلس تابع هیچ شرایطی نیست و دولت موظف به همکاری می‌باشد.

بند ۱۶- نمایندگان مجلس در بیان عقیده، اظهار نظر و نقد خود از همه نهادها و ارکان کشور و افشاگری در صحن علنی (با رعایت موازین امنیت ملی) آزاد هستند و نمی‌توان برای این آزادی آن‌ها را مورد تعقیب قضایی قرار داد. ولی در برابر بیان تهمت، افتراء، توهین و فحاشی و اعمال ناپسندی از این قبیل، شخصاً مسئول هستند و افراد حقیقی و حقوقی می‌توانند از ایشان شکایت نمایند،

ولی اعمال رأی دادگاه در مورد جرائم ناشی از آزادی بیان این نمایندگان، منوط به اتمام دوره نمایندگی آنها خواهد بود. در پایان هر رأی گیری در مجلس و یا کمیسیونها، لازم است رأی نمایندگان در سامانه مجازی مجلس در اختیار عموم قرار گیرد.

بند ۱۷- مذاکرات علنی مجلس بطور همزمان از طریق رادیو و مصوبات آن در روزنامه رسمی منتشر می شوند و امکان غیرعلنی برگزار شدن مجلس با درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون مربوط وجود دارد. رئیس جمهور، وزرا، معاونین و استانداران می توانند انفرادی و یا جمعی (همراه با مشاوران خود)، در همه جلسات مجلس حضور داشته باشند. بعد از برطرف شدن شرایط اضطرار غیرعلنی شدن نشستها، لازم است گزارش و یا مصوبات این جلسات با اطلاع عموم برسد.

بند ۱۸- مجلس مجاز نیست قوانینی عادی تصویب نماید که بار مالی آن در برنامه آن سال پیش بینی نشده باشد، مگر آن که تأمین مالی آن را دولت ضمانت نماید. همچنین لازم است مصوبات مجلس با برنامه های توسعه بلندمدت کشور همراستا باشند.

بند ۱۹- لازم است کمیسیون های مجلس همه آئین نامه های دولت برای سهولت در اجرای قوانین عادی را مورد بازبینی قرار دهند و ضمانت اجرای بهینه قوانین بواسطه آنان را تأیید کنند.

بند ۲۰- ملاک، چارچوب و معیار تصویب قوانین عادی توسط مجلس، فقط و فقط همین مجموعه قوانین اساسی خواهد بود.

بند ۲۱- مجلس شورای اسلامی می تواند بغیر از مواردی که در این مجموعه قوانین اساسی مشخص شده، برخی تصمیم گیری های خود را به کمیسیون های داخلی، با شرط رأی اکثریت مطلق تفویض کند. این نوع قوانین عادی دارای مدت و بصورت آزمایشی خواهند بود و پس از پایان یافتن مدت و اصلاحات احتمالی، لازم است با رأی اکثریت نسبی مجلس به قوانین عادی تبدیل شوند.

بند ۲۲- آئین نامه داخلی مجلس بر اساس این مجموعه قوانین اساسی اصلاح و بموجب آن اداره می شود.

بند ۲۳- مرکز پژوهش های مجلس باید همواره تقویت و نظرات کارشناسی ایشان در تصویب قوانین مورد توجه و ملاک عمل قرار گیرد. لازم است این مرکز بموازات کمیسیون های مجلس، گروه ها و افراد پژوهشی حقوقدان ثابتی داشته باشد تا بتواند برای کمیسیون ها مانند یک حافظه هوشمند، روال و میزان انطباق یا تعارض با قوانین گذشته را هنگام وضع قوانین عادی جدید تبیین نمایند. کمیسیون ها نیز در پیوست لوایح پیشنهادی قوانین عادی جدید، باید نظرات کارشناسی گروه های مرکز را بیان نمایند.

بند ۲۴- بعد از تصویب این مجموعه قوانین اساسی، لازم است همه قوانین عادی تا کنون کشور توسط مجلس مورد بازنگری، اصلاح و یا ملغی شود و در این زمینه دولت و دستگاه قضایی همکاری لازم را داشته باشند.

بند ۲۵- همه مصوبات مجلس (بغیر از مصوبات مربوط به برکناری اعضای دولت و استانداران و تفاسیر مصوبات قبلی)، باید توسط شورای نگهبان قانون اساسی بررسی و کمتر از ده روز (و یا حداکثر دو هفته)، نظر خود مبنی بر میزان انطباق مصوبات با این مجموعه قوانین اساسی را به مجلس اعلام نماید، در غیر این صورت، مصوبات قطعی و قابل اجرا تلقی می شوند. در صورت عدم موافقت مجلس با اشکالات مطرح شده توسط شورای نگهبان، مصوبات برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می شود و آن شورا موظف است حداکثر در مدت دو هفته، نظر خود را در مورد درستی و یا نادرستی اشکالات شورای نگهبان به مجلس ارسال نماید و در صورت تأیید اشکالات، آن مصوبات قابل اجرا نیستند. در مواردی که مجمع نظرات و اصلاحاتی متفاوت از مجلس و یا شورای نگهبان داشته باشد، لازم است آن نظرات در مجلس مجدداً کارشناسی شوند.

بند ۲۶- ابلاغیه موصوبات مجلس به دولت، باید بلافاصله با اطلاع ذینفعان برسد و حداکثر در کمتر از یک ماه با تصویب آئین نامه های لازم با اجرا درآیند. در صورتی که عدم اجرای قوانین توسط دولت بیش از دو مورد باشد، مجلس باید برای برکناری رئیس جمهور مطابق بند ۱۱ عمل نماید.

بند ۲۷- در صورتی که در موضوع مشخصی در چارچوب عملکرد و یا کارکردهای دستگاه قضایی، مجلس و دولت توافقی داشته باشند، موضوع به رهبری گزارش و درخواست اصلاح امر و رسیدگی می شود. رهبری نیز موظف است شخصاً دستور مقتضی را صادر نمایند و یا رأی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ملاک عمل قرار دهند.

اصل ۵۱- بمنظور پاسداری و حفظ دینی بودن قوانین اجرایی، قضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور، مرجعیت تفسیر و توضیح مفاد این مجموعه قوانین اساسی، تبیین میزان انطباق، همراستایی و یا اشکالات مصوبات و قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی با این مجموعه و یا تشخیص عدم مغایرت و مخالفت آن مصوبات و قوانین با احکام اولیه شرع اسلام و فقه شیعه اثنی عشری، وظایف مهم و خطیر شورای نگهبان قانون اساسی هستند.

بند ۱- تعداد اعضای شورا هفت نفر، متشکل از چهار نفر روحانی فقیه دارای مدرک دکترای علوم دینی و سه نفر حقوقدان دارای مدرک دکتری دانشگاهی که از طرف رهبر و برای مدت پنج سال انتخاب می شوند، می باشد. رئیس شورا را رهبری از بین روحانیون عضو برای مدت پنج سال انتخاب می کند.

بند ۲- اعضای شورا تمام وقت بوده و در مدت عضویت خود مجاز نیستند شغل، تعهد و یا عضویت در نهادی دیگر داشته باشند. عضویت اعضای شورا حداکثر تا دو دوره دیگر می تواند توسط رهبر تمدید شود.

بند ۳- شورا دارای یک دبیرخانه می باشد که رئیس آن، سخنگوی شورا نیز خواهد بود. هر یک از اعضای شورا می توانند حداکثر دو مشاور رسمی داشته باشند. ساختار شورا باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۴- اعضای شورا می توانند به همراه مشاوران خود در جلسات علنی و یا کمیسیون های مجلس اسلامی شرکت نمایند.

بند ۵- در صورت نیاز و درخواست مجلس، متن مذاکرات شورا در بررسی مصوبات مجلس، می تواند در اختیار کمیسیون مربوط قرار گیرد.

بند ۶- مصوبات شورا حداقل پنج رأی هم سان را لازم دارد و نظریه مخالفت و مغایرت شورا باید مستند به این مجموعه قوانین اساسی باشد. در مورد انطباق مصوبات مجلس با موازین و احکام اولیه شرع اسلام و فقه شیعه، رأی سه عضو روحانی فقیه کفایت می کند. ممکن است دلایل و استنباط فقها در مورد عدم انطباق، در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی نباشد، در این صورت لازم است نظریه مخالفت همراه با تفصیل بیشتری به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.

اصل ۵۲- کمک به برون رفت کشور و نظام جمهوری اسلامی از بن بست ها در مواجهه با مشکلات قانون گذاری و اختلافات حل نشده بین مصوبات مجلس شورای اسلامی و نظرات شورای نگهبان قانون اساسی با استفاده از احکام ثانویه اسلامی و حکومتی و تشخیص مصلحت نظام در هر مقطع زمانی، بررسی و اتخاذ تصمیم با اجازه و به نیابت از رهبری، ارائه نظرات مشورتی به ایشان در موارد ارجاعی، تدوین برخی راهبردها، سیاست ها، شاخص ها و خطوط راهنما در رویارویی نظام با پدیده های نوین و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی، بمنظور رعایت و تأثیرگذاری آن ها در تصویب برنامه های بلندمدت و سالانه کشور و تصویب قوانین و به دولت، برای برنامه ریزی بهتر و استفاده در تهیه لوایح و یا به قوه قضائیه، برای کمک به تسریع و تسهیل اجرای عدالت و احقاق حقوق شهروندان، وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشند.

بند ۱- این مجمع زیر نظر رهبری است و مسئولیت حسن عملکردهای آن با ایشان می باشد. رئیس و دبیر آن را رهبری برای مدت پنج سال منصوب می کند. مجمع دارای دو نوع عضو حقوقی و حقیقی است که اعضای حقیقی آن توسط رهبر برای مدت پنج سال انتخاب می شوند. اعضای حقوقی آن عبارتند از: رئیس جمهور و معاون اول ایشان، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه

قضائیه، رئیس شورای عالی امنیت ملی و نظارت بر اجرای قانون اساسی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، رؤسای جمهور دو دوره قبل، رئیس شورای نگهبان همراه با یک روحانی فقیه و یک حقوقدان عضو آن شورا، وزیر (وزرای) مرتبط با موضوع بحث، رئیس و دو عضو کمیسیون مجلس شورای اسلامی مرتبط با موضوع بحث، دبیر مجمع، رؤسای دو حزب اول و دوم کشور، رئیس شورای عالی فرهنگ عمومی. ترکیب اعضای حقیقی عبارتند از: دو نفر از بین نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی، سه نفر روحانی با گرایش فقه و حقوق، اقتصاد و علوم سیاسی دارای مدرک دکتری علوم دینی، سه نفر حقوقدان، اقتصاددان و سیاستمدار دارای مدرک دکتری دانشگاهی، دو نفر از بانوان دارای مدرک دکتری علوم دینی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دانشگاهی، دو نفر از برجستگان و نخبگان فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی جوان دارای مدرک دکتری. مدت عضویت اعضای حقوقی تا زمانی است که شرایط انتخاب حقوقی برای آنها همچنان وجود داشته باشد. رهبری می‌تواند تعداد اعضای حقیقی را تا پنج نفر دیگر افزایش دهد.

بند ۲- ساختار دبیرخانه و برنامه‌های سالانه مجمع باید توسط مجلس شورای اسلامی مصوب شوند.

بند ۳- موضوعیت دستور کار مجمع یا از طرف رهبری و یا موصوباتی مجلس شورای اسلامی است که دارای ایرادات شورای نگهبان می‌باشد. مجمع مجاز نیست غیر از درخواست‌های این دو مسیر، در مورد سایر موضوعات مطروحه در کشور اظهار نظر و یا مصوبه‌ای داشته باشد.

بند ۵- با توجه به بند ۲۵ اصل ۵۰، جوابیه مجمع به مجلس می‌تواند شامل چند حالت باشد، حالت اول: همه و یا تعدادی از اشکالات شورای نگهبان درست هستند، در این حالت مصوبه قابلیت اجرا ندارد. حالت دوم: همه اشکالات شورای نگهبان نادرست هستند، در این حالت مصوبه عیناً توسط مجلس برای اجرا ابلاغ می‌شود. حالت سوم: برخی از اشکالات درست هستند و مجمع برای اصلاح موارد نادرست پیشنهادهای داشته باشد، در این حالت لازم است پیشنهادهای مجمع در کمیسیون‌های مجلس بررسی شوند و پس از انجام هر گونه اصلاح، فقط آن موارد اصلاح شده دوباره در صحن علنی نظرسنجی می‌شوند و در صورت احراز رأی کافی، دوباره به شورای نگهبان ارسال می‌شود.

بند ۶- مجمع برای تصمیم‌گیری بهینه، تشخیص موارد صلاح کشور و یا ارائه مشاوره‌های کارآمد و پیشرو به رهبری، لازم است همواره از مباحث علمی و یا تجربیات دیگر جوامع بطور روزآمد آگاهی داشته باشد. بدین لحاظ لازم است زیر نظر دبیرخانه شورا، هسته‌های علمی مرتبط با بخش‌های علمی و دانشگاهی، اعضای مجمع را در تصمیم‌گیری یاری کنند. این هسته‌ها تنها مرجع دولتی هستند که می‌توانند درباره موضوعاتی مانند: خلأها و نواقص احتمالی در این مجموعه قوانین اساسی و چگونگی اصلاح و بازنگری در آن، کنکاش در گره‌های ساختاری نظام، تدوین احکام و راهبردهای حکومتی، بررسی شیوه‌های حکمرانی همگام با مقتضیات زمان، تدوین سیاست‌ها، اهداف کلان و راهبردهای الگوهای ایرانی-اسلامی پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، نیازها و عناوین پژوهشی استخراج و بصورت برون‌سپاری آنها را پیگیری نمایند و لازم است نتایج این پژوهش‌ها در اختیار عموم و بویژه اندیشمندان کشور قرار گیرد.

اصل ۵۳- انتخاب رهبر کشور برای مدت تعیین شده، نظارت بر عملکرد ایشان و تصمیم‌گیری برای عزل و انتخاب رهبر بعدی، وظایف مجلس خبرگان رهبری می‌باشد.

بند ۱- این مجلس دارای ۱۰۰ عضو می‌باشد که تعداد ۷۰ نفر آنها روحانی و ۳۰ نفر غیرروحانی خبره خواهند بود. از این تعداد، برای شهر تهران تعداد ۷ روحانی و ۳ غیرروحانی خبره تعیین می‌گردد و برای سایر استان‌ها به نسبت جمعیت و با همین شیوه، افراد روحانی و غیرروحانی خبره تقسیم می‌شوند، ولی هر استان باید حداقل یک نماینده خبره روحانی و یک نماینده خبره

غیرروحانی در این مجلس داشته باشد. این تعداد نماینده تا سقف یکصد میلیون نفر جمعیت کشور ثابت می‌ماند، ولی پس از این میزان، برای هر دو میلیون نفر افزایش جمعیت در هر استان و یا شهر تهران، یک نفر روحانی و غیرروحانی خیره به تعداد نمایندگان این مجلس افزوده می‌شود. چگونگی توزیع نمایندگان مجلس خبرگان در استان‌ها، بعهده مجلس شورای اسلامی می‌باشد که در هر دوره، باید سهمیه هر استان را تعیین کنند.

بند ۲- طول دوره نمایندگی این مجلس هشت سال است و عضویت در این مجلس شغل محسوب نمی‌شود و هیچیک از نمایندگان دستمزدی بابت عضویت دریافت نمی‌کنند، ولی تأمین هزینه‌های تردد و جاری مجلس با دولت خواهد بود.

بند ۳- انتخابات مجلس خبرگان توسط دولت و بصورت استانی برگزار می‌شود. دولت موظف است این انتخابات را زمانی برگزار کند که دو ماه قبل از اتمام دوره فعلی، کل اعضای مجلس تعیین شده باشند. رأی لازم برای انتخاب شدن در مرحله اول، اکثریت مطلق و در مراحل بعدی، اکثریت نسبی تعیین می‌شود. هر فرد تنها می‌تواند سه دوره در مجلس خبرگان عضویت داشته باشد. حداقل سن برای نماینده شدن در این مجلس، چهل و حداکثر، هفتاد سال تعیین می‌شود. بدلیل اهمیت این شورا، نباید انتخابات آن همزمان با دیگر انتخابات انجام شود. در صورت مساوی بودن آراء، افراد منتخب با رأی اکثریت مطلق نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان مربوط تعیین می‌شوند.

بند ۴- افراد روحانی و یا غیرروحانی که از طرف رهبر در سایر نهادها منصوب هستند، در صورتی می‌توانند عضو مجلس خبرگان رهبری شوند که در هر مرحله از انتخابات، رأی اکثریت مطلق را کسب کرده باشند.

بند ۵- شرایط احراز خبرگی افراد روحانی عبارتند از: دارای مدرک دکترای علوم دینی، تأیید صریح فقیه بودن و دارای بینش سیاسی داشتن ایشان توسط سه نفر از آیات عظام (شیعه و یا اهل تسنن)، رهبری و یکی از آیات عظام (شیعه و یا اهل تسنن)، اعضای شورای نگهبان قانون اساسی بشرط حداقل پنج سال عضویت.

بند ۶- شرایط احراز خبرگی افراد غیرروحانی عبارتند از: دارای مدارک دکترای دانشگاهی در یکی از رشته‌های علوم سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی، دارای مدرک کارشناسی ارشد و حداقل پنج سال عضویت در هیئت‌رئیس احزاب رسمی کشور، دارای مدرک کارشناسی ارشد و دو دوره عضویت در مجلس شورای اسلامی، دارای مدرک کارشناسی ارشد و سابقه حداقل ۱۰ سال استانداری، دارای مدرک کارشناسی ارشد و سابقه حداقل ۱۰ سال در سمت وزارت، دارای مدرک کارشناسی ارشد و حداقل ۱۰ سال عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، دو دوره رئیس‌جمهور بودن، دارای مدرک کارشناسی ارشد و هشت سال معاون اول رئیس‌جمهور بودن.

بند ۷- هر شهروند با داشتن حداقل سن، بدون سوءسابقه قضایی و نداشتن شهرت بد، برخوردار از نعم بینایی، شنوایی و گویایی و دارای شرایط گفته شده در دو بند بالا می‌توانند با کسب رأی کافی عضو مجلس خبرگان رهبری شوند. مسئولیت تشخیص و تأیید شرایط گفته شده بر عهده شورای عالی هر استان می‌باشد و اگر کسی شبهه و اشکالی در درستی شرایط افراد تأیید شده داشته باشد، لازم است موارد را به دادستانی استان‌های مربوط اعلام نماید. در صورت احراز اشکال توسط دادستانی، مراتب به فرد اعلام و برکنار می‌شود. دادستانی‌های هر استان نیز موظف هستند اسامی همه افراد متقاضی برای انتخاب شدن را بارها برای نظارت عمومی و بروز اشکالات احتمالی برای عموم مردم آن استان اطلاع‌رسانی نمایند. لازم است دولت و دادستانی شرایط و وقت کافی اطلاع‌رسانی عمومی و مشارکت نظارتی مردمی را برای همه شهروندان فراهم نمایند.

بند ۸- انتخابات این مجلس توسط دولت انجام می‌شود و حداقل سن رأی‌دهندگان به این نمایندگان، هیجده سال تعیین می‌شود. دولت موظف است برای هر استان هیئت‌هایی متشکل از یک نماینده استانداری، دو نماینده از بین نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آن استان و یک نماینده از دادستانی تشکیل دهد تا به روند اجرای انتخابات نظارت داشته باشند. مسئولیت تأیید

صحت و درستی عملیات اجرایی انتخابات با این هیئت و مسئولیت تأیید سلامت انتخابات با دادستانی هر استان می‌باشد که تا دو هفته بعد از اتمام انتخابات فرصت دارد تا با رسیدگی به شکایات افراد حقیقی و یا حقوقی، سلامت انتخابات را تأیید نمایند. در هر صورت، با اعلام درستی و سلامت در هر حوزه استانی، انتخابات آن قابل قبول خواهد بود و در صورت احراز این دو شرط در هر استان، دولت موظف است بلافاصله اعتبارنامه نمایندگان انتخاب شده را صادر و به مجلس خبرگان رهبری فعلی ارسال نماید.

بند ۹- در صورت انتخاب همه اعضای این مجلس، اولین نشست برگزار می‌شود. در این نشست، پنج نفر اعضای هیئت رئیسه (سه نفر روحانی و دو نفر غیرروحانی) و اعضای کمیسیون‌ها برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. رئیس مجلس از بین روحانیون انتخاب می‌شود. این مجلس حداقل یک نشست عمومی دو روزه در هر سال خواهد داشت. جلسات عمومی مجلس خبرگان می‌تواند غیرعلنی هم برگزار شود. محل نشست‌ها، شهر قم تعیین می‌شود. بنابر درخواست رئیس، یا نایب رئیس و یا یکی از اعضای هیئت رئیسه (در صورت فقدان آن دو)، مجلس می‌تواند نشست فوری داشته باشد.

بند ۱۰- مجلس خبرگان باید در پایان هر نشست سالانه نظر خود را درباره سلامت جسمی و عملکرد رهبر و نهادهایی که مستقیماً زیر نظر رهبری اداره می‌شوند را به آگاهی عموم برسانند.

بند ۱۱- همه رأی‌گیری‌های مجلس خبرگان باید بطور مخفی صورت گیرد. رأی‌گیری درباره کلیات عملکرد رهبر باید در پایان هر نشست سالانه انجام شود و به آگاهی عموم برسد. آراء مثبت اکثریت مطلق قابل قبول می‌باشد. ولی چنانچه رأی اکثریت مطلق مثبت نباشد و یا در یک دوره مجلس خبرگان، تعداد آراء مثبت با اکثریت نسبی به سه عدد در سه نشست برسد، لازم است بلافاصله درباره عدم کفایت رهبر رأی‌گیری صورت گیرد. آراء لازم برای برکناری رهبر، اکثریت مطلق می‌باشد، ولی چنانچه تعداد آراء مثبت اکثریت نسبی در یک دوره به پنج عدد برسد، دیگر نیازی به رأی‌گیری برای عدم کفایت نمی‌باشد و از همان لحظه، رهبر وقت از سمت خود خلع‌ید می‌باشد.

بند ۱۲- در صورت فوت، احراز عدم توانائی جسمی و یا عقلی، عدم برخورداری از نعم بینایی، شنوایی، گویایی، دچار فراموشی شدن، ورود به سن هشتاد سالگی، تشخیص خارج شدن از مسیر عدالت و انصاف، کسب رأی عدم کفایت و یا خلع‌ید شدن رهبر وقت، لازم است مجلس خبرگان بلافاصله درباره تعیین رهبر بعدی تصمیم‌گیری نماید.

بند ۱۳- مجلس خبرگان رهبری در موعد مقرر از بین افراد واجد شرایط رهبری در کشور و یا از اعضای خود، یک نفر را با رأی هفتاد درصد برای رهبری انتخاب می‌کنند، اگر این میزان رأی برآورده نشوند، در مرحله بعد، بین دوره نفر اول دوباره رأی‌گیری می‌شود و در این مرحله، رأی اکثریت مطلق بودن کافی است. زمان نبودن رهبری تا تصمیم‌گیری رهبر جدید نباید بیش از سه روز بطول بیانجامد.

بند ۱۴- مجلس خبرگان در هر دوره، اگر صلاح بداند، می‌تواند تعداد سه نفر را بعنوان شورای رهبری موقت دارای اولویت برتر برای رهبری آینده، با رأی اکثریت نسبی برای یک دوره سه ساله، انتخاب نماید و در زمان مقرر از بین این سه تن برابر بند ۱۳، انتخاب رهبری صورت می‌گیرد. ولی همه مراحل انتخاب رهبر آینده باید در یک مجلس خبرگان باشد، حتی اگر لازم باشد که طول عمر مجلس فعلی برای تصمیم‌گیری نهایی حداکثر بمدت یک ماه تمدید شود.

بند ۱۵- در هیچ شرایطی شورایی شدن رهبری مجاز نمی‌باشد.

اصل ۵۴- برقراری عدالت و کمک به افزایش آسایش روانی جامعه از طریق رسیدگی به دعاوی افراد حقیقی و حقوقی و صدور احکام لازم، مسئولیت دفاع و اکتیاف حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندان، مرجع رسیدگی به دعاوی بین نهادهای رسمی و تفسیر قوانین قضایی و تطبیق قوانین اداری با مصادیق اجرایی، مسئول تشکیل دادگاه‌ها و امور دادرسی در زمینه‌های

تخصصی مورد نیاز جامعه، اعمال احکام صادره، اداره امور زندان‌ها، تدوین لوایح قضایی، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف در سایر نهادها و همکاری با این شوراها، همکاری با سایر نهادها در اعمال قوانین و مقررات، ایجاد وحدت رویه و قضاوت در همه محاکم قضایی و اجرای آموزش‌های دوره‌ای برای قضات و اشتراک‌گذاری تجربیات قضایی، کمک به افزایش آگاهی‌های عمومی در پیشگیری و امکان وقوع جرم، مدیریت حل و فصل دعاوی بین‌المللی و پیگیری حقوق شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور از جمله وظایف قوه مقننه کشور می‌باشد.

بند ۱- رئیس این قوه را رهبر از بین حقوق‌دان‌های دارای مدرک دکترای دانشگاهی و یا مدارس عالی علوم دینی و برای مدت چهار سال و حداکثر دو بار انتخاب می‌کند.

بند ۲- زیرمجموعه‌های اصلی این قوه عبارتند از: انواع دادگاه‌ها و دادسراهای عمومی، دیوان عالی، امور زندان‌ها، امور ضابطین، دادستانی‌ها، واحد اطلاعات قضایی، دادگاه‌ها و دادسراهای ویژه و پزشکی قانونی. ساختار هر یک از این زیرمجموعه‌ها را باید مجلس شورای اسلامی تصویب نماید.

بند ۳- این قوه باید بعد از یک بازه زمانی که مجلس آن را تصویب می‌کند، بصورت خوداتکایی اداره شود. این قوه مجاز است برای تأمین هزینه‌های قضایی خود مبالغی را از طرفین دعوی بطور منصفانه اخذ نماید. میزان این هزینه‌ها باید متناسب با نوع و یا مبلغ دعوای طرفین باشد. در مواردی که شاکی دولت و یا مدعی‌العموم و دادستانی باشند، اگر طرف خصوصی محکوم شود، باید همه هزینه‌ها را بپردازد. در صورتی که طرفین دعوی نهادهای دولتی باشند، هزینه‌ای دریافت نمی‌شود. در مواردی که شاکی خصوصی باشد و طرف دولت محکوم نشود، شاکی خصوصی باید هزینه‌های دادرسی را بپردازد. دریافت هزینه‌های قضایی باید بعد از اتمام کار قضایی و صدور حکم صورت گیرد. هر طرف که باید هزینه قضایی را بپردازد، بدهکار به این قوه تلقی شده و قاضی می‌تواند برای دریافت این هزینه از حکم فروش و مصادره اموال فرد بدهکار تا دریافت بصورت تقسیط، با رعایت انصاف، حکم صادر نماید. این قوه موظف است میزان و چگونگی دریافت هزینه‌های قضایی را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند.

بند ۴- این قوه اجازه قانون‌گذاری ندارد و باید همه نیازهای قضایی کشور و مجوزهای قانونی خود را از طریق تدوین لوایح و ارسال مستقیم آن‌ها به مجلس شورای اسلامی برای تصویب، برآورده نماید.

بند ۵- ضابطین این قوه تنها با مجوز دادستانی‌ها و یا قضات می‌توانند به حریم خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی جهت بازرسی، بازدید، جمع‌آوری مدارک و شواهد وارد شوند و یا بطور موقت اموال و دارائی‌های آنان و حتی اشخاص حقیقی و حقوقی را بازداشت و یا ممنوع‌الخروج و ممنوع‌المعامله نمایند.

بند ۶- حداکثر زمان بازداشت موقت افراد بیست روز تعیین می‌شود، ولی محل نگهداری این افراد پس از ۲۴ ساعت، حتماً باید در زندان مخصوص موقتی‌ها باشد تا مراحل بازرسی و تحقیق کامل شود. دادستانی و یا قاضی می‌توانند زمان بازداشت موقت را حداکثر ده روز دیگر تمدید کنند. پس از اتمام این مدت، فرد بازداشت شده یا باید تبرئه شود و یا بصورت مشروط و بدون وثیقه و با قراردایی مانند ممنوع‌الخروج یا ممنوع‌المعامله شدن و یا تحت نظر بودن، آزاد شود و یا کلاً حکم مقتضی برای مجازات اثبات شده ایشانش توسط قاضی صادر شود. مدت زمان بازداشت موقت، جزو مدت زمان زندانی محسوب می‌شود. بازداشت موقت برای این مدت قابل اعتراض نمی‌باشد، ولی چنانچه حکم برائت برای فرد بازداشت شده صادر شود، طرف دعوی حقیقی باید دو برابر خسارات مستقیم و یا غیرمستقیم مادی وارده به فرد مزبور و کل هزینه دادرسی را بپردازد و اگر طرف دعوی حقوقی باشد، میزان پرداختی، معادل آن خسارات تعیین می‌گردد و دادرسی هزینه‌ای نخواهد داشت. بازداشت موقت تحت هر شرایطی بیش از مدت‌های گفته شده، نوعی جرم بوده و اگر عمدی تلقی شود، کمترین مجازات افراد خاطی برکناری و پرداخت همه خسارات به فرد بازداشت‌شده می‌باشد.

بند ۷- شنود، پایش و امور اطلاعاتی نامحسوس، غیر آشکار و اقداماتی مانند این‌ها، فقط و فقط با مجوز بالاترین رده واحد اطلاعات این قوه در مراکز استان‌ها امکان‌پذیر است. ولی هرگونه عملیات آشکار، دستگیری و بازداشت موقت اشخاص و یا اموال باید برابر بندهای ۵ و ۶ عمل شود. اختیارات و عملیات واحد اطلاعات این قوه فقط در حدی است که خروجی و دستاوردهای آن برای کمک به تشخیص قضات و یا برای دادستانی‌ها باشد. تداخل و عملیات در سایر حوزه‌های اطلاعاتی کشور برای این واحد ممنوع می‌باشد.

بند ۸- هیچ فرد حقیقی و یا حقوقی نمی‌تواند درباره چگونگی و نوع حکم صادره توسط قاضی، ایشان را مورد سؤال، بازجویی، شمات، اعمال فشار روحی و روانی و نظر، تهدید و ارباب مالی، جانی و شغلی و یا پیگرد حقوقی و قضایی قرار دهد. دادسرا و دادگاه‌های ویژه قضات تنها مرجعی هستند که مجازند بعد از صدور حکم، بنابر درخواست یکی از طرفین دعوی، یا رئیس دادگاه تجدیدنظر و یا رئیس قوه، پرونده مورد دعوی و حکم را با احتمال تبانی قاضی مورد رسیدگی قرار دهند. کمترین مجازات برای کمترین میزان تبانی یک قاضی، برکناری همیشگی از سمت قضاوت تا اخراج از قوه و تنبیه قضایی خواهد بود. ولی در هر صورت، جبران خسارات وارده به طرف دعوای زیان‌دیده، برعهده قاضی خطاکار و قوه می‌باشد.

بند ۹- گزینش و استخدام آزمایشی قضات از بین برترین فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد دانشگاهی و یا مدارس عالی علوم دینی در رشته‌های حقوق انجام می‌گیرد و در صورت لازم، آزمون سراسری ملاک انتخاب خواهد بود. محل شغل قضات بصورت دوره‌ای و حداکثر ۵ ساله می‌باشد و بعد از این مدت لازم است جابجا شوند و در صورت لازم، حتی به شهرهای دیگر منتقل شوند، بطوری که این قوه در شهرهای دور از مراکز استان‌ها نیز امکان خدمت بهینه را داشته باشد. قوه قضائیه موظف است امکان آسایش و رفاه نسبی قضات در این نقل‌انقالات، بویژه مسکن مناسب را برای ایشان فراهم نماید. این قوه همچنین موظف است تمهیدات لازم برای تأمین امنیت جانی قضات را بکار گیرد.

بند ۱۰- هر طرف دعوی حق دارد بعد از صدور حکم دادگاه، یکبار تقاضای تجدیدنظر داشته باشد و هیچ دادگاهی نمی‌تواند بدون صدور حکم، پایان یابد.

بند ۱۱- جلسات همه دادگاه‌ها علنی است، مگر آن که طرفین آن خصوصی باشند و هر دو تقاضای غیرعلنی بودن داشته باشند و یا چنانچه در مضامین و محتوای هر دادرسی، امکان افشا و توضیحات اعمال منافی عفت عمومی، موارد امنیتی، نظامی و یا جاسوسی و اطلاعاتی کشور باشد. تشخیص این موارد با قاضی است.

بند ۱۲- دادگاه‌های ویژه مانند جرائم مطبوعاتی، رسانه‌ای و سیاسی، باید با حضور هیئت‌منصفه چهار نفره و علنی تشکیل شود و حکم صادره حداقل باید با رأی چهار نفر باشد. اعضای هیئت‌منصفه شامل دو نفر نماینده از نهاد و یا صنف مربوط و دو نفر حقوق‌دان دارای حداقل مدرک کارشناسی‌ارشد مرتبط (با انتخاب رئیس قوه) می‌باشد. این اعضاء برای مدت چهار سال و حداکثر برای دو دوره انتخاب می‌شوند. حق‌الزحمه این افراد توسط مجلس در صورت‌هزینه‌های این قوه تعیین می‌شود. قوه قضائیه موظف است لوایح جرائم مربوط به دادگاه‌های ویژه را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند.

بند ۱۳- داشتن وکیل اعم از تسخیری و یا غیر آن برای خوانده و متهم از ابتدای مرحله بازپرسی و بازجویی‌های اولیه و تحقیقات (بشرط آن که محل امر تحقیقات نباشد)، تا صدور حکم اولیه و یا تجدیدنظر، جزو حقوق اساسی همه شهروندان در امور قضایی کیفری و حقوقی است. تشخیص عدم استطاعت مالی برای داشتن وکیل تسخیری، برعهده قاضی است و ایشان موظف است شرایط را برای وجود وکیل در حین تحقیقات و دادرسی فراهم نماید. بازجویی بدون حضور وکیل مجاز نمی‌باشد، مگر آن که متهم خودش تمایلی به حضور وکیل نداشته باشد. هزینه وکیل تسخیری برعهده قوه قضائیه است که با سایر هزینه‌ها در انتهای دادرسی مانند بندهای ۵ و ۶ عمل می‌شود.

بند ۱۴- اعمال هرگونه اقدام آزاردهنده روانی، روحی و جسمی برای اقرار به هر موضوعی، ممنوع و حداقل مجازات عاملین در این زمینه، اخراج از سمت و شغل می‌باشد و هرگونه سند تنظیم شده مبتنی بر آزار باطل و فاقد اعتبار است.

بند ۱۵- حکم اعدام در کشور براساس دین اسلام مجاز است و احکام آن‌ها باید توسط دیوان عالی تأیید شود. برای عمدی محسوب شدن قتل نفس، باید ثابت شود که قاتل سابقه شرارت داشته و با قصد و نیت قبلی بوده است. کشته شدن ناشی از سوانح رانندگی در هر صورتی قتل عمد محسوب نمی‌شود، مگر آن که با قصد و نیت قبلی بوده باشد. چنانچه قتل نفس عمدی و قاتل سرپرست خانواده باشد و اولیای دم اصرار بر اجرای قصاص نفس داشته باشند، باید دیه کامل فرد قاتل را به خانواده ایشان بپردازند. حکم اعدام برای مرتکبین تولید، حمل و توزیع، واردات، خرید و فروش مواد مخدر طبیعی و یا مصنوعی مجاز می‌باشد و چگونگی آن را قوانین عادی تعیین می‌کند، ولی چنانچه این افراد سرپرست خانواده باشند، قوه قضائیه موظف است دیه این افراد را به خانواده آنان بپردازد.

بند ۱۶- مفاسد اقتصادی بهر میزانی و نوعی که باشد، از جمله مصادیق اعدام محسوب نمی‌شود، ولی قضات می‌توانند علاوه بر رد مال، تا سقف ده برابر میزان مفسده، افراد را جریمه نمایند.

بند ۱۷- قوه قضائیه و قضات موظف هستند تا از جریمه زندانی شدن بپرهیزند و موارد تنبیهی مانند تبعید، انجام کارهای سخت، حصر خانگی، خدمت در مراکز نگهداری از معلولین و سالمندان، انجام خدمات شهری، آبادانی و درختکاری، خدمت و آموزش در مناطق محروم و دورافتاده و یا مراکز عام‌المنفعه را جایگزین و یا مکمل مدت زندان نمایند.

بند ۱۸- شاخص‌های کاهش هزینه‌های دادرسی، کاهش زمان و افزایش کیفیت آن‌ها، معرف عملکرد سالانه این قوه می‌باشند. تنها در صورت مطلوب بودن شاخص‌ها بنابر تشخیص مجلس شورای اسلامی، امکان توسعه کمی دادگاه‌ها و افزایش تعداد قضات مجاز می‌باشد.

بند ۱۹- تمام قضات در طول دادرسی و جلسات دادگاه، باید لباسی متحدالشکل هماهنگ و برگرفته از فرهنگ بومی داشته باشند. بند ۲۰- در این قوه نظام اداری و استخدامی کارکنان باید تابع نظام هماهنگ کشوری باشد و در این شرایط، فقط حقوق ماهیانه قضات، پنجاه درصد بیشتر نسبت به سایر کارکنان دولت خواهد بود. هرگونه مجوز خاص دیگری در این زمینه تنها با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز می‌باشد.

بند ۲۱- جرم آمرین مستقیم (با هر شخصیت حقیقی و یا حقوقی) به آزار، جراحت و قتل هر فرد، همانند عاملین آن‌ها می‌باشد. بند ۲۲- ورود نیروهای نظامی و انتظامی به دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی جرم محسوب می‌شود، مگر آن که دادستانی مرکز استان، مجوز صادر کرده باشد.

بند ۲۳- امور قضایی افراد دو تابعیتی، برابر قوانین کشور صورت می‌گیرد.

بند ۲۴- وکالت هم نوعی فعالیت اقتصادی است. همه شهروندان زن یا مرد با داشتن مدرک حداقل کارشناسی ارشد دانشگاهی و یا از مراکز عالی علوم دینی، می‌توانند در یک یا چند موضوع وکیل دعاوی باشند. کانون وکلای هر استان عضوی از سازمان اصناف آن استان و تابع مقررات عمومی آن سازمان می‌باشند. استانداران موظف هستند بر انتخاب اعضای کانون وکلای استان نظارت و همکاری داشته باشند. انتخاب‌کنندگان اعضای کانون وکلای هر استان باید حداقل دارای مدارک کارشناسی حقوق و مقیم آن استان باشند. زمینه تخصصی وکالت برای فعالیت اقتصادی را، کانون وکلای هر استان تعیین می‌نماید که می‌تواند براساس رشته تحصیلی و یا آزمون‌های استانی باشد. برای دارندگان مدرک دکتری، نیازی به آزمون نیست، ولی زمینه تخصصی ایشان را باید کانون وکلای استان مشخص نماید. شرط فعالیت وکلا، داشتن گواهی تخصصی از کانون وکلای استان و شماره اقتصادی مالیاتی

می‌باشد. گواهی تخصصی کانون و یا مجوز وکلای هر استان فقط برای همان استان اعتبار دارد، مگر آن که حداقل ۵ سال سابقه وکالت مؤثر در آن استان را داشته باشد.

بند ۲۵- تعیین حق‌الزحمه مشاوره و یا وکالت کامل امور قضایی موکل در هر استان، با الگوگیری از کانون وکلای کشور و همچنین نظارت بر عملکرد وکلا و رسیدگی به شکایات، برعهده کانون وکلای هر استان می‌باشد. پرداخت حق‌الزحمه وکیل بترتیب ۲۰ در صد در ابتدا، ۳۰ در صد در حین و الباقی پس از صدور و منوط به موفقیت در احقاق حق کامل مورد توافق با موکل می‌باشد. میزان دریافتی وکلا متناسب با موضوع و میزان مالی دادرسی برابر با الگوی گفته شده، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده باشد. گزارش و پرداخت مالیات وکلا تابع مقررات مالیاتی کشور می‌باشد.

بند ۲۶- کانون وکلای کشوری موظف است آئین‌نامه درجه‌بندی وکلا و چگونگی ابطال گواهی فعالیت آن‌ها را برای کل کشور تصویب کند. وکلا موظف هستند در محاکم قضایی و جلسات دادگاه‌ها از لباس‌های متحدالشکلی استفاده نمایند.

بند ۲۷- قوه قضائیه باید زمینه‌های رشد و همکاری زنان را در این نهاد در همه سطوح افزایش دهد. اخذ مشاوره قضایی زنان برای صدور حکم در همه دادگاه‌های مرتبط با خانواده، لازم است.

بند ۲۸- تشخیص کفایت شهادت دو زن و یا یک مرد همراه با یک زن، با توجه به موضوع دعوی و جمیع جهات، با قاضی است.

بند ۲۹- میزان دیه همه شهروندان از هر نوع جنس، سن، مذهب و در طول ماه‌های سال با یکدیگر برابر می‌باشد و لازم است قوانین عادی بر این اساس بازنگری شوند.

بند ۳۰- واحد امور بین‌الملل این قوه موظف است دعاوی حقوقی و قضایی کشور را با هماهنگی وزارت خارجه مدیریت نماید. پیگیری قضایی و حمایت از حقوق شهروندان ایرانی در خارج از کشور، تعامل، همکاری و پاسخگویی در قبال سازمان‌های مدعی حقوق بشر نیز از جمله وظایف این واحد می‌باشد.

بند ۳۱- جرائم عادی اعضای دولت، نمایندگان مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاونین ایشان، رهبری و نمایندگان ایشان در نهادها و سایر مسئولین کشور، می‌تواند در زمان تصدی آن‌ها در دادگاه‌ها مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد.

بند ۳۲- استناد به قانونی که در زمان وقوع عملی جرم محسوب نمی‌شده است (عطف به ماسبق)، مجاز نمی‌باشد.

بند ۳۳- چنانچه بعد از اجرای حکم قاضی مشخص گردید که آن حکم اشتباه بوده، قوه قضائیه موظف است خسارت مادی و معنوی برای فرد زیان‌دیده را جبران نماید.

اصل ۵۵- مسئولیت تدوین برنامه‌های کلان توسعه و پیشرفت چند و یک ساله اجرایی کشور و برنامه‌ریزی برای اجرای آن‌ها، کارفرمایی برخی امور اجرائی، مدیریت، همکاری و نظارت بر نهادهای رسمی اجرائی مندرج در این مجموعه قوانین اساسی و مراقبت و ممانعت از ایجاد سازوکارها و نهادهای موازی اجرایی با آن‌ها در کشور، مشارکت و همکاری با این نهادها در امر انواع سیاستگذاری‌های اقتصادی، فرهنگی، توسعه سیاسی و مردم‌سالاری و هماهنگ‌کنندگی و تنظیم‌گری روابط بین آن‌ها، مدیریت بر استفاده بهینه از منابع و ذخائر مادی و طبیعی و محیط‌زیست کشور، ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با همه کشورهای و انعقاد انواع پیمان‌ها و تعهدات بین‌المللی در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی، اهتمام در جهت کارآمدی نظام اجرایی کشور با استقرار دولت الکترونیکی و کاهش قوانین و رفع موانع اجرایی، تأمین امنیت اجتماعی و سیاسی، برقراری نظام سلامت و آموزش همگانی و رایگان برای همه شهروندان کشور، حمایت از نظام نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان در کشور، برگزاری بموقع و درست انتخابات سراسری و صدور گواهی نمایندگان منتخب در مجالس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، نظارت و همکاری در برگزاری انواع انتخابات لازم برای نهادهای رسمی مندرج در این مجموعه قوانین اساسی، مدیریت ویژه امور اجرایی

منطقه‌ای و یا سراسری بحران در کشور، پیاده‌سازی و حمایت از حقوق شهروندی، مدیریت و سیاستگذاری کلان توسعه متوازن و عادلانه روستاها و شهرها و استان‌ها و منطقه‌ای و بین استان‌ها و تدوین برنامه آمایش سرزمینی کشور، برنامه‌ریزی ویژه برای توسعه بنادر، مناطق کم‌برخوردار و مرزنشینان کشور، اهتمام ویژه برای اجرای برنامه‌های حفظ منابع آبی، خاکی، رفع آلودگی هوا و بیابان‌زدایی، مسئولیت نیل به سمت فقرزدایی مطلق و حمایت از اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر اقتصادی در کشور، نمایندگی مصرف‌کنندگان کالاها در همه اصناف، تدوین لوایح برای پیشبرد امور اجرایی کشور در چارچوب این مجموعه قوانین اساسی و اجرای آن‌ها برابر مصوبه مجلس شورای اسلامی، مسئول اجرایی شدن همه اصول و بندهای این مجموعه قوانین اساسی و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، حمایت از طرح‌های علمی و فناوری‌های بسیار پیشرفته و جسورانه، حمایت از اقتصاد مردم‌بنیاد و بستر سازی برای سرمایه‌گذاری عموم مردم در طرح‌های ملی، گسترش راه‌های ارتباطی زمینی، ریلی، دریایی، هوایی، مخابراتی و فضای مجازی، انجام امور اطلاعاتی امنیتی داخلی و همکاری در موارد خارجی همین زمینه با نیروهای مسلح، وظایف نهاد دولت می‌باشد.

بند ۱- رئیس‌جمهور (اعم از زن یا مرد)، با رأی مستقیم اکثریت مطلق مردم (و در دور دوم با اکثریت نسبی)، برای مدت چهار سال و حداکثر برای دو بار امکان انتخاب دارد، بشرط آن که سن ایشان از ۷۵ سال بیشتر نباشد. رئیس‌جمهور و معاون اول ایشان که با رأی اکثریت مطلق مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شود و همچنین مجموعه معاونین و وزرای انتخابی توسط ایشان، دولت نامیده می‌شوند. مسئولیت و اختیارات معاون اول همانند رئیس‌جمهور ولی در ذیل ایشان می‌باشد. حکم رئیس‌جمهور را رهبر تنفیذ می‌کند.

بند ۲- از جنبه مسئولیت، اختیارات، ساختار و پاسخگویی مستقیم به مجلس شورای اسلامی، تفاوتی بین معاونت و وزارت وجود ندارد. رئیس‌جمهور مختار است به مقتضای زمان و ضرورت، برای اجرای برنامه‌های خود، یکی از این دو نوع سمت را برای پیشبرد امور کشور انتخاب نماید. معاونت‌ها و وزارتخانه‌های لازم عبارتند از: امور خارجه، کشور، امور اقتصادی و دارائی، صنعت، معدن و تجارت (صمت)، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، علمی و نوآوری، دادگستری و حقوقی، امور فرهنگی و ورزشی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دفاع، اطلاعات، منابع انسانی و برنامه و بودجه، نفت، نیرو، راه و شهرسازی، کشاورزی و دامپروری. رئیس‌جمهور در انتخاب وزرا و معاونین خود کاملاً آزاد بوده و در هیچ موردی نیاز به مجوز، تأیید و یا هماهنگی با هیچ نهاد، رهبری و مجلس شورای اسلامی ندارد، ولی لازم است در همان نخستین روز کاری خود، اسامی و کارنامه گذشته وزرای خود را به رهبری و مجلس شورای ارسال نماید. رئیس‌جمهور، سؤال و پاسخگویی رئیس‌جمهور، وزرا و معاونین ایشان توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، باید فقط برابر این مجموعه قوانین اساسی باشد.

بند ۳- رئیس‌جمهور می‌تواند حداکثر پنج مشاور یا دستیار و یک دبیر برای امور دفتری و هماهنگی نهاد ریاست جمهوری داشته باشد. ساختار نهاد ریاست جمهوری و همه معاونت‌ها و وزارتخانه‌ها را باید مجلس مصوب نماید و دولت مجاز نیست بغیر از نهادهایی که این مجموعه قوانین اساسی مشخص کرده است، سازوکار و یا سازمان جدیدی برای خودش ایجاد کند.

بند ۴- دولت مجاز نیست در بازار مداخله کند، مگر آن که وضعیت اضطراری، نوع، میزان و مدت مداخله را مجلس شورای اسلامی تعیین کرده باشد.

بند ۵- دولت نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای بتنهایی سیاست‌گذاری کند، بلکه در این موارد باید برابر اصل ۲۷ و بندهای آن و یا در تعامل با سایر نهادهای رسمی کشور اقدام نماید.

بند ۶- دولت مجاز به بنگاهداری نمی‌باشد، بلکه موظف است برابر اصول و بندهای این مجموعه قوانین اساسی در امور مختلف سرمایه‌گذاری نماید. دولت موظف است در مدت حداکثر سه سال، همه شرکت‌های وابسته به خود و یا سازمان‌های دولتی را به

بخش خصوصی، برابر اصول راهنمای این مجموعه قوانین اساسی، واگذار نماید و به بنگاهداری خود خاتمه دهد و لازم است نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی بطور ویژه بر روند واگذاری‌ها نظارت و آن‌ها را تأیید نمایند.

بند ۷- مسئولیت ایجاد و شیوع رانت و فساد اداری و اقتصادی در کشور دولت می‌باشد و لازم است با تدوین لوایحی برای شفافیت و یا کاهش قوانین، نظارت و کنترل عملکرد سایر نهادها، شاخص‌گذاری برای دستاوردهای همه نهادها و طراحی تله‌های اداری و اقتصادی برای کشف مفاصد و رانت‌خواری، استفاده از شیوه‌های نوین پردازش اطلاعات، بکارگیری شایستگان و جوانگرایی، از ایجاد و یا رشد سرطانی فساد نظام‌مند جلوگیری نماید.

بند ۸- وظایف عموم زیرمجموعه‌های دولت در اصول و بندهای این مجموعه قوانین اساسی بصورت پراکنده بیان شده است. هر یک از مجموعه‌ها لازم است برابر آن وظایف و موارد دیگر گفته شده در این اصل، تکالیف خود را مدون و در قالب برنامه‌های سالانه در مقابل مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشند.

بند ۹- هیچ یک از اعضای دولت و یا سایر شهروندان که کارمندان دولت محسوب می‌شوند، مجاز به دریافت حق‌الزحمه برای عضویت و یا شرکت در شوراها و مجامع وابسته به دولت و یا سایر نهادهای خصوصی که به نمایندگی دولت موظف به شرکت در آن‌ها هستند، نمی‌باشند.

بند ۱۰- هیچ یک از کارکنان دولت مجاز نیستند در طول دوران خدمت خود عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های خصوصی باشند، ولی داشتن سهام این شرکت‌ها تا سقف ۱۵ درصد برای آنان مانعی ندارد.

بند ۱۱- معافیت مالیاتی فقط برای حقوق‌های کم (که مجلس شورای اسلامی میزان آن را در هر سال تعیین می‌کند) و مواردی که این مجموعه قوانین اساسی تعیین کرده، مجاز است و هیچ فرد و یا نهاد دیگری مجاز به عدم پرداخت مالیات نمی‌باشد. ضریب اخذ مالیات اولاً نباید در همه مشاغل و اصناف و در همه مراکز اقتصادی یکسان باشد و ثانیاً در هر مقوله هم متناسب با میزان افزایش سود، باید بصورت پلکانی افزایش یابند. کمترین و بیشترین ضریب اخذ مالیات، برای تولیدکنندگان داخلی ۵-۱۰ درصد، برای فعالیت‌های واسطه‌ای، توزیع داخلی و واردات کالاهای غیراساسی و مانند این‌ها، میزان ۲۰-۳۰ درصد تعیین می‌شوند. دولت موظف است برای همه مشاغل و صنوف این ضرایب را تعیین و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. ثبات این ضرایب سه ساله بوده و دولت بعد از آن زمان می‌تواند با تأیید آن مجلس، در آن‌ها تغییر و افزایش دهد.

بند ۱۲- دولت باید از تمام ظرفیت و اختیارات خود برای محرومیت‌زدایی و کم کردن فاصله طبقاتی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تلاش نماید و پیشرفت کشور در این زمینه را با آمار و شاخص‌ها به مجلس شورای اسلامی و عموم مردم گزارش نماید.

بند ۱۳- دولت موظف است ظرف مدت پنج سال همه حامل‌های انرژی و آب مصرفی را تا سقف هشتاد درصد ارزش جهانی آن‌ها، در اختیار همه مصرف‌کنندگان حقیقی و حقوقی قرار دهد.

بند ۱۴- دولت مسئول تأمین کالاهای اساسی و عمومی برای کشور نیست و نمی‌تواند شخصاً اقدام به واردات این کالاها نماید، بلکه این امر برعهده بخش خصوصی است و لازم است دولت بر این امر تنها نظارت داشته باشد.

بند ۱۵- درآمدهای ناشی از منابع نفت و پتروشیمی در اختیار دولت بوده و لازم است در زمینه‌های: سرمایه‌گذاری مجدد برای رشد همان صنایع، تقویت صندوق ذخیره ارزی، هزینه‌های امور زیربنایی اقتصادی و سایر تکالیف دولت که در این مجموعه قوانین اساسی دیده شده، هزینه شود و همه این موارد باید با تأیید مجلس شورای اسلامی باشد. برداشت از صندوق ذخیره ارزی فقط با رأی اکثریت مطلق مجلس مجاز خواهد بود.

بند ۱۶- دولت موظف است میزان عوارض گمرگی دریافتی از هر کالا را، برابر بند ۲ اصل ۲۷، با ایجاد صندوق‌های پیوند، فقط برای توسعه کمی و کیفی صنف همان کالا هزینه نماید.

بند ۱۷- تدوین برنامه‌های درازمدت و نظارت بر اجرای طرح‌های مرتبط با حفظ محیط‌زیست، بویژه آب و خاک و توسعه جنگل‌ها و زیست‌بوم‌های طبیعی، بر عهده دولت می‌باشد.

بند ۱۸- ایجاد اشتغال وظیفه دولت نیست، ولی حمایت مالی از افراد شاغلی که بیکار شده‌اند، برابر بند ۸ اصول ۱۸ و ۴۸، برعهده ایشان می‌باشد. علاوه بر این موارد، برای کسانی که دارای مدارک دانشگاهی و یا مدارس عالی علوم دینی باشند و بمدت دو سال موفق به اشتغال نشده باشند، دولت موظف است بمدت یکسال به افراد مجرد معادل یک چهارم و برای افراد متأهل نصف حقوق پایه را بپردازد. اگر مراکز اقتصادی متعهد شوند که از بین این افراد که حداقل دو ماه از این مزایا استفاده کرده‌اند، آن‌ها را حداقل برای دو سال بکارگیری نمایند، دولت تا همان سقف بمدت شش ماه، کمک مالی خود را به آن افراد ادامه می‌دهد و الباقی تا حقوق مصوب فرد، برعهده کارفرمای مربوط خواهد بود.

بند ۱۹- برچیدن تکدی‌گری بصورت عمومی و خشکاندن ریشه بهره‌کشی سازمان‌یافته از کودکان در این زمینه، زدودن اساسی این پدیده زشت اجتماعی و ناشایست از چهره کشور، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌هایی برای توانمندسازی این قشر محروم جامعه، از جمله وظایف دولت می‌باشد.

بند ۲۰- خرده‌فروشی در سطح شهرها مجاز نمی‌باشد. دولت موظف است در حاشیه هر شهر خرد و یا کلان، یک و یا چند مکان و در برخی ایام هفته، بازارهایی با انضباط و تحت نظارت برای خرده‌فروشی و یا عرضه مستقیم کالا توسط تولیدکنندگان جزء ایجاد کند. مکان‌های فروش بطور رایگان در اختیار خرده‌فروشان قرار می‌گیرد و دولت مجاز نیست در قیمت‌گذاری در این بازارها، مداخله‌ای داشته باشد و هر میزان فروش در این بازارها، فاقد هر گونه مالیات و عوارض خواهد بود.

بند ۲۱- مرزنشینان مجاز هستند در بازارچه‌هایی با نظارت و کنترل دولت، با شهروندان کشور همسایه، بدون پرداخت عوارض گمرکی، مبادرت به داد و ستد کالاهای مجاز نمایند، ولی فروش این کالاها به داخل کشور، مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود.

بند ۲۲- کلیه اموال کشف شده قاچاق توسط دولت و نیروی انتظامی، در اختیار سازمان اموال و احسان عمومی کشور قرار می‌گیرد و این سازمان مجاز است با قیمت‌گذاری مناسب آن کالاها را بفروشد و یا بین افراد محروم تحت پوشش خود، بطور رایگان توزیع نماید.

بند ۲۳- دولت، شهرداری‌ها و یا سایر نهادها، باید مروج و مشوق اخلاق، عفاف و حجاب در مراکز و اماکن عمومی باشند، ولی مجاز به مداخله در این امور نیستند. رسیدگی به ناهنجاری‌های اجتماعی در این موارد، برابر قوانین و با حفظ کرامت انسانی افراد، برعهده نیروی انتظامی خواهد بود.

بند ۲۴- ورود هر نوع مواد مخدر طبیعی و مصنوعی به کشور ممنوع است و دولت و نیروی انتظامی موظف به تحقق این امر می‌باشند. ایشان همچنین موظف هستند تا معتادین را از منظر عمومی خارج و یا در تجمعات خصوصی، دستگیر نمایند و در مراکز ویژه‌ای نسبت به درمان، توانمندسازی و احیای شخصیت اجتماعی آن‌ها اقدامات لازم را انجام دهند. دولت می‌تواند با فروش مواد مخدر کشف شده جهت امور درمانی به شرکت‌های دارویی داخلی و یا خارجی (با نظارت و رعایت مقررات بین‌المللی)، درآمد حاصله را در امر بازسازی معتادین هزینه و الباقی را نابود نماید.

بند ۲۵- روسپیگری معلول ناهنجاری‌های شناختی، اجتماعی و اقتصادی و در کشور ممنوع است. دولت و نیروی انتظامی موظف به جمع‌آوری ایشان هستند. تشخیص میزان تقصیر و یا قصور این افراد، احتمال توبه و اصلاح و بازگشت آن‌ها به جامعه، برعهده قاضی است. دولت و قوه قضائیه موظف هستند بطور مشترک نسبت به توانمندسازی و اصلاح این افراد همکاری لازم را داشته باشند.

بند ۲۶- ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در کشور ممنوع و دولت موظف است برای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، برابر با مفاد این مجموعه قوانین اساسی، حمایت و قانون‌زدائی لازم را بعمل آورد. همچنین دولت باید مناطق مصوب فعلی را به شهرک‌های مراکز اقتصادی و صنعتی تبدیل کند. در این راستا تعهدات قبلی آن مناطق با شرکت‌های خارجی، همچنان تا پایان زمان آن‌ها، قابلیت اجرا دارند. ولی در مورد تعهدات به شرکت‌های ایرانی، این تبدیل باید صورت گیرد، مگر در موارد استثنائی که مجلس شورای اسلامی آن را تأیید نماید.

بند ۲۷- دولت همواره باید تلاش کند تا فاصله بین تولید و توزیع انواع میوه و تره‌بار کاهش یابد و در این زمینه دولت موظف است در حاشیه هر شهر خرد و یا کلان، یک و یا چند مکان را بعنوان میادین میوه و تره‌بار تأسیس و با هماهنگی نهاد اصناف، بطور رایگان در اختیار تولیدکنندگان واقعی و یا تعاونی‌های صنفی آن‌ها قرار دهد. دولت حق مداخله و قیمت‌گذاری در این میادین را ندارد.

بند ۲۸- دولت موظف است در کاهش نظام اداری و ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی هر ساله مؤلفه‌های پیشرفت خود را به مجلس شورای اسلامی گزارش دهد.

بند ۲۹- دولت و هیچ نهاد دیگری نباید قوانین و یا مقرراتی تصویب کنند تا مانع افزایش حلال سرمایه اشخاص و یا مراکز اقتصادی شخصی و غیردولتی شود. ایجاد امنیت اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری و بویژه کارآفرینان در ساخت مراکز اقتصادی و صنعتی جدید و تقویت تولیدات داخلی، مهمترین وظیفه دولت‌هاست.

بند ۳۰- دولت مجاز نیست رأساً اقدام به تحقیقات و توسعه محصولات کشاورزی و دامپروری نماید. بلکه این کار جزو وظایف ذاتی دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان خصوصی می‌باشد. دولت موظف است فرآیند علمی و نوآوری را در این زمینه مدیریت و حمایت مالی نماید. همه امکانات فعلی در این زمینه باید به دانشگاه‌ها منتقل و یا در اختیار شرکت‌های مزبور قرار گیرند.

بند ۳۱- دولت موظف است عقب‌ماندگی کشور در زمینه علمی متالوژی و بویژه بومی سازی سوپرآلیاژها را، با مدیریت و حمایت مالی از دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، جبران نماید.

بند ۳۳- پرداخت حقوق و مزایا برای کلیه کارکنان و بازنشستگان دولت و کسانی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، باید یکسان و براساس نظام هماهنگ مصوب مجلس شورای اسلامی باشد. بیشترین میزان حقوق و مزایای کارکنان دولت نسبت به کمترین مقدار آن، هفت برابر تعیین می‌شود. حقوق و مزایای ماهیانه نیروهای مسلح بیست درصد نسبت به سایر کارکنان افزایش خواهد داشت و برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها مانند قضات (بند ۲۰ اصل ۵۴) می‌باشد.

بند ۳۴- سهم بودجه جاری شامل همه حقوق و سربارهای سازمان‌های دولتی برای اداره کشور، (بغیر از بودجه حمایت از پژوهش و بخش‌های امنیتی، دفاعی، آموزشی و سلامت)، نسبت به عمرانی، زیرساختی و امور توسعه‌ای، باید حداکثر پنج درصد باشد.

بند ۳۵- ضرائب عوامل مؤثر در اختصاص بودجه سرانه استان‌ها عبارتند از: ارزیابی عملکرد (۱)، محرومیت‌زدایی (۱،۲)، استان‌های مرزی (۱،۰۵)، زلزله‌خیزی (۱،۰۵)، مرز آبی (۱،۱)، کم‌آبی (۱،۱)، جمعیت (۱،۱)، مساحت (۱،۰۵)، اصلاحات زیستی (۱،۰۵). مقدار دقیق مجموع این ضرایب برای هر استان را سالانه مجلس شورای اسلامی تعیین می‌کند.

بند ۳۶- دولت موظف است بدهی خود را ماهیانه با جزئیات به آگاهی عموم برساند.

بند ۳۷- دولت تنها می‌تواند هر سازمان و شرکتی که بیش از پنجاه درصد سهم آن‌ها دولتی باشد را مورد حسابرسی قرار دهد.

بند ۳۸- امور اطلاعاتی و امنیتی داخلی مانند کشف مفاسد اقتصادی، پولشویی، رشوه، رانت، کلاهبرداری‌های عمومی، شناسائی باندهای مفاسد اجتماعی، اخلاقی و فرقه‌گرایی، از جمله وظایف دولت می‌باشد.

بند ۳۹- دولت می‌تواند به تبعه کشورهای دیگر پناهندگی سیاسی بدهد، منوط به آن که، بنابر ادعای کشور متبوعش و مقررات کشور، آن فرد مجرم تشخیص داده نشود و مرجع این تشخیص، قاضی می‌باشد.

بند ۴۰- اعطای حکم سفیر برای دیگر کشورها و یا پذیرفتن اعتبارنامه سفیران کشورهای دیگر، پس از معرفی وزارت امور خارجه، برعهده رئیس‌جمهور می‌باشد.

بند ۴۱- اعطای هرگونه نشان و یا دادن جوایز توسط رئیس‌جمهور برای کارمندان دولت ممنوع می‌باشد.

بند ۴۲- انعقاد انواع پیمان‌ها و تعهدات بین‌المللی با امضای رئیس‌جمهور سندیت و قابلیت اجرا خواهند داشت.

بند ۴۳- هیچ شهروند کارمند که از دولت و یا از بودجه عمومی کشور حقوق می‌گیرد، مجاز به داشتن شغل دوم نمی‌باشد.

بند ۴۴- در صورتی که بدلیل مریضی و حوادثی مانند این‌ها، رئیس‌جمهور نتواند به مدت سه ماه به وظایف خود عمل نماید، آن رئیس‌جمهور برکنار شده محسوب می‌شود و دولت موظف است در مدت دو ماه نسبت به برگزاری انتخابات اقدام نماید. در تمام این مدت، معاون اول رئیس‌جمهور وظایف رئیس‌جمهور را برعهده دارد، ولی ایشان اجازه برکناری وزرای فعلی و ترمیم کابینه و استانداران را نخواهد داشت و مجلس شورای اسلامی نیز نباید در این موارد اقداماتی داشته باشد.

بند ۴۵- تخلف مالیاتی نوعی جرم تلقی می‌شود و باید بعنوان سوء پیشینه در سوابق افراد در سامانه سازمان سامان‌دهی و هماهنگی اطلاعات و آمار کشور درج شود.

اصل ۵۶- استانداران عالی‌ترین مقام اجرایی دولت در استان‌ها و بالاترین مرجع تصمیم‌سازی در هر استان هستند. دولت و تمام نهادهای رسمی که در مراکز استان‌ها شعبه و یا اداره کل دارند، باید در امور اجرایی زیر نظر استانداران باشند. استانداران درباره عملکرد خود و نهادهای گفته شده در مقابل مجلس شورای اسلامی پاسخگو هستند و می‌توانند استیضاح شوند. استانداران را دولت از بین کارکنان رسمی خود، دارای مدرک حداقل کارشناسی ارشد و داشتن بیست سال تجربه مدیریتی (و حتی‌المقدور بومی استان) و حداکثر برای دو دوره پنج ساله، انتخاب می‌کند و مجاز به بکارگیری بازنشستگان نمی‌باشد.

بند ۱- دولت موظف است تمرکززدایی در ساختار اداری خود را سرلوحه کار خود بداند و توسعه اختیارات استانداری‌ها را بسیار تقویت نماید و تصویب طرح‌های ملی و اولویت‌بندی آن‌ها و چگونگی تخصیص منابع مالی عمومی به این طرح‌ها را به شورای عالی هر استان واگذار کند.

بند ۲- شورای عالی استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شود و اعضای آن عبارتند از: استاندار به همراه سه معاون، رئیس شورای اصناف استان و نمایندگان شوراهای شهرستان‌های آن استان. این شورا بالاترین مرجع تصمیم‌گیری درباره وظایف دولت در هر استان می‌باشد. تصمیمات شورا با رأی اکثریت نسبی اعتبار خواهد داشت. استاندار موظف است که اجرایی شدن مصوبات این شورا را پیگیری و پشتیبانی نماید. تصویب طرح‌های محلی و ملی دریافتی از روستاها و شهرهای استان و تعیین میزان سهم مالی بخش ملی و چگونگی نظارت بر پیشرفت و تخصیص منابع به آن‌ها، نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها و هماهنگی و انتقال تجربیات بین آن‌ها، تصویب برخی عوارض برای استان و یا برخی شهرهای آن، از جمله مهمترین وظایف این شوراها می‌باشد. اولویت‌بندی طرح‌های محلی و ملی با شورای عالی استان‌هاست و مصوبات این شوراها، از نظر دولت و اختصاص بودجه، قطعی محسوب می‌شوند.

بند ۳- رده و تقسیم‌بندی مناطق مسکونی بترتیب جمعیت عبارتند از: روستا، بخش، شهر، مرکز استان که هر یک دارای دو محدوده (یکی محدوده مسکونی و دیگری محدوده ملی) می‌باشند. مسئولین اداره‌کننده این مناطق بترتیب عبارتند از: دهدار، بخشدار، شهردار و شهردار مرکز. در هر یک از این مناطق شوراهایی با انتخاب ساکنین آن‌ها تشکیل می‌شود و این افراد را تعیین

می‌کنند. محدوده‌های گفته شده طوری تقسیم می‌شوند که همهٔ مساحت استان را پوشش دهند. مسئولیت ادارهٔ هر دو محدوده با مسئولین گفته شده و شوراهای مربوط می‌باشد. دولت موظف است این نواحی و تقسیمات را تعیین و در مجلس شورای اسلامی به تصویب برساند. با ترتیب گفته شده، رده‌بندی فرمانداری از تقسیمات کشوری حذف و وظایف آن‌ها به مسئولین اداره‌کننده هر منطقه و شوراهای آن‌ها منتقل می‌شود و پیگیری و نظارت بر عملکرد شوراها و اداره‌کنندگان بر عهدهٔ استانداران می‌باشد.

بند ۴- استانداران مسئول برگزاری و نظارت بر حسن اجرای انتخابات در همهٔ نهادها، استانی و کشوری در استان، برابر مفاد این مجموعه قوانین اساسی و یا قوانین عادی دیگر، می‌باشند. برای تحقق این بند در هر استان، یک ستاد انتخابات با مسئولیت و نظارت استاندار (بطور موقت و یا دائم) تشکیل می‌شود. کلیهٔ مسئولان نهادها در سطح استان موظف به همکاری با ستادهای انتخابات می‌باشند.

بند ۵- مسئول برقراری امنیت در هر استان بر عهدهٔ استاندار می‌باشد و نیروی انتظامی ضمن انجام وظایف خود، تابع اوامر ایشان در مواقع لازم می‌باشند و برای اقدام در این موارد، نیاز به مجوز از رده‌های سازمانی خود ندارند.

بند ۶- استانداران موظف به پیشبرد طرح‌های ملی بین استانی و همکاری با یکدیگر می‌باشند.

بند ۷- در هر استانی لازم است ستادهای بحران حوادث زیر نظر مستقیم استاندار ایجاد و امکاناتی برای موارد بحران تهیه نمایند. هر استان باید معین یک و یا چند استان همجوار خود باشد.

بند ۸- استانداران مسئول ایجاد و رئیس صندوق‌های نوآوری و شکوفایی استان خود می‌باشند. ایشان موظف هستند برای این صندوق‌ها هیئت امنایی متشکل از سه نفر از اساتید دانشگاهی و سه نفر نماینده از شورای اصناف تشکیل دهند و برای میزان و چگونگی وام‌های اعطایی به شرکت‌های دانش‌بنیان تصمیم‌گیری نمایند. طرح‌های این شرکت‌ها باید دارای سطح آمادگی فناوری پنج و بیشتر باشند و یک صنعت بهره‌بردار کارفرمای نتایج طرح بوده و سی درصد هزینهٔ طرح را برعهده گرفته باشد. در این شرایط، یک قرارداد سه‌جانبه بین صندوق، صنعت و شرکت دانش‌بنیان منعقد و تا سقف هفتاد درصد از مبلغ طرح متناسب با پیشرفت (برابر بند ۱۵ اصل ۳۷)، وام بدون بهره با بازپرداخت، ۵ ساله به این شرکت‌ها داده می‌شود. جهت‌گیری کلی این وام‌ها، کمک به تحقق نوآوری در صنعت می‌باشد.

بند ۹- هر استان باید تلاش نماید که زنجیرهٔ تحقیقات علمی کاربردی و تأمین مراکز اقتصادی و صنعت خود را با کمک همسایگان تکمیل نماید و با ایجاد تنوع در مشاغل و ظرفیت‌های جدید، خوداتکایی را سرلوحهٔ تصویب طرح‌های استانی و ملی خود قرار دهد. بند ۱۰- استانداران مجاز هستند بطور محلی، منطقه‌ای و یا استانی، عوارضی وضع نمایند و درآمدهای حاصله را با نظر شورای عالی استان، فقط به طرح‌های محلی اختصاص دهند.

بند ۱۱- استانداران مجاز هستند با مسئولین استان‌های کشورهای همجوار خود تفاهم‌نامه‌ها و یا قراردادهای اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی و خدمات فنی منعقد نمایند. این موارد باید با نظر موافق مجلس شورای اسلامی صورت گیرد.

اصل ۵۷- حراست، مراقبت و حفظ مرزهای هوایی، زمینی و آبی کشور، همکاری امنیتی و دفاعی مرزی و غیرمرزی با همسایگان، کشف و مبارزهٔ مشهود و آشکار با اخلالگران فردی، گروهی، شور شهای خیابانی و اقدامات مخمل امنیت و نظم عمومی، حفاظت پیرامونی از مجامع عمومی، همایش‌های ملی، گروه‌های سیاسی و مراکز حساس امنیتی و سفارتخانه‌ها، تأمین امنیت شهری، جاده‌ای، اماکن تفریحی و ورزشی عمومی، تأمین سلاح و تجهیزات نظامی مورد نیاز دفاعی و امنیتی، آموزش‌های عمومی دفاع شهری و سرزمینی، انجام و حمایت از پژوهش‌های علمی، فناورانه و نوآوری و بومی‌سازی صنایع دفاعی، آموزش‌های عالی و تخصصی و تربیت نیروهای انسانی نظامی مورد نیاز کشور، احیاء و زنده نگه‌داشت فرهنگ دفاع مقدس، بسیج مردمی در موارد

بحران و انجام خدمات ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار، انجام امور مستشاری نظامی در کشورهای غیرهمسایه (برابر مفاد بند ۴ اصل ۴)، تأمین امنیت پروازهای داخلی و خارجی، دفاع و پدافند سایبری، رصد و روندشناسی امور نظامی سایر کشورها، ارتقای هوشمندی دفاعی و پیشگیری از غافلگیری و فریب، انجام امور اطلاعاتی و امنیتی درون نیروهای مسلح، انجام امور اطلاعاتی و امنیتی سیاسی خارجی و همکاری با دولت در موارد داخلی همین زمینه، حراست و تأمین امنیت از حمل و نقل دریایی در آبهای مرزی و فرامرزی، انتقال فناوری‌های دومانظوره به بخش ملی و کمک به نوآوری‌های صنعت غیردفاعی، حفظ آمادگی دفاعی و رزمی نیروهای مسلح در زمان صلح، وظایف مهم نیروهای مسلح می‌باشد.

بند ۱- فرماندهی کل نیروهای مسلح با رهبر و کلیه انتصابات سران قوای نظامی و انتظامی با ایشان است. واحد (یا دفتری) زیر نظر ایشان امور هماهنگی و ارتباطی فرماندهی را انجام می‌دهند. ساختار این دفتر باید توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شود.

بند ۲- رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح برای مدت ۵ سال حداکثر برای دو دوره توسط رهبر تعیین می‌شود. ساختار و وظایف این ستاد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۳- این نهاد مجاز به داشتن تنها یک دانشگاه دفاعی است و سایر نهادهای آموزشی نظامی عالی این نهاد، جزو زیرمجموعه‌های این دانشگاه محسوب می‌شوند. این دانشگاه تنها مجاز به پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد به بالا می‌باشد. این دانشگاه مسئول تولید علم و فناوری‌های دفاعی نوظهور و بدیع و نو مورد نیاز دفاعی تا سطح آمادگی پنج خواهد بود و توسعه فناوری‌ها و تکمیل فرآیند نوآوری آن‌ها، در پژوهشکده‌های جوار صنایع دفاعی و با همکاری علمی و فنی واحدهای خودکفایی نیروهای نظامی صورت می‌گیرد. برای نظارت و راهبری عالی مسیر تحقیقات تا دستیابی به محصولات دفاعی و همچنین هماهنگی، تعامل و همکاری بخش ملی در این راستا، مؤسسه‌ای بالادستی در این نهاد ایجاد می‌شود. ساختار دانشگاه و مؤسسه مزبور را مجلس شورای اسلامی تصویب می‌کند.

بند ۴- نیروهای نظامی این نهاد عبارتند از: هوایی، موشکی و هوافضا، زمینی، دریایی، انتظامی، واکنش سریع و جنگ‌های نامنظم قدس. این نیروها از ادغام واحدهای نظامی سپاه و ارتش بوجود می‌آیند.

بند ۵- این نهاد دارای دو واحد اطلاعات و امنیتی برای امور داخلی نهاد و دیگری برای خارج از کشور خواهد داشت که در موارد مفاسد اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و بویژه سیاسی داخلی با دولت همکاری لازم را بعمل می‌آورد.

بند ۶- این نهاد مجاز نمی‌باشد که در امور سیاسی دخالت نماید.

بند ۷- این نهاد مجاز نمی‌باشد که در امور اقتصادی بنگاه‌داری کند و یا دارای شرکت‌هایی وابسته و تحت پوشش باشد، ولی می‌تواند در مراکز اقتصادی، سهامی کمتر از بیست درصد داشته باشد.

بند ۸- این نهاد می‌تواند در مواردی که دولت درخواست نماید، در ساخت مراکز اقتصادی و زیربنایی، بازسازی مناطق محروم و آسیب‌دیده، مانند یک پیمانکار عمل نماید.

بند ۹- این نهاد تنها مجاز است که تجهیزات نظامی و سلاح را در صنایع دفاعی رأساً تولید کند و سایر لوازم ضروری نظامی و یا عمومی مانند البسه، کفش و نظایر این‌ها، باید در بخش ملی تولید شوند. هر چند که این نهاد می‌تواند برای ساخت سامانه‌ها و زیرسامانه‌های نظامی خود نیز، با روش تولید بدون کارخانه، از بخش ملی استفاده نماید.

بند ۱۰- این نهاد موظف است امور پدافند غیرعامل کشور را راهبری و نظارت نماید.

بند ۱۱- حقوق و مزایای اعضای پژوهشی و آموزشی دارای مدرک دکتری این نهاد، مانند دانشگاه‌های بخش ملی می‌باشد.

بند ۱۲- کلیه امور پژوهشی و صنعتی مرتبط با دفاع و پدافند نوین این نهاد، در یک سازمان و با ملاحظات ویژه انجام و پیگیری می‌شود. این سازمان موظف است حداکثر بهره‌گیری را از بخش ملی داشته باشد.

بند ۱۳- بسیج واحد مردمی و عمومی نیمه‌نظامی این نهاد نظامی است که بمنظور یکپارچگی فکری و همسوسازی اراده افراد، تقویت کار گروهی و ایجاد فرهنگ مشترک در اقشار مردم، برای پاسداری و حفظ ارزش‌ها، دستاوردها و آرمان‌های انقلاب، در گستره سرزمینی کشور فعالیت می‌کند.

اصل ۵۸- پاسداری از روند تکاملی تمدن سازی کشور مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌ها، هدایت و ارشاد عموم بر خداجویی و نهادینه شدن صفات الهی در فرهنگ و زندگی مردم، تقویت باورهای دینی و امید به آینده و سازندگی کشور، نظارت و پاسخگویی تحقق مردم سالاری و تقویت نقش مردم در اداره امور کشور و کاهش دولت سالاری، مسئولیت وحدت‌بخشی اقشار کشور، الگو سازی راستی، صداقت و پاک‌دستی و فسادستیزی در جامعه، نظارت بر بومی سازی و تکیه بر توان داخل و پیاده سازی اقتصاد مقاومتی، نظارت و پاسخگویی بر جریان سازی عدالت در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی، جوان‌گرایی و جذب نخبگان در حاکمیت، نظارت بر استقلال سیاسی و عزت کشور مبتنی بر حکمت و مصلحت، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلام حکومت نظامی بطور بخشی و یا سراسری، اعلام فرمان دفاع از سرزمین و یا پذیرفتن صلح، تنفیض حکم ریاست جمهوری، انتخاب رئیس قوه قضائیه و سایر نمایندگان رهبری برای نهادهای مندرج در این مجموعه قوانین اساسی، حمایت از محرومان جامعه و نظارت بر فقرزدایی، راهبری امور مساجد و بقاع متبرکه داخلی و تعیین امامان جمعه در شهرها، هدایت و راهبری روابط فرهنگی و تبلیغی با جهان بویژه مسلمانان، نظارت بر امور حج و اماکن زیارتی خارج از کشور، تلاش در جهت تقریب مذاهب و ایجاد روابط با مراکز علمی و فکری اسلامی، ایجاد هماهنگی بین سه رکن دیگر، از جمله وظایف رهبری در کشور می‌باشد.

بند ۱- رهبر توسط مجلس خبرگان برابر مفاد این مجموعه قوانین اساسی انتخاب می‌شود، ولی در هر شرایطی، سن رهبر نمی‌تواند بیشتر از هشتاد سال باشد. رهبر باید دارای: تقوای شخصی، حداقل مرتبه علمی دکترای دینی، توانائی اجتهاد، بینش سیاسی و اجتماعی، شجاعت و قدرت کافی در مدیریت باشد. ساختار نهاد رهبری باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

بند ۲- اگر مجلس خبرگان بنابر بند ۱۴ اصل ۵۳، یک شورای رهبری موقت برای مدت سه سال تعیین کرده باشد، رهبری موظف است که این شور را با امور و وظایف رهبری آشنا و یا حتی برخی مسئولیت‌های خود را به اعضای این شورا محول نماید، بطوری که مجلس خبرگان در زمان مقرر، ارزیابی بهتری از این افراد برای انتخاب رهبر آینده داشته باشند. بعد از گذشت سه سال، مجلس خبرگان رهبری می‌تواند این شورا را کان‌لم یکن اعلام کرده و یا برای یک دوره سه ساله دیگر، همان ترکیب و یا با افراد جدیدی، شورای رهبری را انتخاب نماید.

بند ۳- رهبر مانند هر فرد در برابر قانون یکسان است و ایشان نمی‌تواند اجرای قانون را برای خود و یا دیگران نقض کند.

بند ۴- رهبری باید تلاش و مراقبت نماید تا مردم سالاری برابر این مجموعه قوانین اساسی در همه شئون کشور اجرایی شود. اعمال این بخش از وظایف رهبری، اولاً با تذکر به نهاد و مسئول مربوط برای اصلاح و ثانیاً ارجاع اشکال به مجلس شورای اسلامی، برای اصلاح و یا وضع قوانین عادی جدید می‌باشد.

بند ۵- همه ارکان و نهادها موظف هستند در صورت درخواست رهبری، گزارش لازم برای ایشان تهیه و تقدیم نمایند.

بند ۶- نظارت رهبری از نوع استصوابی نیست و رهبر نمی‌تواند در اداره امور کشور و در حوزه وظایف دیگر ارکان و نهادها دخالت نماید، ولی اگر در مواردی بین آنها ناهماهنگی و اختلافی بروز کند، نظر ایشان بطور مستقیم و یا پس از بررسی چگونگی رفع اشکال توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و صحه‌گذاری ایشان، حکم فصل‌الخطاب محسوب می‌شود و لازم است اولاً اجرا شده و ثانیاً، برای تبدیل شدن به قوانین عادی، به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.

بند ۶- رهبری باید با بیان دقیق و ذکر مصادیق برای مجلس خبرگان رهبری و بطور عموم و کلی تر برای مردم، کارکردهای رهبری و تأثیر مستقیم نقش خود در کشور را بطور سالانه گزارش دهند.

بند ۷- در صورت تشخیص رهبری برای همه پرسى كشورى در مورد اصلاح، حذف و يا افزودن موادى جديد به اين مجموعه قوانين اساسى، مجلس شورای اسلامى موظف است برابر اصل ۵۰ و در كمترين زمان، در مورد درخواست رهبرى تصميم گيرى نمايد.

بند ۸- در صورت تشخیص رهبر مبنی بر عدم کفایت رئیس جمهور و درخواست بررسی در این مورد از مجلس شورای اسلامی، آن مجلس موظف است برابر اصل ۵۰، در کمترین زمان، در مورد درخواست رهبری تصمیم گیری نماید.

بند ۹- اعلام جنگ بصورت بخشی و یا سراسری برای دفاع در برابر تجاوز بیگانگان به حریم سرزمینی کشور و مدیریت نیروهای مسلح کشور تا رفع و دفع متجاوز از مرزها، بعهدۀ رهبری است. ولی برای ورود به حریم کشور بیگانه برای استحکام مواضع دفاعی، نیاز به مجوز از مجلس شورای اسلامی دارد. مجلس موظف است درخواست محرمانۀ رهبری را بطور غیرعلنی با رأی اکثریت مطلق، تصمیم گیری نماید و محرمانه به رهبری اطلاع دهد و لازم است مجلس شورای اسلامی در اولین فرصت ممکن، مراتب را به آگاهی عموم برساند.

بند ۱۰- پذیرش صلح با رهبری است، ولی چنانچه نظر رئیس جمهور و یا نمایندگان مجلس، در مورد زمان و یا چگونگی شرایط پذیرش صلح با ایشان متفاوت باشد، رأی هشتاد درصد نمایندگان تعیین کننده خواهد بود.

بند ۱۱- شرایط عفو زندانیان باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تشخیص احراز شرایط برای عفو زندانیان، بنابر پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، برعهده رهبری می باشد.

بند ۱۲- در صورتی که رئیس جمهور و معاون اول ایشان، بدلایلی و بطور همزمان، نتوانند برای مدت کوتاهی انجام وظیفه نمایند، رهبر موظف است از بین وزرا و یا معاونین رئیس جمهور وقت، فردی را بطور موقت برای اداره هیئت دولت و امور اجرایی کشور با حفظ سمت، منصوب نمایند. ولی در صورتی که عدم اجرای وظایف برای هر دو غیرممکن و یا قرار باشد بیش از دو ماه طول بکشد، لازم است دولت ظرف دو ماه انتخابات جدید ریاست جمهوری را برگزار نماید. در هر صورت، فرد منصوب شده مجاز به تغییرات در کابینه و استانداران یا اقدامات اساسی نبوده و مجلس شورای اسلامی نیز نباید در این موارد اقداماتی داشته باشد.

بند ۱۳- رهبر، رئیس جمهور، وزرا و معاونین ایشان، همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس و معاونین قوه قضائیه موظف هستند، قبل و بعد از گرفتن مسئولیت خود، فهرست اموال و دارائی های خود را به عموم مردم اعلام نمایند.

پایان